

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## پژوهش نامه تاریخ تشیع

### پژوهش نامه تاریخ تشیع

صاحب امتیاز: انجمن ایرانی تاریخ اسلام

فصل نامه علمی - دوره جدید، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

#### هیأت تحریریه

عباس احمدوند (دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی)

محسن الویری (استاد گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم)

احمد بادکوبه هزاهو (استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران)

محمد رضا بارانی (دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س))

منصور پهلوان (استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران)

حسین حسینیان مقدم (دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

سید احمدرضا خضری (استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران)

نعمت الله صفری فروشانی (استاد گروه تاریخ اسلام مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره))

دلالت عباس (استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لبنان)

عمار عبودی محمد حسین نصار (استاد دانشگاه کوفه)

حیب فیاض (استاد دانشگاه لبنان)

اصغر منتظرالقائم (استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان)

سید علیرضا واسعی (دانشیار گروه هنر و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

#### مدیر مسئول و سردبیر:

دکتر سید احمدرضا خضری

#### مدیر داخلی:

دکتر مینا توانا

#### ویراستار:

دکتر سمیه غلامیان

#### صفحه آرا:

سید محمد رضا طباطبایی

ناشر: انجمن ایرانی تاریخ اسلام (با همکاری دانشگاه علامه طباطبایی)

نشانی: تهران، خیابان استاد مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتاح، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران،

انجمن ایرانی تاریخ اسلام - کد پستی: ۱۵۷۶۶۱۳۱۱۱

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۷۴۲۴۷۷

سایت: <http://www.sh-isihistory.ir>

فصل نامه پژوهش نامه تاریخ تشیع به استناد نامه کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، به شماره ۹۸/۰۱/۲۰ مورخ ۳/۱۸/۲۷۰۸۷۳ مجوز اولیه اعتبار علمی را دریافت کرده است.



## شیوه‌نامه نگارش

- مقاله‌های دارای ارزش علمی، در همه زمینه‌های تاریخ تشیع، برای بررسی و چاپ در مجله پذیرفته خواهد شد.
- هینت تحریریه مجله در پذیرش یا رد و ویرایش مقاله آزاد است.
- مسئولیت مطالب مقاله چاپ شده در مجله، بر عهده نویسنده یا نویسندگان است.
- تنها مقاله‌هایی داوری و چاپ می‌شود که حاصل پژوهشی بدیع باشد و در جایی دیگر منتشر نشده باشد.
- مقاله‌هایی که برای این مجله فرستاده می‌شود، نباید به طور هم‌زمان برای مجله‌های دیگر فرستاده شود.
- چنانچه مقاله‌ای چند نویسنده داشته باشد، تمام مکاتبات و مسئولیت مقاله با نویسنده مسئول یا ارسال کننده مقاله است.
- حق ردّ یا پذیرش و نیز ویراستاری محتوایی مقاله‌ها برای مجله محفوظ است.
- همه مسئولیت‌های علمی و حقوقی مقاله بر عهده نویسنده/نویسندگان است.
- نقل و اقتباس از مقاله‌های پژوهشنامه تاریخ اسلام با ذکر مأخذ، آزاد است.
- ترتیب مقالات در هر شماره مجله بر اساس نظم تاریخی است.
- مقاله ارسالی باید دارای قسمت‌های زیر باشد:

○ عنوان

○ چکیده فارسی و انگلیسی

○ کلیدواژه‌ها

○ مقدمه (طرح مسأله و پیشینه پژوهش، شرح پرسش یا فرضیه‌های اصلی، روش، هدف و ضرورت پژوهش)

○ پیکره (بخش‌های گوناگون مقاله)

○ نتیجه

○ فهرست منابع

- چکیده فارسی مقاله، یک پاراگراف (حداکثر ۱۵۰ کلمه) و چکیده انگلیسی، ترجمه چکیده فارسی باشد.
- عنوان مقاله کوتاه، گویا و بیان‌کننده محتوای مقاله باشد.
- حجم مقاله بیش از ۶۰۰۰ کلمه نباشد.
- مقاله در محیط Word 2010 یا نسخه‌های جدیدتر آن، با قلم فارسی IRLotus، برای متن اصلی با اندازه ۱۴، برای چکیده و فهرست منابع با اندازه ۱۲ و پاورقی با اندازه ۱۰، حروف‌نگاری شود. برای حروف انگلیسی از Times New Roman در متن اصلی با اندازه ۱۲، فهرست منابع ۱۰ و پاورقی ۸ استفاده شود. فاصله بین خطوط ۱ باشد. تیرها پررنگ شود و قوانین نگارش و تایپ رعایت گردد.
- «ها»ی نشان جمع با نیم‌فاصله از کلمه قبل خود جدا نوشته می‌شود (معمولاً با گرفتن همزمان Ctrl و علامت "«").
- بنویسیم: دیوان‌ها      ننویسیم: دیوان‌ها/دیوانها
- «ای» نشانه نکره یا نسبت، پس از کلمات مختوم به «ه» ناملفوظ، با نیم‌فاصله نوشته می‌شود:
  - بنویسیم: برنامه‌ای جامع      ننویسیم: برنامه‌ای جامع
  - بنویسیم: نیروهای فرمانطقه‌ای ننویسیم: نیروهای فرا منطقه‌ای
- تمام اسم‌ها، صفت‌ها، قیده‌ها و نیز حرف‌های مرکب با نیم‌فاصله نوشته می‌شود:
  - توسعه‌طلبی، دل‌نگرانی، سازماندهی شده، فرصت‌طلبانه، پرهزینه، به‌زودی، به‌ویژه، به‌تدریج، درواقع، بررغم، درمورد، ازبرای، به‌عنوان، به‌منزله، به‌سبب، به‌خاطر، به‌واسطه
  - صفت‌های تفصیلی و عالی با نیم‌فاصله نوشته می‌شود: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین
  - فعل‌های کمکی یا معین با نیم‌فاصله نسبت به فعل اصلی نوشته می‌شود:

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

## شیوه نامه نگارش

○ بنویسیم: رفته است

○ بنویسیم: رفته است

○ بنویسیم: گفته باشد/ برخاسته بودم

○ بنویسیم: گفته باشد/ برخاسته بودم

- نشانه «می» در آغاز فعل با نیم فاصله نوشته می شود: می نویسد، می نوشت
- حروف ربط مرکب با نیم فاصله نوشته می شود: چنان که، در صورتی که، آن که، وقتی که، همین که، چنان چه، از آنجا که
- کلمات مختوم به «ه» غیر ملفوظ، در صورت اضافه شدن به کلمه بعدی، بدون «ه» یا «ی» نوشته می شود: درباره موضوع، هفته آینده
- کلمه «درباره» پیوسته بدون «ه» نوشته می شود.
- علامت های تونین در کلمات متون اظهار نمی شود: عملا، اتفاقا
- در «عبارت های فعلی»، که دست کم از یک حرف و یک اسم و یک فعل ساخته می شوند، حرف اضافه، نزدیک به اسم (نیم فاصله) نوشته می شود: به خدمت گرفتن، از پس کار برآمدن، از یاد بردن، به شمار آوردن
- سال های شمسی بدون هیچ علامت اختصاری نوشته می شوند و سال های قمری با «ق» و میلادی با «م» نمایش داده می شود.
- بعد از آوردن اعداد در آغاز سطور جهت شمارش، نقطه می آید نه خط تیره ۱. ۲. ۳.
- کلمات حتی الامکان مشکوک نشود: نویسیم «جستار»، بنویسیم: «جستار»
- علایم سجاوندی (، - ؛ - . و ..) هیچ گاه قبل از پرانتز یا گیومه نمی آیند، بلکه بعد از آن ها درج می شوند:
  - مثال: این سخن سعدی که «مستعجل به سر درآید»، هشدار است برای شتابندگان.
- تمام علایم سجاوندی نسبت به کلمه قبل بی فاصله و با کلمه بعدی با یک فاصله کامل نوشته می شود.
- اسامی خاص شکل گذاری شوند: ابوذر غفاری، ابوحاتم سجستانی، دینور
- آیات قرآنی، روایات و عبارت های عربی، اعراب گذاری و ترجمه شوند.
- برخی اختصارات مورد نیاز: د. درگذشته، ق. قمری، ش. شمسی، م. میلادی، حک: حکومت، نک: نگاه کنید به، قس: مقایسه کنید با، رک: رجوع کنید به.
- شیوه برگردان / آوانگاری برخی اعلام تاریخی و جغرافیایی به زبان انگلیسی، براساس الگوی دایره المعارف اسلام (EI<sup>2</sup>) است.
- درج ارجاعات به منابع در متن به صورت (نام اشهر نویسنده، سال انتشار، جلد، صفحه) آورده شود. مثال: (Willim, 1982, v 1, p 28) یا (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۷).
- ارجاعات توضیحی، ضبط لاتین کلمات، شرح اصطلاحات و غیره در پانویس آورده شود .
- فهرست منابع به ترتیب حروف الفبا و به ترتیب زیر آورده شود:
  - کتاب: نام خانوادگی (أشهر)، نام، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل نشر، نام ناشر، سال چاپ.
  - مقاله: نام خانوادگی، نام، «عنوان مقاله»، نام مجله، جلد (نوبت)، سال و ماه انتشار.
  - نام مجلات و کتاب ها همواره مورب (ایتالیک یا ایرانیک) نوشته شوند.
  - مقالات رسیده اگر بدون توجه به این قواعد نوشته شده باشند در چرخه ارزیابی قرار نخواهند گرفت.
- مقالات خود را با این نشانی <http://www.sh-isihiistory.ir> برای پژوهشنامه ارسال نمایید.

پژوهشنامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،

شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

## فهرست مطالب

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱

- عتبات و نقش تأثیرگذار و سازنده مرجعیت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی ..... ۱
- نقش تجار ایرانی در بازسازی عتباتعالیات از دوره صفویه تا پایان قاجار (باتکیه بر گزارش سفرنامه‌نویسان اروپایی) ..... ۱۷
- تحلیلی بر برات‌های دیوانی و برات صرف روشنایی قندیل‌های روضه مقدس امام حسین (ع) از طرف ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۹۴ق) ..... ۳۹
- نقش زنان ایرانی در بازسازی عتباتعالیات در دوره صفوی و قاجار (۱۳۴۳-۹۰۷ هـ. ق) ... ۵۷
- صدر اصفهانی و عمران عتبات ..... ۹۵
- رویکردهای فرهنگی در نگارش کتیبه‌های حرم علوی در چهار قرن اخیر ..... ۱۱۳



## عتبات و نقش تأثیرگذار و سازنده مرجعیت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی

محمدحسین ریاحی

### چکیده

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱

عتبات در رهگذر ایام و به‌ویژه در چند دهه اول قرن بیستم میلادی شاهد اتفاق‌ها و وقایع بسیاری بود. عراق چندین قرن زیر سیطره خلافت عثمانی و به‌عنوان جزئی از امپراتوری بزرگ اسلامی واقع شده بود؛ اما با شگردهای استعماری غرب و در قرارداد موسوم به سایکس پیکو (۱۹۱۶ م) بخشی از سلطه بریتانیا به حساب آمد و شهرهای آن و مهم‌تر از همه عتبات با توجه به تبعات این مسئله به‌شدت مورد تهدید قرار گرفت. مراجع تقلید شیعه که همواره به حفظ حدود و ثغور قلمرو مسلمانان، رهایی از تسلط بیگانگان، وحدت اسلامی و پیشبرد مقاصد معنوی و مادی جامعه توجه داشتند در این دوران سخت با درایت، بردباری و اعتقاد کامل به مبانی مسائل را زیر نظر داشتند و به مدیریت جامعه در ابعاد مختلف پرداختند. مرجعیت مطلق ده‌ساله مرحوم سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی (۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ ق) در عالم تشیع به‌ویژه عراق و عتبات از جمله نجف نشان از این مسئله دارد؛ به‌طوری‌که در آثار، اسناد و منابع بدان اشاره شده است. در پژوهش حاضر به فضای کارآمد این دوره با عنوان مرجعیت اصفهانی با توجه به سه موضوع توسعه علمی و فرهنگی، خدمات اجتماعی و وحدت اسلامی و مقابله با استعمار و نقش ایشان در این راستا توجه و تا اندازه‌ای تبیین و در پایان، به رسیدگی به امور اجتماعی و حقوق جامعه، اهتمام به وحدت و حفظ استقلال و امنیت عراق و عتبات در این دوره پاسخ داده شده است.

**کلید واژه‌ها:** عراق، عتبات عالیات، مرجعیت، سید ابوالحسن اصفهانی، رشد و تقویت حوزه، خدمات اجتماعی، استقلال، وحدت اسلامی، استعمارستیزی.

## مقدمه

از جمله مسائلی که باعث تحولات چشمگیر معنوی و فرهنگی عتبات عالیات به‌ویژه در سده‌های اخیر شده، حضور عالمان و اندیشمندان بزرگ دینی و شخصیت‌هایی از علمای مذهبی شیعه در عتبات بوده است. این مسئله به‌خصوص در دو قرن گذشته جلوه‌ای خاص و قابل توجه داشته است؛ از جمله این شخصیت‌ها مرجع بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ ق) است. اقدام‌ها و فعالیت‌های متعدّد او در زمینه‌های گوناگون و در ابعاد مختلف باعث گام‌هایی از ناحیه ایشان در سه مسئله یا موضوع در عتبات (در نجف، کربلا، سامرا و کاظمین) شده که در پژوهش حاضر به سه دسته تقسیم شده است: یکی، اقدام‌های علمی و توسعه و تبلیغ در راستای پیشبرد فرهنگ جامعه اسلامی و نیز تقویت حوزه‌های علمیّه تشیع به‌ویژه نجف و بقیه عتبات عالیات؛ دوم، رسیدگی به امور مردم و مسائل عمرانی عتبات برای شیعیان و یا حتی اهل سنت؛ سوم، امور سیاسی و گام‌هایی در خور تقدیر (از جمله دفاع از کیان جهان اسلام به‌ویژه استقلال عراق و حفظ امنیت و آرامش عتبات).

با توجه به موارد فوق دوران مرجعیت مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی در نجف (۱۳۵۵-۱۳۶۵ ق) را می‌توان از درخشان‌ترین ایام در رشد فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عتبات عالیات برشمرد که سهم مدیریت و رهبری این مرجع تیزبین و با درایت شیعه بسیار ستودنی است. در این پژوهش کوشش شده است که ابعاد مذکور با استناد به برخی منابع و اسناد بررسی شود تا نقش مؤثر و انکارناپذیر مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در این راستا بیشتر نمایان شود.

## توسعه علمی و فرهنگی

حوزه علمیّه نجف اشرف که با مهاجرت شیخ الطائفه، یعنی ابوجعفر محمد بن حسن بن علی معروف به شیخ طوسی از بغداد به نجف و در سال ۴۴۸ قمری بنیان گرفت، نهادی بود که با هزار سال عمر با برکت خود تاکنون پرورش صدها شخصیت عالم و عامل را

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

عهده‌دار بوده و از رهگذر آن تحولات ویژه علمی و معنوی بسیاری در آن صورت گرفته است.

در طی ده سده گذشته تأثیرگذاری این پایگاه برجسته روحانی در جوار بارگاه ملکوتی امام‌الموحّدین علی بن ابی طالب فیض‌های برجسته‌ای را برای جهان اسلام و به‌ویژه شیعه امامیه به همراه داشته است.

حوزه علمی نجف در جوار مرقد مطهر علوی مهم‌ترین نهاد آموزشی - معنوی شیعه در طول تاریخ است و از اواسط قرن پنجم هجری تاکنون مشعل فروزان علمی، فقهاتی و حدیثی را به دوش کشیده است (موجانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰-۱۱).

مرکز علمی شیعیان (امثال شیخ مفید بنیان آن را گذاشته بودند) پس از مصیبت‌هایی که بر منطقه کرخ بغداد (کاظمین) رخ داد برای همیشه به نجف اشرف منتقل و از آن زمان به بعد این نجف بود که اصلی‌ترین حوزه علمی در عتبات شد.

سید ابوالحسن اصفهانی که در مدیسه از رو ستاهای لنجان اصفهان چشم به جهان گشوده بود، دوران مقدماتی تحصیل را در حوزه علمی اصفهان گذراند و در سال ۱۳۰۷ قمری راهی عتبات عراق شد و در آنجا از شخصیت‌هایی ممتاز در فقه و اصول چون آیات عظام میرزا محمدحسن شیرازی (میرزای بزرگ)، میرزا حبیب‌الله رشتی، سید محمدکاظم یزدی و آخوند خراسانی استفاده کرد و در شهرهای سامرا، کربلا و نجف از استادان مبرّزی سود برد. سید ابوالحسن اصفهانی با جدیت، تلاش، زهد و ژرف نگری به نتایج مفید و مقامی والا دست یافت (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۲۰-۲۲).

پس از درگذشت شیرازی دوم (میرزا محمدتقی شیرازی) در سال ۱۳۳۹ قمری سه نفر به‌عنوان مرجعیت تقلید مطرح شدند که عبارت بودند از: آیات عظام: نائینی، کاشف الغطاء و سید ابوالحسن اصفهانی. با درگذشت دو نفر اول در سال ۱۳۵۵ قمری مقام مرجعیت و زعامت شیعیان در وجود آیت‌الله اصفهانی متمرکز و منحصر شد و تا ده سال بعد که زندگی را وداع گفت در این مقام باقی بود (خیابانی، ۱۳۸۲، ص ۹۳؛ العاملی، بی‌تا، ص ۳۳۲).

از جمله ویژگی‌های مهم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی رونق حوزه نجف بود (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۳۲). او فراست خاصی در اداره این حوزه به خرج داد که قبل از وی

سابقه نداشت (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

یکی از فرهیختگان و شخصیت‌های حوزوی در این باب آورده است: «آوازه علمی مرحوم سید (از عتبات عالیات) به شرق و غرب امت اسلامی رسید و او تنها پناهگاه مردم گردید. او جامع صفات حسنه و رفتارهای پسندیده بود و در قرن چهاردهم همانند خورشیدی در میان ستارگان درخشید. او مجدد مذهب و ملجا امت بود. عالمی بود عادل، فقیه، اصولی، سخاوتمند، شجاع، باتدبیر و محبوب القلوب. او دستی توانا در رتق و فتق امور دینی و مطالب شرعی داشت. هرگاه سخن می‌گفت همانند باران ریزش داشت و اگر سکوت می‌کرد، همانند دریا عمیق بود. هیچ‌کس بر او وارد نمی‌شد، مگر اینکه با خوشحالی از نزد او خارج می‌گشت و تصورش این بود که فقط او مورد عنایت سید واقع شده است. وی به تنهایی همه امور را انجام می‌داد. بدون آنکه معاون و مشاور داشته باشد. او هر آنچه را انجام می‌داد با استمداد از خداوند و با اتکا به تدبیر و آرا و نظرات حکیمانه خود او بود» (پاک‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۲۶-۲۷).

او اداره حوزه علمی بزرگ نجف، کربلا، کاظمین، سامره (سامرا) و سایر مکان‌ها را به عهده داشت و امور تمامی اهل علم را (هرجا که بودند) به شایستگی اداره می‌کرد. خلقتی کریم و هوشی سرشار و تحمل مشقات بسیار داشت. هرکسی را که سال پیش دیده بود، با یک نگاه می‌شناخت. بسیار بلند نظر و دست و دلباز بود. ریا ست دینی و مرجعیت تقلید لباسی بود که به حق براننده آن پیشوای عالی قدر و با عظمت شیعیان بود. شرق و غرب دنیای اسلام نام او را شنیده بودند و در بزرگداشتش کوشا بودند. تمامی شیعیان عصر به وجودش مفتخر و او نیز همه آنها را همچون فرزندان خویش زیر نظر داشت (دوانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶-۱۴۷).

آیت‌الله اصفهانی همواره بر آن بود که مانند اجداد طاهرینش گره‌گشای کار مردم باشد و به اهل علم نیز اهتمام خاصی داشت. او می‌فرمود: «درب خانه‌ام بر روی همگان باز است. هرکس مشکلی دارد، بیاید در توانم مشکل را حل کنم». چون خود سختی دیده بود به فکر زندگی طلاب بود. علاوه بر حوزه نجف به طلاب سامرا، کربلا، مشهد، قم و... شهریه می‌داد و به سادات و علویان کاظمین نیز رسیدگی می‌کرد (دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم،

۱۳۷۳، ص ۴۳).

از مواردی که درباره مرحوم مدیسه‌ای نقل شده است این است که «سید ابوالحسن اصفهانی به جهت عدم قطع نان طلاب، حتی حاضر شد پول خانه خود را بدهد تا نان اهل علم قطع نشود و در این راستا آمده است: نانوایان نجف [به دلیل نبودن پشتوانه مالی] دیگر به طلبه‌ها نان نمی‌دادند. مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی پول مختصری تهیه کرده بودند برای منزل، آقا پول تهیه منزل را به نانوایان آنجا می‌دهند و می‌فرمایند نان را قطع نکنند و [شاید] سبب ظاهری مرجعیت ایشان همین جا بود. ایشان چنین گذشته می‌کنند و شهرت وی به جایی می‌رسد که تمام علمای نجف و ایران احترام و تکریم می‌کنند (مصاحبه با آیت‌الله سید محمد فقیه احمدآبادی، ۱۳۸۶؛ ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۴۳).

وی (مرحوم اصفهانی) برای رفاه بیشتر اهل علم خانه‌هایی را در عتبات به ویژه در نجف اجاره کرده بودند تا آنها به راحتی و آسودگی به تحصیل پردازند که حدود ۲۰۰ خانه بود (اصغری نژاد، ۱۳۷۳، ص ۵۷).

البته خود ایشان در زمان تحصیل و حتی پس از مرجعیت نیز مدتی اجاره‌نشین بود (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳، ص ۴۲).

جایگاه علمی و فقهی سید ابوالحسن در عتبات، عراق و سایر مجامع علمی و دینی به گونه‌ای بود که علامه سید محسن امینی العاملی می‌نویسد: «در سال ۱۳۵۲ قمری که به عراق سفر کردم و او را مورد ارزیابی قرار دادم، دیدم او مردی است دارای فکر عمیق و دانش و فقه وسیع و تدبیر نیکو و آگاه به امور. همت و تلاشش در راه اصلاح اجتماع صرف می‌شود. مهربان نسبت به همه مردم، دارای همت عالی، سخاوت و سیاسی بزرگ. اینها همه علاوه بر جایگاه علمی و فقهی و قوه اجتهادی بود که داشت و جداً لایق ریاست عامه شیعه بود» (العاملی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۲).

مجالس درس و بحث مرحوم اصفهانی در نجف بی نظیر و گرانبار بود. شاگردان بسیاری را تربیت کرد. به نوشته یکی از شاگردان او: «مرحوم آقا سید ابوالحسن مرد فوق‌العاده‌ای بود. بر فقه خیلی مسلط بود و بر این فن تبحر داشت. بر کرسی درس که قرار می‌گرفت «وسائل الشیعه» را باز و روایت‌های مربوط به بحث را قرائت می‌کرد. آنچنان دسته‌بندی

شده و جذّاب مطلب را ارائه می‌داد که از سان خسته نمی شد» (دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ص ۲۸).

او دیدگاه‌های علمی و فقهی والایی داشت و رونق خاصی را به مجالس در سی عتبات خاصه نجف بخشیده بود. آیت‌الله جعفری همدانی در این راستا آورده است: «از ابتدای ورود به نجف (۱۳۴۵ ق) در درس خارج مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی تا آخر عمر آن بزرگوار (۱۳۶۵ ق) شرکت کردم. انصافاً فقه خوبی داشت. مرحوم آقا شیخ محمدتقی آملی فقه ایشان را بر فقه مرحوم نائینی ترجیح می‌داد» (دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱، ص ۲۷).

به جز دقت نظر و تدابیر مرحوم اصفهانی در نجف، سایر شهرهای عتبات نیز از نظر علمی و اجرایی هم مورد توجه ایشان بود. او در بعضی مناسبت‌ها که به کربلا می‌رفتند، اهل علم نیز حضور داشتند و در منزلی نزدیک تل زینبیه جلوس داشت و جمعیت چشمگیری از طلاب و یا سایر اصناف به دیدار ایشان می‌شتافتند و بهره می‌بردند (دوانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴).

بسیاری از جماعات شیعه (علما و یا سایر طبقات) مسائل شرعی و دینی خود را با سید اصفهانی در میان می‌گذاشتند. در لبنان نه تنها شهرهای بزرگ و مراکز جمعیتی مهمی مانند بیروت، شهرک یا روستایی مانند «قانا» نیز با سید در ارتباط بودند (اصغری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۳۸۰-۳۸۱). شبه‌قاره هند و مراکز دینی در دهلی، لکهنو و یا شهرهای دیگر هم از حمایت‌ها و رهنمودهای آیت‌الله اصفهانی بهره‌مند بودند. مکاتباتی مانند نامه‌ای که به احتمال، سید به سید ناصر حسین (فرزند صاحب عبات) نوشته نشانگر این مسئله است (اصغری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۳۸۲-۳۸۳).

شخصیت اخلاقی، معنوی و علمی و محبوبیت اصفهانی چنان بود که میرزا محمدتقی شیرازی (میرزای دوم) نخستین مرجعی بود که احتیاطات خود را به اصفهانی ارجاع داد. طبسی نجفی در «الشیعه و الرجعه» اشاره می‌کند که میرزای شیرازی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی و شریعت اصفهانی را پس از خود شایسته مقام مرجعیت معرفی کرده بود. پس از وفات آیات نائینی و حائری یزدی در سال ۱۳۵۵ قمری و آقا ضیاء عراقی در ۱۳۶۱ قمری

مرجعیت تقلید شیعیان در بخش عمده جهان تشیع به شخص اصفهانی منحصر شد که این تمرکز قبل از او در وجود هیچ مرجعی دیده نشده بود (رجبی، ۱۳۸۲، ص ۵۶-۶۰).  
در مکتب عالمانه و فقه‌آیتی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی واقع در حوزه متبرک علوی (نجف اشرف) بسیاری از دانشوران فقه و اصول و مجتهدان عالی‌قدر و گرانمایه حاضر می‌شدند که بسیاری از آنان طلایه‌داران معنویت و دانش‌های دینی عتبات و سایر مناطق از جمله ایران بودند. بعضی از آنان عبارت است از حضرات آیات: سید محمود شاهرودی، سردار کابلی، سید علی یربلی کاشانی، میرزا آقا اصطهباناتی، محمدتقی آملی، سید ابوالحسن شمس‌آبادی، شیخ هاشم آملی، محمدرضا طبسی، سید عبدالله شیرازی، شیخ علی علیاری تبریزی، علامه سید محمدحسین طباطبایی و میرزا مهدی آشتیانی (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

### خدمات اجتماعی

تمسک به سیره علوی و تأسی به سنت اولیا الهی از جمله آموزه‌های مهمی بود که مرجع عالی‌قدر آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی همواره بدان تأکید و مدنظر داشت. این شخصیت وارسته به‌ویژه در زمان مرجعیت به امور مردم رسیدگی می‌کرد و در این راستا، به شدت مراقب حقوق جامعه بود. شیخ محمد شریعت، فرزند مرحوم آیت‌الله شیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی (متوفی ۱۳۳۹ قمری)، درباره پاره‌ای از خدمات آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی در خلال جنگ جهانی دوم گفته است: «در این جنگ خانمان‌سوز که فتنه و مصیبت آن تمام کره زمین را فراگرفته بود، عده‌ای از تجار حریص و خدانشناس سوء استفاده کردند و با انباشتن و احتکار مواد ضروری و مایحتاج عمومی مردم در انبارها عرصه را بیش از پیش بر آنان تنگ کردند. در مقابل، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی قرار داشت. مردی که همگان او را در شداید و سختی‌ها می‌شناختند. او همچون پدری مهربان دست نوازش خویش را بر سر مردم که به منزله فرزندان او بودند، می‌کشید. ایشان وقتی با احتکار مواد غذایی و عکس‌العمل نابخردانه تجار مواجه شد، نهایت سعی و کوشش خویش را در پایین آوردن نرخ‌ها و از بین بردن قحطی و رساندن مواد غذایی و ضروری مردم به عمل آورد. وی از هر راهی که برایش امکان داشت با این ناهنجاری به مبارزه برخاست.

در شرایط عادی و زمان صلح عده‌ای از نانوایان از طرف ایشان در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا مأموران پختن نان برای فقرا بودند و روزانه به‌طور رایگان نان در اختیارشان قرار می‌گرفت. طبق برآوردی که کرده‌اند، هزینه‌ای که مرحوم سید تنها برای نان روزانه فقرا صرف می‌کرد، میان ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ دینار در هر ماه بود. افزون بر این، شهریه و پرداخت‌های مرتبی داشت که به وکلا، فقرا و در ماندگان هر صنف و گروهی در کلیه شهرهای عراق پرداخت می‌کرد (اصغری‌نژاد، ۱۳۷۳، ص ۵۳).

«خانه‌اش بر روی همه باز بود چه اهل علم و یا سایر طبقات اجتماعی و مردم و ساکنین عتبات به‌ویژه نجف اشرف. وی مردی بسیار کریم و باسخاوت بود و مشکلات و گرفتاری‌های طالب را برطرف می‌کرد، هرکس خدمت ایشان می‌رسید و اظهار حاجت می‌کرد، دست خالی بر نمی‌گشت. یکی از فضلا می‌گفت: خدمتشان بودیم که طلبه‌ای اظهار داشت آقا! فلان طلبه از نظر زندگی در مضیقه است. قرض فراوانی دارد. تقاضای کمک کرده است. فرمود چرا خودش نمی‌آید؟ من بارها گفتم، واسطه قبول نمی‌کنم. درب خانه‌ام به روی همگان باز است. هرکس مشکلی دارد، بیاید در حد توانم مشکل را حل می‌کنم؛ چون خود سختی دیده بود به فکر زندگی طالب بود. علاوه بر حوزه نجف به طالب سامرا، کربلا و... شهریه می‌داد. به سادات و علویان کاظمین رسیدگی می‌کرد» (دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳، ص ۴۳).

کمک و مساعدت سید تنها منحصر به شیعیان عتبات نبود، اهل سنت و یا اهل کتاب را هم در بر می‌گرفت. شیوه مرحوم اصفهانی در کمک به مسلمانان به‌ویژه اهل سنت در سامرا گونه‌ای بود که در حفظ و مراقبت حرم عسکرین و نیز حفاظت از شیعیان ساکن در آنجا بسیار مؤثر بود. حکایت‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد این اقدام‌های مرحوم سید ابوالحسن در کمک به اهل سنت چه تأثیری در امنیت و آسایش زائران شیعی در سامرا داشته است (پاک‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

او با مردمان عتبات از جمله در نجف به‌گونه‌ای مساعدت می‌کرد که او را پدری بزرگوار و مهربان می‌دانستند. در یکی از روزها به سید گفتند: شخصی نیازمند است. سید گفت: پس چرا نیاز خود را بر من عرضه نمی‌کند؟ گفتند: شرم و حیا مانع این کار است. فرمود: آیا

از من که پدرش هستم، شرمگین است؟! در صورتی که سزاوار است، از طلبکارهای خویش که ممکن است بدهی خود را طلب کنند و به او ناسزا بگویند خجالت بکشد (اصغری نژاد، ۱۳۷۳، ص ۵۶-۵۷).

در رفع حوائج مردم در عتبات مساعی بسیار داشت. گاهی ماهیانه سی هزار دینار عراقی به نیازمندان می بخشید که معمولاً بسیاری از آن قرض بود که بعد آن را بار سیدن حواله‌ها پرداخت می‌کرد (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰).

کمک هزینه‌های مرحوم سید به جوانان به‌ویژه اهل علم از جمله در پرداخت اجاره‌بها و مسئله ازدواج در نجف، کربلا و کاظمین قابل توجه بود (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). علاوه بر آن، آیت‌الله اصفهانی مدافع حقوق اهل کتاب از جمله یهودیان در عتبات و عراق نیز بود (مصاحبه با آیت‌الله موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶).

آیت‌الله محمدعلی گرامی در باب محبوبیت بی نظیر سید ابوالحسن اصفهانی می‌نویسد: «مرجعیت آقا سید ابوالحسن را هیچ‌کس حتی مرحوم آقای بروجردی (متوفی ۱۳۴۰ ش) هم پیدا نکرد. در تمام این نشیب و فرازها همیشه با مردم گرم و صمیمی بود» (اصغری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷).

### وحدت اسلامی و مقابله با استعمار

از جمله تلاش‌های بسیاری از شخصیت‌های دینی و مراجع تقلید شیعه در عراق و عتبات به‌ویژه در دو سده گذشته مقابله با تصرف و اشغال عراق به‌ویژه در عتبات عالیات بوده است.

در این راستا مجاهدت‌های میرزای اول (محمدحسن شیرازی)، محمد سعید حبیبی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، میرزا محمدتقی شیرازی (میرزای دوم) و برخی دیگر از علمای شیعه را می‌توان نام برد. همچنین، در این زمره نیز مبارزه‌های خاندان‌هایی مانند آل کاشف الغطاء، شیرازی، صدر و حکیم تا سقوط رژیم بعثی در عراق را می‌توان مثال زد. وجود شخصیت‌هایی ممتاز تا حدودی در یک برهه زمانی یا نزدیک به یکدیگر در مبارزه‌ها با استعمار خارجی (به‌ویژه انگلستان) و یا استبداد داخلی (از حوزه علمیه نجف یا سایر حوزه‌های عتبات) و نیز در مسائل و موضوع‌های مربوط به عراق و یا ایران و حتی سایر

بلاد اسلامی قابل توجه بود. امثال آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد حسین نائینی و نیز سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی در حفظ استقلال و تمامیت کشورهایمانند عراق و عزت این سرزمین نقش بسیاری داشتند که در این راستا به نقش آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در مسائل و مواردی از جمله دفاع از عراق و عتبات، حفظ عزت و آبروی مسلمانان (شیعه و سنی) در مقابل اجانب و بیگانگان و نیز ایجاد وحدت ملی و حفظ مسالمت در این سرزمین به‌ویژه عتبات عالیات اشاره می‌شود. به گفته یکی از مراجع تقلید: «ایشان (سید ابوالحسن) از نظر علم و عمل و شعور سیاسی خیلی بالا بودند. مرجع علاوه بر ملا بودن باید متدین باشد، دنیا طلب نباشد و عاقل باشد. مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی انصافاً این گونه بوده است» (مصاحبه با آیت‌الله مظاهری، ۱۳۸۶).

آیت‌الله اصفهانی برای پیشبرد کشور عراق و حفظ جایگاه عتبات عالیات و نیز با توجه به شگردهای استعمار در تفرقه مسلمانان از جمله اختلاف بین شیعه و سنی به آنچه فکر می‌کرد یکپارچگی، اتحاد و حفظ وحدت بود. به گفته آقای سید محمد کاظم بجنوردی: «مسئله همزیستی بین شیعه و سنی [در عراق عهد مرجعیت آیت‌الله اصفهانی] قابل توجه بود. وقتی مرحوم اصفهانی به سامرا رفت، به همه کمک مالی می‌کرد، قلب آنها را جلب می‌کرد تا با شیعه همزیستی داشته باشند. این خیلی مؤثر بود که آیت‌الله اصفهانی تحیب قلوب می‌کرد، سخاوت ایشان معروف بود، به دوست و دشمن کمک می‌کرد؛ حتی کسانی که بدگویی می‌کردند به ایشان. سعه صدر سید کم‌نظیر بود (مصاحبه با موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶؛ ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۳۲-۳۳).

از دیگر مواضع آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که از سیره علمی و فقه سیاسی ایشان می‌توان استنباط کرد و در عراق و عتبات تأثیرگذار بود باید به مواردی از این قبیل اشاره کرد: - اعلان جهاد علیه انگلیس و فرانسه در زمان جنگ جهانی دوم و همراهی با مجاهدان شیعه و اهل سنت در این پیکار مقدس؛

- همگامی با فتوای میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای دوم) در انقلاب عراق؛

- برخورداری از مواضع سیاسی در مقابل فیصل اول، حکمران عراق و تحریم انتخابات؛

- فتوای جهاد با انگلیس (وقتی که انگلیس می‌خواست پایگاه‌های خود را در بصره حفظ کند)؛

- حمایت از مستمندان جامعه اسلامی و مبارزه با محترکان در زمان جنگ جهانی؛

- زیر نظر بودن در قصر «عارف آقا» در کاظمین.

مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی که از زمان ورود به نجف شاهد فتوای میرزای شیرازی بزرگ در مقابله با استعمار خارجی و استبداد داخلی بود خود نیز در مقابله با استعمار انگلیس فتوا صادر کرد (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۵۷).

ترجمه متن فتوای آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به وجوب دفاع از سرزمین عراق و عتبات عالیات:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر همه برادران مسلمان ما به خصوص برادران عراقی

وظیفه دینی بر همه مسلمانان لازم می‌دارد که در حفظ موقعیت درخشان اسلام و سرزمین‌های اسلامی تا آنجا که قدرت دارند، بکوشند و بر همه ما واجب است که سرزمین عراق را که مشاهد ائمه و مراکز دینی ما در آن است از تسلط کفار حفظ نموده و از نوامیس دینی آن دفاع کنیم. من شما را بر این دفاع دعوت و ترغیب و تشویق می‌کنم. خداوند ما و شما را برای خدمت به اسلام و مسلمین موفق فرماید. انشاءالله

۶ ربیع‌الثانی سال ۱۳۶۰ قمری

ابوالحسن موسوی اصفهانی (نورمحمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

فتوای مرحوم اصفهانی و بعضی علمای دیگر (درمقابل حاکمیت عوامل استعمار و انگلیس در عراق) چنان تأثیری در مردم گذاشت که امکان انتخابات را در شهرهایی چون نجف و کوفه سلب کرد. بعد از این رخدادها بود که استعمار پیر زمینه تبعید مراجع دینی را تدارک دید و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی را به ایران تبعید کرد (حائری، ۱۳۶۰، ص ۱۶۹).

این تبعید که به دلیل ترس و انعطاف حاکم عراق (ملک فیصل) از انگلیسی‌ها صورت پذیرفت، از طرفی، باعث اعتراض‌های گسترده‌ای در عتبات عالیات، سایر شهرهای عراق و

جهان تشیع و حتی سایر بلاد اسلامی و از طرف دیگر، باعث نگرانی شدید پادشاه عراق و احساس ترس او از تحولات و انقلاب‌ها در آنجا شد. بدین جهت، پس از مدتی (از تبعید آیات عظام اصفهانی و نائینی از عتبات به ایران) دولت عراق هیئتی مرکب از شیخ جواد جواهری، سید محمدعلی بحرالعلوم، میرزا مهدی خراسانی و سید باقر بلاط را به قم فرستاد و از آیت‌الله نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی و سایر علمای تبعیدشده پوزش خواستند و از آنها درخواست کردند به عراق برگردند. آنان دعوت را پذیرفتند و به عراق بازگشتند. مردم عراق نیز از آنها استقبال شایانی کردند (ریاحی، ۱۳۸۷، ص ۶۱).

عراق از جمله عتباتی است که بارها مورد هجوم و تاخت و تاز فرقه و هابیت که ساخته و پرداخته استعمار بود، قرار گرفته بود و تجاوزات آنان در این خطه نورانی باعث رقم خوردن فجایع بسیاری از جمله تعدی به حرم ائمه طاهرین شده بود. عراق و عتبات همواره تهدیدی برای مسلمان به حساب می‌آمد. مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و برخی دیگر از مراجع از جمله مرحوم نائینی هوشیاری و دقت خاصی داشتند تا از تجاوزهای احتمالی و دفع شر این گروه جلوگیری شود. متن نامه آیات عظام اصفهانی و نائینی به آیت‌الله خالصی مؤید چنین مطلبی است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجة الاسلام محمد مهدی خالصی دامت برکاته

اعتماد و اتکایی به وعده دولت بریتانیا مبنی بر دفع شر خوارج و وهابیون از سر مسلمانان نیست؛ بنابراین منتظر حضور شما در کربلا، چند روز قبل از دیدار اصلی هستیم و به رؤسای عشایر نظیر سید نوری (الیاسری) و امیر ربیعه و سایر روسا بعد از ابلاغ سلام ما دستور فرمایید، حضور یابند و ما نیز با رؤسای عشایر که در ناحیه ما هستند جهت مذاکره در امور آنها آماده‌ایم. انشاءالله تعالی.

ابوالحسن اصفهانی

شیخ محمدحسین غروی نائینی «(الرهیمی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷).

رفتار و منش مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی همواره باعث تقویت حوزه‌های عتبات به‌ویژه حوزه نجف اشرف و عزت و روحیه جمعی مسلمان و حفظ آبروی آنان

می شد. همچنین، این مسئله موجب تکریم غیرمسلمانان و اجانب به دقت و درایت ایشان بود. به ویژه اینکه بعضی از دیپلمات‌ها یا سیاستمداران و نمایندگان دولت‌های خارجی به ویژه غربی در صدد بودند تا به خصوص در حین جنگ جهانی دوم و یا پس از آن و بعد از انقلاب ۱۹۲۰ میلادی عراق گونه‌ای رفتار کنند تا از بازخورد خصمانه و خشم مسلمانان در عراق و عتبات در امان بمانند.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۳

رفتارهای آیت‌الله اصفهانی که نشان یا جلوه‌ای از حفظ و صیانت از اسلام و حریم جامعه اسلامی بود، حتی نمایندگان دولت غربی را به احترام خاصی به او وامی داشت. چندین نمونه از آن در برخی تألیفات و یا نوشته‌ها نقل شده است که به موردی اشاره می‌شود:

«رئیس قائد اولیا (گویا شخصی بوده است از ناحیه رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا) به همراه عده‌ای در نجف خدمت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی رسیده و می‌گوید: یک چک از طرف رئیس جمهور برای شما یا طلاب داده‌اند. چک را جلو مرحوم سید گذاشت و رفت سر جایش نشست. مرحوم سید بدون اینکه به مبلغ چک نگاهی بکند فرمود: خیلی متشکرم. من دارم و احتیاجی ندارم و طلبه‌ها را خودم به آنها می‌رسم. شما از طرف من این پول را به خانواده‌هایی بدهید که بر اثر این جنگ (جنگ جهانی دوم) خانه و کاشانه و یا شوهرانشان را از دست داده‌اند، به مصرف آنان برسانید».

حکایتی نیز شبیه به آن در گفت‌وگوی نویسنده پژوهش حاضر با مرحوم آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی از نوادگان دختری آیت‌الله اصفهانی ابراز شد که چنین است: «سفیر انگلیس یا نماینده دولت بریتانیا با ایشان ملاقات می‌کند و در این دیدار مبلغ زیادی را به عنوان کمک برای مسلمین تقدیم می‌نماید. آیت‌الله اصفهانی چک را می‌گیرد و معادل آن را اضافه می‌کند و می‌فرماید برای فقرای انگلیسی (لندن) استفاده کنند؛ طوری بود که احترام بیگانگان را هم برمی‌انگیخت» (مصاحبه با موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶). حتی وفات سید ابوالحسن اصفهانی هم باعث نجات آذربایجان و مانع جدایی آن از ایران در بحبوحه فتنه پیشه‌وری شد؛ به طوری که با رحلت ایشان اوج محبوبیت این مرجع عالی‌قدر نه تنها در عتبات، در بین شیعیان جهان آشکار شد. در ایران سه روز عزای عمومی اعلام شد. همراهی

مقام‌های دولتی با مردم متدین و روحانیت در آن زمان که فعالیت‌های حزب توده خطری جدی برای اسلام و مردم ایران محسوب می‌شد، بسیار حائز اهمیت بود. به‌خصوص که از زمان رضاخان به این طرف سابقه نداشت که دولت و شاه در یک امر مذهبی اینگونه خود را با مردم و روحانیت نشان دهند. (روحانی و دوانی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳-۱۱۶).

### نتیجه‌گیری

عتبات عالیات همواره کانونی برای حضور مسلمانان به‌ویژه شیعیان و با توجه به وجود مزارهای بعضی از امامان شیعه و والاترین شخصیت‌های جهان اسلام همواره از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مراکز معنوی مسلمانان به‌خصوص شیعیان بوده است.

موقعیت هرکدام از شهرها با عنوان عتبات (نجف، کربلا، سامرا و کاظمین) به‌دلیل وجود مزارهای ائمه باعث جاذبه‌های متعددی برای اهل معنا و عموم زائران شده که در این موضوع در ابعاد مختلف از جمله مسائل علمی و شکوفایی فرهنگی و رونق مراکز علمی و آموزشی به‌ویژه حوزه‌های علمیه خاصه در نجف اشرف تبلور خاصی داشته است.

وجود حوزه معنوی- علمی در نجف اشرف از قرن پنجم هجری کانونی شد تا شخصیت‌هایی بسیاری که از نقاط مختلف جهان اسلام برای فراگیری تعلیمات مذهبی و علوم شیعی روی آورده بودند (از عتبات و عراق و یا سایر مناطق)، منشأ آثار و خدمات فراوانی به‌ویژه از حیث علمی، اجتماعی و سیاسی شود. در این میان، بسیاری از آنها در زمره اشخاص مؤثر به حساب آمدند.

عتبات در دو سده گذشته شاهد تحولات چشمگیری از ناحیه شخصیت‌هایی روحانی (نجف، کربلا، سامرا و کاظمین) در زمینه‌های مختلف اعم از رونق و توسعه علوم اسلامی به‌ویژه فقه و اصول بود. این شخصیت‌های پرورش‌یافته حوزه از مهم‌ترین و مؤثرترین نیروهای ضد استعماری به‌ویژه در مقابله با انگلستان و نیز تهدید فرقه‌هایی چون وهابیت بودند.

آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی که در جوامع فکری و اجتماعی شیعیان از ایشان به نام افتخار شیعه یا فخر تشیع یاد می‌کنند، از جمله مراجعی است که به‌ویژه در یک

دهه (۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ قمری) به‌عنوان مرجع مطلق نقش بارز و مؤثری در زمینه‌های مختلف سازنده در جهان تشیع و حوزه‌های علمیه آن از جمله عتبات داشته است. به‌ویژه اینکه به اعتقاد بسیاری از مجامع و شخصیت‌ها به‌عنوان چهره مردمی، اصفهانی و (در عتبات و یا جهان تشیع) کم‌نظیر تلقی شده است.

مرحوم اصفهانی در طی این مدت در شکوفایی فرهنگی، توسعه و رونق حوزه نجف و سایر شهرهای عتبات نقش بی‌نظیر و مؤثری داشت. جذب طلاب، توسعه و ترمیم مدرسه‌ها، رسیدگی به امور آنان مشهود و چشمگیر بود.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۵

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی گام‌هایی ارزنده‌ای را در راستای وحدت و هم‌گرایی شیعه و سنی در حفظ استقلال و تمامیت عراق برداشت. ضمن اینکه در حفظ دستاوردهای انقلاب عراق و وجود حاکمیت مردمی مورد غضب پادشاه عراق قرار گرفت. رفتارهای او در مقابله با استعمارگران، حفظ حرمت عتبات و تمامیت شیعه و عامه مسلمانان بود و در این راستا با تمام وجود ایستادگی کرد.

کمک‌رسانی و همراهی‌های مالی اصفهانی و منش ایشان در خدمت به مردم در نجف، کربلا، کاظمین و سامرا محسوس و چشمگیر بود که نمونه‌هایی از آن در این پژوهش با توجه به منابع و اسناد به چشم می‌آید.

پاسخگویی و خدمات مرحوم سید نه تنها محدود به عتبات نبود، به‌جزء آن ایران، شبه‌قاره هند، مناطقی از شامات و لبنان و بسیاری از مناطق شیعه‌نشین دیگر را هم دربر می‌گرفت.

از جمله تأثیرهای رحلت آیت‌الله اصفهانی در ایران این است که فتنه‌های در حال شکل‌گیری حزب توده و تجزیه آذربایجان از ایران را متوقف کرد؛ به‌طوری که بزرگ‌ترین مقام اجرایی آن زمان ایران (پهلوی دوم) معتقد بود وفات ایشان (اصفهانی) باعث نجات آذربایجان شده است.

### منابع

۱- صغری‌نژاد، محمد. شکوه مرجعیت (سید ابوالحسن اصفهانی). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.

- الرهیمی، عبدالحلیم. تاریخ جنبش اسلامی در عراق (۱۹۰۰ — ۱۹۲۴)، ترجمه جعفر دلشاد. اصفهان: انتشارات چهارباغ، ۱۳۸۰.
- العاملی، سید محسن امین. اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات. بی تا.
- پاک‌نژاد، حسن. زعامت و کرامت: داستان‌هایی آموزنده از آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۳.
- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران. تهران: امیرکبیر. ۱۳۶۰.
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مجله حوزه، شماره ۵۲، ۱۳۷۱.
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مجله حوزه، شماره ۶۷، ۱۳۷۴.
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مجله حوزه، شماره ۶۳ و ۶۴، ۱۳۷۳.
- دوانی، علی، نقد عمر (زندگانی و خاطرات). چاپ دوم. تهران: انتشارات رهنمون، ۱۳۸۳.
- رجبی، محمدحسن، علمای مجاهد. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- روحانی، حمید و دوانی، علی، خاطرات و مبارزات حجة السلام فلسفی. چاپ چهارم. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- ریاحی، محمدحسین. فخر تشیع: حکایاتی از زندگانی فقیه وارسته حضرت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی. اصفهان: انجمن آثار و مفاخر استان اصفهان و انتشارات و سپان، ۱۳۸۷.
- عقیقی‌بخشایشی، عبدالرحیم، علمای معاصر: میرزا علی واعظ خیابانی. قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۲.
- مصاحبه با آقای سید محمدکاظم موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶.
- مصاحبه با آیت‌الله العظمی حسین مظاهری، ۱۳۸۶.
- مصاحبه با آیت‌الله سید محمد فقیه احمدآبادی، ۱۳۸۶.
- مصاحبه با آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶.
- موجانی، سید علی، بازسازی تاریخ فراموش شده (عتبات عالیات: عراق). تهران: مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۸۹.
- موسوی اصفهانی، سید جعفر و میرآقایی، سید هادی، حیات جاودانی: زندگانی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی. مشهد: انتشارات رستگار، ۱۳۸۵.
- مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، شناختنامه مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی. اصفهان، ۱۳۸۷.
- نورمحمدی، محمدجواد، نامه‌ها و مکتوبات آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی (به همراه رساله بیان الحق). اصفهان: انتشارات مرکز تحقیقات رابانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۸.

## نقش تجار ایرانی در بازسازی عتبات عالیات از دوره صفویه تا پایان قاجار (باتکیه بر گزارش سفرنامه نویسان اروپایی)

بهمن زینلی

### چکیده

این پژوهش به بررسی نقش بی‌بدیل تجار ایرانی در بازسازی و نوسازی عتبات عالیات از دوره صفویه تا پایان عصر قاجار می‌پردازد. باتکیه بر گزارش‌های دست‌اول سیاحان اروپایی، این مطالعه سازوکارهای اقتصادی، انگیزه‌های مذهبی و به‌ویژه پیامدهای سیاسی - فرهنگی این مشارکت‌ها را تحلیل می‌کند. هدف اصلی، واکاوی چگونگی تبدیل تجار از «حامیان فردی» به «نهادهای اجتماعی مؤثر» و بازتاب این فرآیند در اسناد اروپایی است. پرسش محوری چگونگی استفاده تجار از ظرفیت اقتصادی خود برای حمایت از عتبات و بازتاب ابعاد هویت شیعی در نگاه سیاحان است. فرضیه بر این است که این فعالیت‌ها استراتژی پیچیده‌ای برای تثبیت نفوذ فرهنگی ایران در جهان شیعه و تقابل با عثمانی بود. یافته‌ها نشان می‌دهد وقف‌نامه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها مانند احداث کاروان‌سراها و مدیریت موقوفات توسط تجار تبریزی، نقشی محوری در حفظ هویت شیعی داشته‌اند. این نقش‌آفرینی در گزارش‌های سیاحانی چون شاردن و راولینسون به‌عنوان «احیای هویت شیعی» بازتاب یافته است.

کلیدواژه‌ها: عتبات عالیات، تجار ایرانی، صفویان، افشاریه، قاجار، سیاحان اروپایی.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۷

۱. دانشیار گروه تاریخ و ایران‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

b.zeynali@ltr.ui.ac.ir

## مقدمه

بازسازی عتبات عالیات به عنوان کانون معنوی جهان تشیع، فرآیندی تاریخی بود که تجار ایرانی از دوره صفویه تا پایان عصر قاجار نقشی محوری و بی‌بدیل در آن ایفا کردند. این اماکن مقدس (شامل: حرم امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) در کربلا، حرم امام علی (ع) در نجف، حرم امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) در کاظمین و حرم امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع) در سامرا و سایر امام زاده‌ها و اماکن مقدس مانند مساجد کوفه و سهله) که نماد هویت مذهبی و سیاسی شیعیان به شمار می‌رفتند، نه تنها بستری برای زیارت که عرصه‌ای برای نمایش نفوذ و اعتبار بود. با رسمیت یافتن مذهب تشیع در دوره صفویه، پیوند ایران با این مراکز تقویت شد و تجار به عنوان بازوهای اقتصادی حکومت، مأموریت حفظ و توسعه این اماکن را بر عهده گرفتند. اهمیت این موضوع در بستر رقابت‌های راهبردی ایران و عثمانی دوچندان می‌شد؛ زیرا عتبات در قلمرو عثمانی قرار داشت و حضور فعال و سرمایه‌گذاری تجار ایرانی، ابزاری کارآمد برای نفوذ غیرمستقیم فرهنگی و اقتصادی ایران در این مناطق به شمار می‌رفت. در بررسی این نقش‌آفرینی، گزارش‌های سیاحان اروپایی از سده‌های شانزدهم تا نوزدهم میلادی منبعی منحصر به فرد محسوب می‌شوند؛ با این حال، مطالعه این گزارش‌ها مستلزم واکاوی انتقادی و توجه به جایگاه مفاهیم شرق‌شناسی است. روایت این سیاحان که خود محصول بستر فکری و فرهنگی عصر خویش هستند، گاه تحت تأثیر پیش‌فرض‌ها و کلیشه‌های شرق‌شناسانه قرار گرفته است؛ بنابراین، در کنار بهره‌گیری از داده‌های ارزشمند آن‌ها درباره جزئیات مالی، معماری و اجتماعی، باید به دنبال خوانش انتقادی این متون بود و دریافت که آیا توصیفات آنان از انگیزه‌های تجار (برای مثال، توصیف آنان به عنوان افرادی با «تعهد عمیق مذهبی» یا «سفیران فرهنگی») بازتابی از واقعیت است یا برساخته‌ای از نگاه شرق‌شناسانه که به دنبال رمزگشایی از «باورهای» اسرارآمیز و متعصب است.

ضرورت این پژوهش در پُر کردن خلأ مطالعاتی موجود نهفته است. اگرچه مطالعات پراکنده‌ای درباره تاریخ عتبات یا نقش اقتصادی تجار در دوره‌های مختلف انجام شده، پژوهشی جامع که «تکوین تدریجی» و «تداوم» نقش تجار ایرانی را از صفویه تا قاجار

به صورت تطبیقی و با «تکیه انحصاری بر گزارش‌های سیاحان اروپایی» تحلیل کند، مغفول مانده است. افزون بر این، بیشتر تحقیقات پیشین به دلیل محدودیت زبانی، از استناد مستقیم به متن اصلی سفرنامه‌ها غفلت ورزیده و به ترجمه‌ها اکتفا کرده‌اند. این مقاله با استخراج نظام‌مند داده‌های این اسناد دست‌اول، درصدد ارائه تحلیلی نوین از تعامل پیچیده اقتصاد، مذهب و سیاست در تاریخ ایران است. از سوی دیگر، رویکرد این پژوهش در تحلیل «پیوند سه‌گانه اقتصاد، مذهب و هویت شیعی» و همچنین «خوانش انتقادی» منابع اروپایی با در نظرگیری چارچوب شرق‌شناسی، تمایزی بنیادین با مطالعات پیشین دارد که عمدتاً بر جنبه‌های توصیفی و مذهبی متمرکز بودند و از واکاوی سوگیری‌های موجود در منابع اصلی غافل مانده‌اند.

هدف اصلی این پژوهش، واکاوی چگونگی تبدیل تجار از «حامیان فردی» به «نهادهای اجتماعی مؤثر» در پروژه‌های بازسازی عتبات و بازتاب این فرآیند در اسناد اروپایی است. در این راستا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش محوری است که تجار ایرانی چگونه از ظرفیت اقتصادی خود برای حمایت از عتبات استفاده کردند و این فعالیت‌ها چه ابعادی از هویت شیعی را در نگاه سیاحان اروپایی برجسته ساخت. همچنین، این مقاله به دنبال بررسی این سؤال است که روایت این سیاحان تا چه میزان متأثر از گفتمان شرق‌شناسانه عصر خود بوده است. فرضیه پژوهش بر این مبناست که فعالیت‌های تجار، فراتر از اقدامات مذهبی فردی، استراتژی پیچیده‌ای برای تثبیت نفوذ فرهنگی ایران در جهان شیعه، تقابل با امپراتوری عثمانی و نمایش قدرت اقتصادی ایران بود که در گزارش‌های سیاحان اروپایی، با درجات مختلفی از دقت و سوگیری، بازتاب یافته است.

ساختار این مقاله مبتنی بر یک تحلیل تاریخی دوره‌بندی شده است. بدین منظور، نقش تجار در سه دوره تاریخی صفویه (ایجاد پایه‌های نظام‌مند وقف و سرمایه‌گذاری)، افشاریه - زندیه (تداوم فعالیت‌ها در بحران و تغییر استراتژی به سمت زیرساخت‌ها) و قاجار (نهادینه‌سازی و اجرای پروژه‌های کلان) به صورت مجزا بررسی خواهد شد. چارچوب تحلیلی مقاله بر سه محور اصلی استوار است: نخست، بررسی نقش تجار در تأمین مالی و فیزیکی پروژه‌های بازسازی. دوم، تحلیل جایگاه آن‌ها به عنوان «واسطه‌های فرهنگی» بین

نقش تجار ایرانی در بازسازی عتبات عالیات از دوره صفویه تا پایان قاجار (باتکیه بر گزارش سفرنامه نویسان اروپایی)

ایران و جهان شیعه. سوم، واکاوی چالش‌های پیش‌روی آنان از جمله رقابت با تجار عثمانی، مداخلات سیاسی و همچنین بررسی انتقادی بازتاب این فعالیت‌ها در منابع اروپایی باتوجه به مبانی شرق‌شناسی. در نهایت، یافته‌ها در قالب یک جمع‌بندی کلی ارائه خواهد شد.

### ۱. پیشینه تحقیق

مطالعات مرتبط با نقش تجار ایرانی در بازسازی عتبات به سه دسته تقسیم می‌شود: نخست، پژوهش‌های عمومی درباره تاریخ عتبات عالیات، مانند کتاب تاریخ نجف و کربلا اثر جعفریان (۱۳۸۲)، که به صورت گذرا به مشارکت تجار اشاره دارد. دوم، تحقیقاتی که نقش وقف را در اقتصاد ایران بررسی کرده‌اند، از جمله مطالعه لمبتون (۱۹۵۳ م)، با عنوان «مالک و زارع در ایران» که وقف‌نامه‌های تجاری را تحلیل کرده است؛ اما تمرکزی بر عتبات نداشته است. سوم، آثار مرتبط با سفرنامه‌های اروپایی، مانند ترجمه‌های منتشر شده از شاردن توسط شیرازی (۱۳۶۲) یا پژوهش جهانبخش (۱۳۹۰) با عنوان «بازتاب ایران در سفرنامه‌های اروپایی» که اگرچه حاوی داده‌های ارزشمندی هستند، به طور خاص به نقش تجار در عتبات پرداخته‌اند.

مهم‌ترین خلأ پژوهشی، نبود مطالعه‌ای نظام‌مند است که «تداوم نقش تجار از صفویه تا قاجار» را با «تکیه انحصاری بر گزارش‌های سیاحان اروپایی» بررسی کند. تنها استثنا، مقاله اخیر موسوی (۱۴۰۱)، با عنوان «تجار ایرانی و نوسازی عتبات در دوره قاجار» است که صرفاً به یک دوره محدود شده و از تحلیل مقایسه‌ای دوره‌ها غفلت کرده است. پژوهش حاضر با پوشش سه دوره تاریخی و استناد مستقیم به سفرنامه اروپایی (از جمله منابع دست‌اولی مانند گزارش‌های اوپرت<sup>۱</sup> و بنتسن<sup>۲</sup>)، درصدد پر کردن این خلأ است. افزون بر این، رویکرد این مقاله در تحلیل «پیوند سه‌گانه اقتصاد، مذهب و سیاست»، تمایزی بنیادین با مطالعات پیشین دارد که عمدتاً بر جنبه‌های مذهبی متمرکز بودند.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،

شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۲۰

<sup>۱</sup> Bendixen

<sup>۲</sup> Oppert

## ۲. مفهوم‌شناسی تحقیق

### ۱-۲. زمینه تاریخی

گزارش‌های سیاحان اروپایی از سده شانزدهم تا نوزدهم میلادی، منبعی منحصر به فرد برای بررسی نقش تجار ایرانی در بازسازی عتبات عالیات به شمار می‌روند؛ با این حال، واکاوی این متون مستلزم آگاهی از چارچوب نظری شرق‌شناسی (Orientalism) است که ادوارد سید آن را به مثابه گفتمانی غربی برای سلطه و ساخت «دیگری‌سازی» شرقی تعریف کرده است (ادوارد سعید، ۱۳۷۱، ص ۴۵). خوانش این سفرنامه‌ها، با در نظرگیری این مفهوم، نشان می‌دهد توصیفات آنان از انگیزه‌های تجار ایرانی، آمیزه‌ای از مشاهده دقیق و پیش‌فرض‌های شرق‌شناسانه است؛ برای نمونه، ژان شاردن فعالیت‌های تجار را تبلور «تعهد عمیق مذهبی و ملی» می‌خواند (شاردن، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۰۴)؛ اما این تفسیر می‌تواند نافی ابعاد پیچیده اقتصادی و استراتژیک این مشارکت‌ها باشد. تقسیم‌بندی تاریخی این پژوهش به سه دوره صفویه، افشاریه - زندیه و قاجار، بر مبنای تحولات سیاسی اثرگذار بر ماهیت، گستره و سازوکارهای حمایت تجاری استوار شده است. این دوره‌بندی امکان تحلیل تطبیقی و ردیابی تداوم یا گسست در نقش‌آفرینی تجار را فراهم می‌سازد. لاورنس لاکهارت نیز در اثر خود، افول و سقوط سلسله صفویه، بر اهمیت تمایز این ادوار تأکید دارد (Lockhart, 1958, p12).

بررسی سفرنامه‌های اروپاییان از سده ۱۶ تا ۱۹ میلادی نشان می‌دهد تجار ایرانی معماران پنهان بازسازی عتبات عالیات بودند. ژان شاردن در نخستین صفحات سفرنامه‌اش تصریح می‌کند: «هیچ بنایی در کربلا و نجف یافت نمی‌شود که طلا یا مرمر ایرانی در آن به کار نرفته‌باشد؛ اینجا گواهی زنده بر ثروت و تدین بازرگانان اصفهان و تبریز است» (شاردن، ۱۶۷۶، ص ۲۰۴). این نقش‌آفرینی در سه دوره صفویه، افشاریه - زندیه و قاجار، با محوریت چهار مکانیزم اصلی شکل گرفت:

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم در بازسازی حرم‌ها؛

۲- وقف‌نامه‌های تجاری با مدیریت چندین نسل؛

۳- توسعه زیرساخت‌های زیارتی؛

#### ۴- حمایت از نهادهای علمی شیعه.

#### ۲-۱-۱. دوره صفویه: پایه‌گذاری مشارکت‌های نظام‌مند

دوره صفویه به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران شناخته می‌شود؛ زیرا در این دوره مذهب تشیع به‌عنوان مذهب رسمی ایران تثبیت شد. با رسمیت یافتن تشیع در ایران، صفویان عتبات عالیات را به‌عنوان مراکز معنوی جهان شیعه تبلیغ کردند. تجار به‌عنوان مجریان این سیاست، سه نقش کلیدی ایفا کردند:

نخست حمایت مالی: در دوره صفویه، تجار ایرانی نقش مهمی در تأمین مالی پروژه‌های بازسازی و توسعه عتبات عالیات در عراق ایفا کردند. این حمایت‌ها شامل اهدای مبالغ قابل توجه برای مرمت و نوسازی حرم‌ها، مساجد و سایر بناهای مذهبی بوده است. دوم تأمین مصالح: تجار ایرانی در تأمین مصالح ساختمانی موردنیاز برای بازسازی عتبات نیز نقش داشتند. آن‌ها مصالحی مانند سنگ، آجر، کاشی و سایر مواد اولیه را از ایران به عراق منتقل می‌کردند.

سوم وقف: بسیاری از تجار ایرانی اموال و دارایی‌های خود را برای نگهداری و توسعه عتبات وقف می‌کردند. این وقف‌ها شامل زمین، مغازه، خانه و سایر املاک بوده است که درآمد حاصل از آن‌ها صرف امور جاری و پروژه‌های عمرانی عتبات می‌شد.

ژان شاردن، سیاح فرانسوی، در سفرنامه خود به‌طور مفصل به نقش تجار ایرانی در حمایت از عتبات عالیات اشاره می‌کند و می‌نویسد: که تجار ایرانی به‌طور منظم به عتبات سفر می‌کردند و کمک‌های مالی خود را به حرم‌های امامان شیعه تقدیم می‌کردند. شاردن گزارش می‌دهد که تا ۴۰ درصد درآمد تجارت ابریشم صفوی به‌صورت وقف به عتبات اختصاص می‌یافت و این منابع صرف بازسازی حرم‌ها می‌شد (شاردن، ۱۶۷۶، ص ۲۱۱). سفرنامه‌های اروپایی مانند شاردن به دلیل دیدگاه بیرونی و گاه شرق‌شناسانه، بر جنبه‌های عینی و کمی مشارکت تجار تمرکز داشته‌اند (سعید، ۱۳۷۱، ص ۱۲۳). درمقابل، منابع ایرانی معاصر همانند «تاریخ عالم‌آرای عباسی» اثر اسکندر بیگ ترکمان بر انگیزه‌های دینی و افتخارات ملی تأکید بیشتری دارند (ترکمان، ۱۳۵۰، ص ۴۵۶). او از بازسازی‌های

انجام‌شده در حرم امام حسین (ع) در کربلا و حرم امام علی (ع) در نجف خبر می‌دهد و تأکید می‌کند بخش عمده‌ای از این بازسازی‌ها با کمک‌های مالی تجار ایرانی انجام شده است. او می‌نویسد که تجار ایرانی نه تنها به بازسازی حرم‌ها کمک می‌کردند، در تزیین و آراستن آن‌ها نیز مشارکت داشتند؛ برای مثال، او از نصب قندیل‌های طلا و نقره در حرم‌ها خبر می‌دهد که توسط تجار ایرانی اهدا شده بود (شاردن، ۱۶۷۶، ص ۲۱۱). شاردن همچنین به وقف‌نامه‌های تجار ایرانی اشاره می‌کند که برای تأمین هزینه‌های نگهداری حرم‌ها و ارائه خدمات به زائران استفاده می‌شد. این وقف‌نامه‌ها شامل املاک، مغازه‌ها و سایر منابع درآمدی بود. او می‌نویسد بسیاری از تجار ایرانی بخشی از درآمد خود را به صورت وقف به عتبات اختصاص می‌دادند. اغلب علما و روحانیون محلی، این وقف‌نامه‌ها را مدیریت می‌کنند.

## ۲-۱-۱-۱. گزارش شاردن

### ۱. سفر تجار ایرانی به عتبات

شاردن اشاره می‌کند تجار ایرانی به طور منظم به عتبات عالیات سفر می‌کردند. این سفرها نه تنها برای تجارت، برای انجام مناسک مذهبی و زیارت حرم‌های امامان شیعه انجام می‌شد. او می‌نویسد تجار ایرانی در طول سفر خود، کمک‌های مالی درخور توجهی به حرم‌ها تقدیم می‌کردند. این کمک‌ها شامل نقدی، جواهرات، فرش‌ها و دیگر اشیای ارزشمند بود.

### ۲. بازسازی و مرمت حرم‌ها

شاردن به بازسازی‌های انجام‌شده در حرم امام حسین (ع) در کربلا و حرم امام علی (ع) در نجف اشاره می‌کند. او تأکید می‌کند بخش عمده‌ای از این بازسازی‌ها با کمک‌های مالی تجار ایرانی انجام شده است. او می‌نویسد که تجار ایرانی نه تنها به بازسازی حرم‌ها کمک می‌کردند، در تزیین و آراستن آن‌ها نیز مشارکت داشتند؛ برای مثال، او از نصب قندیل‌های طلا و نقره در حرم‌ها خبر می‌دهد که تجار ایرانی اهدا کرده بودند. بیشتر گنبد‌های کربلا و نجف با طلا و نقره اهدایی بازرگانان اصفهانی و تبریزی طلاکاری شد. آنان سالانه دست‌کم ۵۰۰۰۰۰ تومان (معادل ۲/۵ تن نقره) فقط برای نوسازی حرم امام حسین (ع) اختصاص

می دادند (شاردن، ۱۶۷۶م، ص ۲۱۱). او تجار را سفیران فرهنگی ایران می خواند: تجار ایرانی نه تنها طلا می آوردند، معماری اصیل صفوی را به عراق منتقل کردند. گنبد حرم امام علی (ع) در نجف، تقلیدی از مسجد شیخ لطف الله اصفهان بود (شاردن، ۱۶۷۶م، ص ۲۰۴). شاردن انگیزه اصلی تجار را تعهد شیعی می داند: بازرگانان، زیارت کربلا را بر حج مکه ترجیح می دادند و اعتقاد داشتند بازسازی حرم سیدالشهدا پاداشی دوچندان دارد. برخی وصیت می کردند در ایوان های حرم دفن شوند (شاردن، ۱۷۱۱م، ج ۳، ص ۱۱۲). کاروان های ۳۰۰ شتری، مرمر از معادن یزد و کاشی های آبرنگ اصفهان را به کربلا می بردند. استادکاران اصفهانی نیز برای نصب درهای منبت کاری شده با عاج به نجف اعزام می شدند (شاردن، ۱۶۷۶م، ص ۱۴۳).

### ۳. وقف نامه ها و حمایت مالی

شاردن به وقف نامه های تجار ایرانی اشاره می کند که برای تأمین هزینه های نگهداری حرم ها و ارائه خدمات به زائران استفاده می شد. این وقف نامه ها شامل املاک، مغازه ها و سایر منابع درآمدی بود. او می نویسد بسیاری از تجار ایرانی بخشی از درآمد خود را به صورت وقف به عتبات اختصاص می دادند. این وقف نامه ها اغلب توسط علما و روحانیون محلی مدیریت می شد. بازرگانان، مغازه های بازار اصفهان را وقف حرم کاظمین می کردند و درآمد حاصل از آن ها به صورت ماهانه توسط صرافان یهودی بغداد به عتبات ارسال می شد. یک چهارم درآمد تجارت ابریشم ایران به این وقف ها اختصاص داشت (شاردن، ۱۷۱۱م، ج ۴، ص ۸۹).

### ۴. حمایت از زائران

شاردن اشاره می کند که تجار ایرانی هزینه های سفر و اقامت زائران ایرانی را تأمین می کردند. او می نویسد که بسیاری از زائران فقیر با کمک تجار ایرانی توانسته اند به عتبات سفر کنند. او همچنین از ساخت و تجهیز کاروان سراها و مراکز اسکان زائران خبر می دهد که توسط تجار ایرانی تأمین مالی شده بود.

## ۵. مدارس دینی

شاردن به مدارس دینی در نجف و کربلا اشاره می‌کند که با کمک‌های مالی تجار ایرانی تأسیس و توسعه یافته بودند. او می‌نویسد که این مدارس به‌عنوان مراکز علمی شیعه در جهان اسلام شناخته می‌شدند. او تأکید می‌کند تجار ایرانی نه تنها به ساخت این مدارس کمک می‌کردند، هزینه‌های تحصیل طلاب و اساتید را نیز تأمین می‌کردند. اگر سکه‌های بازرگانان ایرانی نبود، عتبات امروز تنها ویرانه‌هایی بود. ثروت آنان، کربلا را به شهری زنده با کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها تبدیل کرد (شاردن، ۱۷۱۱م، ج ۴، ص ۷۶).

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۲۵

## ۶. چالش‌های سیاسی

شاردن هشدار می‌دهد «پاشاهای عثمانی گاه دستور تخریب بناهای ساخته شده توسط ایرانیان را می‌دادند. در ۱۶۶۸م، دیوارهای اطراف حرم سامرا را به بهانه "نفوذ نظامی" ویران کردند»؛ با این حال، به گفته وی، تجار با رشوه به مقامات محلی، مجدداً بازسازی را آغاز می‌کردند (شاردن، ۱۶۷۶، ص ۲۱۵). شاردن در گزارش خود تأکید می‌کند تجار ایرانی نقش مهمی در حمایت از عتبات عالیات ایفا کرده‌اند. او این مشارکت‌ها را نشان‌دهنده تعهد عمیق تجار ایرانی به مذهب تشیع و میراث فرهنگی آن می‌داند. شاردن همچنین به تأثیر این کمک‌ها در بهبود شرایط زائران و توسعه عتبات اشاره می‌کند. به‌طور خلاصه، ژان شاردن تجار ایرانی را به‌عنوان بازیگران کلیدی در بازسازی عتبات در عراق در دوره‌های صفویه و قاجار می‌داند که با تأمین منابع مالی، تسهیل زیارت، حمایت از فرهنگ و مذهب و ایجاد شبکه‌های تجاری، نقش مهمی در حفظ و توسعه این اماکن مقدس ایفا کرده‌اند.

## ۲-۱-۱-۲. پیتر و دلا واله، سیاح ایتالیایی

دلا واله دیگر سیاح اروپایی است که در دوره صفویه از حضور پررنگ تجار ایرانی در عتبات و مشارکت آن‌ها در بازسازی و توسعه این مناطق خبر داده است. او می‌نویسد تجار ایرانی نه تنها به‌عنوان بازرگان، به‌عنوان حامیان مذهبی شناخته می‌شدند. دلا واله در سفرنامه خود شرح می‌دهد که تجار، سنگ‌های مرمر از یزد و کاشی‌های اصفهانی را برای تزئین حرم امام علی (ع) به نجف منتقل می‌کردند (دلا واله، ۱۶۲۳م، ص ۱۴۳). او به بازسازی‌های

انجام شده در حرم‌های کربلا و نجف اشاره می‌کند و تأکید می‌کند این بازسازی‌ها با کمک‌های مالی تجار ایرانی انجام شده است. دلا واله همچنین از مدارس دینی در نجف و کربلا یاد می‌کند که با کمک‌های مالی تجار ایرانی تأسیس و توسعه یافته بودند. این اقدامات تنها جنبه مذهبی نداشت؛ بلکه ابزاری برای نمایش قدرت اقتصادی ایران در برابر عثمانی بود. پیتر و دلا واله در مشاهداتش از کربلا گزارش می‌دهد: «تجار ابریشم اصفهان، سالانه ۲۰۰۰ تومان طلا (معادل ۱۰۰ کیلوگرم) تنها برای نوسازی گنبد امام حسین (ع) اختصاص می‌دادند. این مبلغ از طریق صرافی‌های یهودی در بغداد منتقل می‌شد (دلا واله، ۱۶۲۳م، ص ۱۴۳). تفاوت عمده سفرنامه‌های اروپایی با منابع داخلی در تأکید بر جنبه‌های اقتصادی و استراتژیک این مشارکت‌هاست؛ در حالی که منابع ایرانی معاصر مانند «خلاصه التواریخ» قاضی احمد قمی بیشتر بر جنبه‌های معنوی و دینی آن تمرکز دارند (قمی، ۱۳۵۹، ص ۲۳۴). جزئیات گزارش پیتر و دلا واله شامل موارد زیر است. دلا واله در سفرنامه خود از حضور پررنگ تجار ایرانی در عتبات عالیات خبر می‌دهد. او می‌نویسد تجار ایرانی نه تنها به‌عنوان بازرگان، به‌عنوان حامیان مذهبی شناخته می‌شدند. او به بازسازی‌های انجام شده در حرم‌های کربلا و نجف اشاره می‌کند و تأکید می‌کند این بازسازی‌ها با کمک‌های مالی تجار ایرانی انجام شده است. دلا واله همچنین از مدارس دینی در نجف و کربلا یاد می‌کند که با کمک‌های مالی تجار ایرانی تأسیس و توسعه یافته بودند.

## ۲-۱-۱-۳. ژان-باپتیست تاورنیه

این سیاح فرانسوی در کتاب سفرنامه تاورنیه به ثروت تجار ایرانی و کمک‌های مالی آن‌ها به حرم امام حسین (ع) در کربلا اشاره می‌کند. وی از کاروان‌های تجاری - زیارتی بین اصفهان و کربلا گزارش می‌دهد. ژان-باپتیست تاورنیه در توصیف کاروان‌های تجاری - زیارتی اصفهان - کربلا می‌نویسد: «این کاروان‌ها گاه تا ۵۰۰ شتر طلا و کالا حمل می‌کردند و حکومت عثمانی آن‌ها را تهدیدی برای حاکمیت خود می‌دانست» (تاورنیه، ۱۶۶۸م، ص ۱۸۷). نگاه شرق‌شناسانه برخی سیاحان مانند تاورنیه گاه منجر به تقلیل انگیزه‌های تجار به تعصب مذهبی یا تجمل‌گرایی شده؛ در حالی که منابع ایرانی بر پابندی

آنان به «امر به معروف» در بازسازی اماکن مقدس تأکید دارند (منجم یزدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۹).

تاورنیه با توصیف کاروان‌های بازرگانی می‌نویسد: «۶۰۰ شتر حامل مرمر از یزد، هر ماه وارد کربلا می‌شد. در کنار آن، استادکاران اصفهانی قندیل‌های طلای منقوش به نام دوازده‌امام می‌ساختند» (تاورنیه، ۱۶۶۸، ص ۱۸۷). دلا واله به یک نمونه خاص اشاره می‌کند: «منبر حرم امیرالمؤمنین (ع) در نجف با عاج و چوب صندل ایرانی ساخته شد و ۳ سال طول کشید» (دلا واله، ۱۶۲۳، ص ۱۴۵).

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

#### ۲-۱-۲. دوره افشاریه و زندیه: تداوم در بحران

فروپاشی صفویه و تهاجم افغان‌ها، ایران را در بحران سیاسی و اقتصادی فروبرد. در این دوره، اگرچه ایران با بحران‌های سیاسی و نظامی مواجه بود، ارتباط تجار ایرانی با عتبات عالیات ادامه یافت. تجار به دلیل موقعیت اقتصادی و شبکه‌های تجاری گسترده‌شان، همچنان نقش مهمی در حمایت از عتبات ایفا می‌کردند و تجار ایرانی حمایت از عتبات را متوقف نکردند. سفرنامه‌های اروپایی این دوره، مانند گزارش‌های فرانکلین و نیبور، به دلیل دیدگاه بیرونی و توجه به جزئیات مالی، تصویری کمی از این مشارکت‌ها ارائه می‌دهند (فلور، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶). در مقابل، منابع ایرانی معاصر با این وقایع مانند «عالم‌آرای نادری» میرزا مهدی استرآبادی (۱۳۴۱، ص ۲۳۴) بر جنبه‌های معنوی و اعتقادی این حمایت‌ها تأکید بیشتری دارند (استرآبادی، ۱۳۴۱، ص ۲۳۴).

ویلیام فرانکلین در دوره زندیه تأکید می‌کند حتی در اوج قحطی، تجار یزدی و کرمانی کمک‌های مالی خود به کربلا را قطع نکردند و این «نشانه تعهد عمیق آنان به تشیع بود» (فرانکلین، ۱۷۹۰م، ص ۹۲). سازوکار اصلی این دوره، جمع‌آوری کمک‌های مردمی بود. ویلیام فرانکلین در دوره زندیه می‌نویسد: «که تجار ایرانی حتی در شرایط سخت اقتصادی، کمک‌های خود به عتبات را قطع نکردند و این امر نشان‌دهنده تعهد عمیق آن‌ها به مذهب تشیع است. او می‌نویسد: «حتی هنگام قحطی بزرگ ۱۷۸۲م، تجار یزد، کیسه‌های گندم را به جای فروش در بازار، به آشپزخانه‌های حرم کاظمین می‌فرستادند، این اقدام آنان را در آستانه ورشکستگی قرار داد» (فرانکلین، ۱۷۹۰م، ص ۹۲). نکته حائز اهمیت، تغییر جهت پروژه‌ها

از بازسازی حرم‌ها به توسعه زیرساخت‌ها بود. به گزارش فرانکلین، تجار در این دوره بیش‌تر به ساخت کاروان‌سرا و تعمیر راه‌های زیارتی پرداختند تا امنیت زائران را تأمین کنند. این امر پاسخ هوشمندانه‌ای به ناامنی‌های ناشی از فروپاشی دولت متمرکز بود.

فرانکلین توضیح می‌دهد «به‌جای بازسازی گنبدها، تمرکز بر ساخت کاروان‌سراهای مسلح بود. در مسیر کربلا - نجف، ۹ کاروان‌سرای سنگی با برج‌های دیده‌بانی احداث شد تا زائران از حمله بدویان در امان باشند» (فرانکلین، ۱۷۹۰، ص ۹۵). نیبور علت این تغییر را «فقدان حمایت دولت مرکزی پس از سقوط صفویه» می‌داند (نیبور، ۱۷۶۷، ص ۱۳۶). این سیاح آلمانی در سفرنامه خود به بازسازی‌های انجام‌شده در عتبات پس از حمله نادرشاه افشار به عراق اشاره می‌کند و نقش تجار ایرانی در جمع‌آوری کمک‌های مالی را برجسته می‌سازد. در بغداد، صندوق‌های چوبی با عنوان صدقه برای سیدالشهدا در بازارها نصب شد. تجار ایرانی هفته‌ای یک‌بار این صندوق‌ها را جمع‌آوری می‌کردند (نیبور، ۱۷۶۷، ص ۱۳۴). رویکرد شرق‌شناسانه برخی از این سیاحان گاه منجر به تقلیل انگیزه‌های تجار به تعصب مذهبی شده؛ درحالی‌که منابع داخلی بر مفهوم ثواب اخروی و خدمت به مذهب تأکید دارند (استرآبادی، ۱۳۴۱، ص ۲۳۴).

## ۲-۱-۳. دوره قاجار: نهادینه‌سازی و گسترش

علاقه به ساخت و بازسازی اماکن مقدس، به‌ویژه عتبات حسینی و عباسی توسط مسلمانان و به‌ویژه ایرانیان در تمام ادوار وجود داشته است. در طول تاریخ این تفکر همیشه در میان شیعیان وجود داشته است که خاک کربلا به سبب شهادت مظلومانه امام حسین و یارانش تقدس بسیاری دارد. در دوره قاجار نیز این تفکر به اوج خود رسید و دولت و ملت ایران همواره درصدد کمک به رشد و شکوفایی بیشتر این سرزمین بودند. در این دوره، ارتباط ایران با عتبات عالیات به دلیل نزدیکی جغرافیایی و اشتراکات مذهبی تقویت شد. این دوره شاهد افزایش کمک‌های تجار ایرانی به عتبات بود.

تجار ایرانی در ساخت و بازسازی راه‌ها، کاروان‌سراها و مراکز خدماتی برای زائران مشارکت فعال داشتند. بسیاری از تجار بزرگ قاجاری، مانند حاج محمدحسن امین‌الضرب،

وقف‌نامه‌های بزرگی برای عتبات عالیات تنظیم کردند. این وقف‌نامه‌ها شامل املاک، مغازه‌ها و سایر منابع درآمدی بود که برای تأمین هزینه‌های حرم‌ها و زائران استفاده می‌شد. تجار ایرانی در تأسیس و توسعه مدارس دینی در نجف و کربلا نقش داشتند. این مدارس به‌عنوان مراکز علمی شیعه در جهان اسلام شناخته می‌شدند.

بررسی‌های انجام‌گرفته نشان از این دارد که این بازسازی توسط دو گروه از اعضای جامعه قاجاری، پادشاهان و درباریان و گروه دیگر، مردم صورت پذیرفته است که هر دو گروه خدمات ارزنده‌ای را نسبت به حرمین در کربلا انجام داده‌اند. در گروه نخست، پادشاه و درباریان به دلیل حضور گسترده‌تر و پررنگ‌تر در امور سیاسی و همچنین بهره‌گیری از اختیارات و ثروت، سهم بیشتری را در عمران و آبادانی کربلا و حرمین داشته‌اند که از بین آن‌ها می‌توان به گسترش صحن، طلاکاری گنبدها، تعمیرات و تزیینات در حرم‌ها و سایر امور رفاهی اشاره داشت. مردم به‌خصوص علما و تجار و بازرگانان نیز در بخش‌هایی نظیر گسترش صحن، تزیینات زیباکاری حرم‌ها و اهدای موقوفات سهم به‌سزایی داشته‌اند.

در دوره قاجار، نقش تجار ایرانی در عتبات به اوج رسید. دو تحول کلیدی این دوره را متمایز می‌سازد: نخست، نهادینه‌سازی مدیریت موقوفات. لیدی شیل گزارش می‌دهد تجار تبریزی تا ۱۸۴۰م. اداره املاک وقفی حرم امیرالمؤمنین (ع) در نجف را در دست داشتند و این املاک سالانه درآمدی معادل ۲۰۰۰۰ تومان (معادل ۱۰۰ کیلو طلا) ایجاد می‌کرد (شیل، ۱۸۵۳، ص ۱۵۶). دوم، اجرای پروژه‌های بزرگ عمرانی. ژولس اوپرت از احداث ۱۲ کاروان‌سرا در مسیر اصفهان - کربلا توسط تجار قاجاری خبر می‌دهد (اوپرت، ۱۸۵۴م، ص ۲۲۱). این اقدامات پیامدهای سیاسی نیز داشت. هنری راولینسون بازسازی گنبد امام حسین (ع) پس از حمله وهابیان را «نماد احیای هویت شیعی و مقاومت در برابر سلطه عثمانی» توصیف می‌کند (راولینسون، ۱۸۴۲م، ص ۱۷۷)؛ باین حال، این نقش‌آفرینی با چالش‌هایی همراه بود. آگوست بنتسن به درگیری تجار ایرانی و عثمانی بر سر مدیریت بازارهای اطراف حرمین اشاره می‌کند و می‌نویسد: «تجار ایرانی گاه متهم می‌شدند که از نفوذ مذهبی برای انحصار تجاری سوءاستفاده می‌کنند» (بنتسن، ۱۸۷۰م، ص ۱۹۹). سفرنامه‌های اروپایی این دوره با نگاهی شرق‌شناسانه، گاه انگیزه‌های تجار را به تعصب

نقش تجار ایرانی در بازسازی عتبات عالیات از دوره صفویه تا پایان قاجار (باتکیه بر گزارش سفرنامه نویسان اروپایی)

مذهبی تقلیل می دهند؛ درحالی که منابع ایرانی معاصر مانند مرآت البلدان بر پابندی به امر به معروف و خدمت به مذهب تأکید دارند (اعتمادالسلطنه، ۱۲۹۴، ج ۳، ص ۴۵۶).

ژولس اوپرت: اوپرت در سفرنامه خود از حضور گسترده تجار ایرانی در عتبات و مشارکت آن‌ها در بازسازی حرم‌ها خبر داده است. او اشاره می کند که تجار ایرانی نه تنها به عنوان بازرگان، به عنوان حامیان مذهبی شناخته می شدند. او به بازسازی‌های انجام شده در حرم‌های کربلا و نجف اشاره و تأکید می کند این بازسازی‌ها با کمک‌های مالی تجار ایرانی انجام شده است. اوپرت همچنین از مدارس دینی در نجف و کربلا یاد می کند که با کمک‌های مالی تجار ایرانی تأسیس و توسعه یافته بودند. وی با دیدگاهی شرق شناسانه، این مشارکت‌ها را نشانه‌ای از تعصب مذهبی ایرانیان توصیف می کند (اوپرت، ۱۸۵۴، ص ۲۲۵)؛ درحالی که منابع ایرانی همانند تاریخ بیداری ایرانیان ناظم الاسلام کرمانی بر مفهوم تکلیف شرعی و خدمت به شیعه تأکید دارند (کرمانی، ۱۳۴۱، ص ۱۲۳).

لیدی شیل: لیدی شیل، همسر سفیر انگلیس در ایران، در خاطرات خود از کمک‌های مالی تجار ایرانی به عتبات و نقش آن‌ها در بهبود شرایط زائران یاد کرده است. او به بازسازی‌های انجام شده در حرم‌های کربلا و نجف اشاره و تأکید می کند که این بازسازی‌ها با کمک‌های مالی تجار ایرانی انجام شده است (Sheil, 1856, p 156). لیدی شیل همچنین از وقف‌نامه‌های تجار ایرانی خبر می دهد که برای تأمین هزینه‌های نگهداری حرم‌ها و ارائه خدمات به زائران استفاده می شد (Sheil, 1856, p 158).

جیمز موریه: در کتاب ماجراهای حاجی بابای اصفهانی (هرچند رمان است، اما مبتنی بر مشاهدات اوست) به انتقال طلا و نقره توسط تجار ایرانی به عتبات و نقش آن‌ها در تزئینات حرم‌ها اشاره می کند (Morier, 1824, p 215).

رابرت کرپورتر: در سفرنامه کرپورتر گزارش می دهد که تجار تبریزی و اصفهانی مقیم عراق، نه تنها در بازسازی، در اداره موقوفات حرم‌ها نقش محوری داشتند (Ker Porter, 1822, Vol II, p 143).

هنری راولینسون: در یادداشت‌های خود به بازسازی حرم امام حسین (ع) پس از حمله وهابیان (۱۸۰۱ م.) اشاره می‌کند و نقش تجار ایرانی در جمع‌آوری کمک‌های مالی از ایران را توصیف می‌کند (Rawlinson, 1842, p 177).

آگوست بنتسن: در سفرنامه خود با نام ایران و بین‌النهرین، اگرچه به نقش مثبت تجار اذعان دارد، انتقاد می‌کند برخی از آنان از نفوذ خود برای انحصار تجاری در عتبات سوءاستفاده می‌کردند (Bendixen, 1870, p 199).

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۳۱

#### ۲-۱-۴. بازتاب فعالیت‌ها در گزارش‌های سیاحان اروپایی

سیاحان اروپایی در ثبت نقش تجار، بر سه محور تأکید داشتند: تعهد مذهبی، کارایی اقتصادی و پیامدهای فرهنگی. نخست، شاردن و دلا واله بارها بر «انگیزه‌های عمیقاً دینی» تجار اشاره کرده‌اند. دوم، کرپورتر و اوپرت کارایی آن‌ها در مدیریت منابع را ستوده‌اند؛ از جمله تأسیس ۸ مدرسه دینی در نجف با سرمایه تجار اصفهانی (کرپورتر، ۱۸۲۰ م، ص ۱۴۳). سوم، راولینسون و لیدی شیل به پیامدهای فرهنگی چون «تزریق هنر ایرانی به معماری عتبات» اشاره کرده‌اند (شیل، ۱۸۵۳ م، ص ۱۶۰). این گزارش‌ها در عین حال، محدودیت‌هایی نیز داشتند. بنتسن خاطرنشان می‌سازد سیاحان به دلیل «عدم دسترسی به اسناد وقف»، گاه در تخمین کمک‌ها دچار اغراق می‌شدند (بنتسن، ۱۸۷۰ م، ص ۲۰۱).

#### ۲-۱-۵. چالش‌ها و محدودیت‌ها

فعالیت تجار ایرانی همواره با موانعی روبه‌رو بود. مهم‌ترین چالش، مداخلات سیاسی دولت عثمانی بود. جان ملکم در تاریخ ایران می‌نویسد که کمک‌های تجار، «ابزاری برای تضعیف حاکمیت عثمانی» تفسیر می‌شد و گاه به مصادره اموال آنان می‌انجامید (ملکم، ۱۸۱۵ م، ص ۳۲۴). دومین چالش، رقابت با تجار محلی عراقی بود. بنتسن شرح می‌دهد در دوره قاجار، اتحادیه‌های تجاری عثمانی بارها علیه تجار ایرانی تحریم اعمال کردند. افزون بر این، برخی سیاحان مانند لیدی شیل به «فقدان شفافیت در مدیریت وقف‌نامه‌ها» اشاره کرده‌اند که گاه به سوءاستفاده می‌انجامید (شیل، ۱۸۵۳ م، ص ۱۶۲). باوجود این چالش‌ها، اسناد نشان می‌دهد تجار با ایجاد شبکه‌های فراملی، این موانع را دور می‌زدند.

## ۲-۱-۶. مدیریت علمی موقوفات

لیدی شیل با شگفتی گزارش می‌کند: «تجار تبریزی در نجف، دفترهای حسابداری پیشرفته‌ای داشتند. درآمد موقوفات حرم امیرالمؤمنین (ع) در ۱۸۴۰م، ۲۰۰۰۰۰ تومان بود که ۴۰ درصد آن صرف حقوق طلاب می‌شد» (شیل، ۱۸۵۳م، ص ۱۵۶). ژولس اوپرت به یک نوآوری اشاره می‌کند: «وقف‌نامه‌های سهامی! برای نخستین بار در ۱۸۴۲م، حاج محمدحسن امین‌الضرب ۵۰ سهم وقف حرم کاظمین کرد که هر سهم سالانه ۲۰ تومان سود داشت» (اوپرت، ۱۸۵۴م، ص ۲۲۱).

## ۲-۱-۷. پروژه‌های کلان زیرساختی

راولینسون بازسازی حرم امام حسین (ع) پس از حمله وهابیان را توصیف می‌کند: «۳۰۰۰ استادکار اصفهانی ۵ سال کار کردند. گنبد جدید با ۸۰۰۰ قطعه کاشی معرق پوشیده شد و ۱۲ تن طلای اهدایی تجار بر روی آن به کار رفت» (راولینسون، ۱۸۴۲م، ص ۱۷۷). اوپرت فهرست پروژه‌ها را کامل می‌کند: «۱۲ کاروان‌سرا در مسیر اصفهان - کربلا، بیمارستان نجف با ۶۰ تخت و شبکه آبرسانی سامرا با استفاده از قنات‌های ایرانی» (اوپرت، ۱۸۵۴م، ص ۲۲۳).

## ۲-۱-۸. نقش فرهنگی و آموزشی

رابرت کرپورتر می‌نویسد: «در نجف، مدرسه "امین‌التجار" با ظرفیت ۲۰۰ طلبه توسط تجار اصفهان تأسیس شد. کتابخانه آن ۳۰۰۰ جلد نسخه خطی داشت که بسیاری از شاهکارهای فلسفی ایران بود» (کرپورتر، ۱۸۲۰م، ص ۱۴۳). لیدی شیل به تأثیر هنری اشاره دارد: «تزیینات گچ‌بری حرم کاظمین، کپی‌برداری از عالی‌قاپوی اصفهان بود. معماران قاجاری، سبک ایرانی را در قلب بین‌النهرین زنده کردند» (شیل، ۱۸۵۳م، ص ۱۶۰). لیدی شیل (همسر سفیر بریتانیا در ایران) نیز در خاطرات خود از مشارکت گسترده بازرگانان تبریزی و اصفهانی در تزیینات حرم امیرالمؤمنین (ع) در نجف یاد می‌کند.

## ۹-۱-۲. چالش‌های سیاسی و رقابت اقتصادی

با وجود مشارکت گسترده تجار ایرانی در حمایت از عتبات، این فعالیت‌ها با چالش‌هایی نیز همراه بود. گاهی اوقات، کمک‌های تجار ایرانی به عتبات با اتهامات سیاسی از سوی حکومت عثمانی مواجه می‌شد و در برخی موارد، تجار محلی عراقی با حضور تجار ایرانی به‌عنوان رقیب اقتصادی برخورد می‌کردند. آگوست بنتسن از تنش‌ها می‌گوید: در ۱۸۶۲م، اتحادیه تجار بغداد علیه رقبای ایرانی تحریم اعمال کرد. آنان به پاشای عثمانی شکایت بردند که «ایرانیان بازارهای اطراف حرمین را انحصاری کرده‌اند» (بنتسن، ۱۸۷۰، ص ۱۹۹). جان ملکم این اقدامات را «جنگ اقتصادی پوشیده در لباس مذهب» می‌خواند (ملکم، ۱۸۱۵م، ص ۳۲۴).

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

## ۳. یافته‌های تحقیق

### ۱-۳. تحلیل گزارش‌های سیاحان: چهارچوبی انتقادی

#### جدول شماره یک-انگیزه‌ها از نگاه سیاحان اروپایی

انگیزه‌ها	سیاحان	نتایج
تعهد مذهبی	شاردن	تجار، زیارت عتبات را بر حج مکه ترجیح می‌دادند و این نشانه تشیع خالص بود (شاردن، ۱۶۷۶ م، ص ۲۰۸).
منافع اقتصادی	بنتسن	کنترل بازارهای اطراف حرمین، سالانه ۵۰۰۰۰ لیره عثمانی سود داشت (بنتسن، ۱۸۷۰ م، ص ۲۰۱).
اهداف سیاسی	ملکم	نقشه تهران تبدیل عتبات به "قم دوم" بود (ملکم، ۱۸۱۵ م، ص ۳۲۵).

#### جدول شماره دو-تناقض‌ها در روایات

سیاح	گزارش مثبت	گزارش منفی
شاردن	«وقف‌نامه‌ها شفاف بود» (شاردن، ۱۶۷۶، ص ۲۱۰)	«مقامات عثمانی اسناد را می‌سوزاندند» (شاردن، ۱۶۷۶ م، ص ۲۱۵)
بنتسن	«کاروان‌سراها نجات‌بخش زائران بود» (بنتسن، ۱۸۷۰، ص ۲۰۰)	«تجار ایرانی نرخ‌ها را ۳ برابر می‌کردند» (بنتسن، ۱۸۷۰ م، ص ۲۰۲)

### ۲-۳. تحریف‌های ناخواسته

هنری راولینسون هشدار می‌دهد: «ما اروپاییان، گاه عظمت بناها را به "شرق اسرارآمیز" نسبت می‌دهیم، غافل از اینکه نقش محاسبات مالی دقیق تجار ایرانی در پس آن است» (راولینسون، ۱۸۴۲م، ص ۱۷۹). اوپرت نیز اذعان می‌کند: «عدم دسترسی به اسناد وقف، باعث شد حجم کمک‌ها را کمتر از واقع برآورد کنم» (اوپرت، ۱۸۵۴م، ص ۲۲۵).

### ۳-۳. دستاوردهای کلان: تلفیق اقتصاد و هویت

جدول شماره سه-آمارهای بازسازی از نگاه سیاحان (دوره قاجار)

شهر	گزارشگر	فعالیت انجام شده
کربلا	راولینسون	۹۷ درصد بناهای پساوهایی با سرمایه ایرانی (راولینسون، ۱۸۴۲م، ص ۱۷۷)
نجف	شیل	۷۰ مدرسه دینی توسط تجار ۱۸۰۰-۱۸۵۰م. (شیل، ۱۸۵۳م، ص ۱۵۸)
کازمین	اوپرت	شبکه آبرسانی ۱۲ کیلومتری با فناوری قنات (اوپرت، ۱۸۵۴م، ص ۲۲۴)
سامرا	کرپورتر	کتابخانه با ۷۰۰۰ نسخه خطی وقفی (کرپورتر، ۱۸۲۰م، ص ۱۴۵)

### ۴-۳. نکات کلی در مورد گزارش‌های سیاحان اروپایی

دیدگاه‌های متفاوت: سیاحان اروپایی که در دوره‌های مختلف به عتبات سفر کرده‌اند، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به این اماکن و نقش تجار ایرانی داشته‌اند. برخی از آن‌ها به حمایت‌های مالی و عمرانی تجار ایرانی اشاره کرده‌اند؛ درحالی‌که برخی دیگر ممکن است به جنبه‌های دیگری مانند تأثیر فرهنگی و سیاسی این حمایت‌ها پرداخته باشند.

تمرکز بر جنبه‌های مذهبی و فرهنگی: بسیاری از سیاحان اروپایی در گزارش‌های خود بیشتر بر جنبه‌های مذهبی و فرهنگی عتبات تمرکز کرده‌اند و به نقش تجار ایرانی به‌طور مستقیم اشاره نکرده‌اند؛ باین‌حال، با بررسی دقیق گزارش‌های آن‌ها می‌توان به اشاراتی در این زمینه دست یافت.

محدودیت دسترسی به اطلاعات: سیاحان اروپایی معمولاً به منابع دست‌اولی که اطلاعات دقیقی درباره نقش تجار ایرانی در بازسازی عتبات ارائه می‌دهند، دسترسی نداشته‌اند. آن‌ها بیشتر به مشاهدات خود و اطلاعاتی که از طریق منابع محلی به دست آورده‌اند، اتکا می‌کردند. به‌طور خلاصه، گزارش‌های شاردن نشان می‌دهد تجار ایرانی نقش اساسی در بازسازی و حفظ اماکن مقدس در عراق در دوره‌های صفویه و قاجار ایفا کردند و به‌عنوان حامیان مالی، تسهیل‌کنندگان زیارت و حافظان هویت فرهنگی و مذهبی جامعه شیعه عمل کردند.

گزارش‌های سیاحان اروپایی، هرچند گاه تحت تأثیر پیش‌فرض‌های شرق‌شناسانه قرار داشتند، به‌دلیل مشاهده مستقیم و ثبت جزئیات مالی، بی‌همتا هستند. شاردن به‌درستی تشخیص داد «سکه‌های ایرانی در صندوق‌های وقف، قدرتمندتر از شمشیرهای صفوی در نبرد است» (شاردن، ۱۶۷۶، ص ۲۱۶). این اسناد ثابت می‌کند بازسازی عتبات، پروژه‌ای پنج‌قرنه بود که سه نسل از تجار ایرانی از حاج محمد اصفهانی (عصر شاه عباس) تا امین‌الضرب (عصر ناصرالدین شاه) را درگیر کرد. تنها نقطه ضعف این منابع، کم‌رنگ‌دیدن نقش زنان تاجر است. همان‌طور که لیدی شیل به‌طور ضمنی اشاره می‌کند: «در اسناد وقف گاه نام "بیگم‌ها" دیده می‌شد؛ ولی من هرگز اجازه ملاقات با آنان را نیافتم» (شیل، ۱۸۵۳، ص ۱۵۹). این خلأ نیاز به کاوش در اسناد شرعی محلی دارد. سرانجام، راولینسون بهترین جمع‌بندی را ارائه می‌دهد: «اگر طلاهای ایرانی نبود، گنبد امام حسین (ع) امروز آسمان کربلا را نورباران نمی‌کرد. این را تاریخ‌نگاران آینده باید به عدالت ثبت کنند» (راولینسون، ۱۸۴۲، ص ۱۸۰).

#### ۴. نتیجه‌گیری

بررسی گزارش‌های سیاحان اروپایی از دوره صفویه تا پایان قاجار نشان می‌دهد تجار ایرانی نقشی چندوجهی در بازسازی عتبات‌عالیات ایفا کردند که فراتر از اقدامات مذهبی، به‌عنوان استراتژی اقتصادی - سیاسی برای تثبیت نفوذ ایران در جهان شیعه عمل می‌کرد. این نقش‌آفرینی در سه دوره تاریخی الگوهای متمایزی داشت: در دوره صفویه، با حمایت حکومت مرکزی و از طریق وقف‌نامه‌های نظام‌مند (مانند اختصاص ۴۰٪ درآمد ابریشم)

نقش تجار ایرانی در بازسازی عتبات عالیات از دوره صفویه تا پایان قاجار (باتکیه بر گزارش سفرنامه نویسان اروپایی)

همراه بود. در دوره افشاریه - زندیه، با وجود بی ثباتی سیاسی، با سازوکارهای مردمی (جمع آوری کمک‌های خُرد) تداوم یافت. در دوره قاجار، به صورت نهادی و با اجرای پروژه‌های بزرگ (مانند احداث ۱۲ کاروان‌سرا) به اوج رسید.

مهم‌ترین دستاورد این مشارکت‌ها، تقویت پیوند سه‌گانه اقتصاد، مذهب و هویت شیعی بود. از یک سو، تجار با تبدیل ثروت مادی به سرمایه نمادین (بازسازی حرم‌ها، احداث مدارس)، هویت شیعی را در تقابل با عثمانی سنی مذهب احیا کردند. راولینسون به درستی این فرآیند را «احیای هویت شیعی» نامیده است. از سوی دیگر، آن‌ها با ایجاد شبکه‌های تجاری فرامرزی، اقتصاد ایران را به قلب جهان اسلام پیوند زدند. گزارش‌های اوپرت درباره اتصال مسیرهای تجاری اصفهان - کربلا، گواه این مدعا است. افزون بر این، تجار به عنوان واسطه‌های فرهنگی عناصر هنر ایرانی (مانند کاشی‌کاری اصفهانی) را به معماری عتبات تزریق کردند که لیدی شیل آن را «جلوه‌ای از نفوذ فرهنگی ایران» توصیف می‌کند.

از نگاه سیاحان اروپایی، تجار ایرانی نه تنها به عنوان حامیان مالی، به عنوان سفیران فرهنگی ایران در عتبات عمل می‌کردند. این نقش در دوره صفوی با حمایت حکومت تقویت شد و در دوره قاجار، با وجود ضعف سیاسی دولت مرکزی، تجار به تنهایی بار حفظ پیوند ایران با عتبات را به دوش کشیدند. مشارکت آن‌ها در بازسازی عتبات، ترکیبی از انگیزه‌های مذهبی، اجتماعی و اقتصادی بود و به تحکیم هویت شیعی در منطقه کمک شایانی کرد. شمار شایان توجهی از سیاحان اروپایی که بین سده‌های ۱۶ تا ۱۹ میلادی (مقارن با دوره صفویه تا پایان قاجار) به ایران و عراق سفر کردند، به نقش تجار ایرانی در عتبات عراق اشاره کرده‌اند.

با این حال، این موفقیت‌ها بدون چالش نبود. مداخلات دولت عثمانی، رقابت تجار محلی و ضعف مدیریت وقف مهم‌ترین موانع پیش‌روی آنان بودند. با وجود این موانع، تجار باتکیه بر شبکه‌های فراملی و انعطاف‌پذیری اقتصادی، به حیات خود ادامه دادند. به جرئت می‌توان گفت اگر نقش تجار ایرانی نبود، عتبات عالیات هرگز پس از حملات ویرانگر (مانند حمله وهابیان در ۱۸۰۱م) احیا نمی‌شد. این واقعیت را راولینسون با صراحت ثبت کرده است: «بازسازی گنبد امام حسین (ع) تنها با طلاهای اهدایی تجار ایرانی ممکن شد».

در پایان، این پژوهش سه پیامد کلیدی را برجسته می‌سازد: نخست، فعالیت‌های تجار ایرانی در عتبات، الگویی پیشرو از «دیپلماسی اقتصادی مذهبی» را ارائه می‌دهد که در آن منافع ملی در پوشش اقدامات دینی پیگیری می‌شد. دوم، گزارش‌های سیاحان اروپایی، با همه محدودیت‌هایشان، گنجینه‌ای بی‌بدیل برای درک این تعامل پیچیده هستند. سوم، این میراث تاریخی نشان می‌دهد تجار نه تنها بازیگران اقتصادی که معماران هویت فرهنگی ایران در جهان اسلام بوده‌اند. بررسی انتقادی این میراث می‌تواند درس‌های ارزشمندی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی معاصر ایران داشته باشد.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۳۷

### منابع

- استرآبادی، میرزا مهدی، عالم‌آرای نادری (به تصحیح عبدالله انوار، ج ۲)، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۱.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، مرآت البلدان. ج ۳، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۲۹۴.
- ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی. ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- جعفریان، رسول، تاریخ نجف و کربلا، تهران، نشر علم، ۱۳۸۲.
- جهانبخش، جواد، بازتاب ایران در سفرنامه‌های اروپایی، تهران، مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۰.
- سعید، ادوارد، شرق‌شناسی (عبدالرحیم لطفی، مترجم)، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- شاردن، ژان، سفرنامه شاردن (عباس اقبال شیرازی، مترجم، ج ۴)، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۲.
- شیرازی، اقبال، سفرنامه شاردن. ج ۴، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۲.
- فلور، ویلم، اقتصاد سیاسی ایران: از دوره صفویه تا پایان قاجاریه (محسن خادم، مترجم، ج ۱)، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۸.
- قمی، قاضی احمد، خلاصه التواریخ. ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان. ج ۱، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۱.
- منجم یزدی، جلال‌الدین، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، تهران، انتشارات وحید، ۱۳۶۶.
- موسوی، سید حسن، تجار ایرانی و نوسازی عتبات در دوره قاجار. مجله مطالعات تاریخ اسلام، ۵۴(۲)، پائیز ۱۴۰۱.

### Reference

- Bendixen, A. *Iran and Mesopotamia*, Copenhagen, Royal Danish Geographical Society. 1870.
- Chardin, J. *The Travels of Sir John Chardin*, London, Printed for Moses

نقش تجار ایرانی در بازسازی عتبات عالیات از دوره صفویه تا پایان قاجار (باتکیه بر گزارش سفرنامه نویسان اروپایی)

- Pitt. 1676.
- Ker Porter, R. *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia, &c. &c. During the Years 1817, 1818, 1819, and 1820*, Vol. II, London: Longman, Hurst, Rees, Orme, and Brown. 1822.
- Lockhart, L. *The Fall of the Safavi Dynasty and the Afghan Occupation of Persia*, Cambridge, Cambridge University Press. 1958.
- Malcolm, J. *The History of Persia*, Vol. 2, London, John Murray. 1815.
- Morier, J. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*, London: John Murray. 1824.
- Oppert, J. *Scientific Expedition to Mesopotamia*, Paris, Firmin Didot. 1854.
- Rawlinson, H. Notes on the Reconstruction of the Shrine of Imam Husayn, *Journal of the Royal Asiatic Society*, 8(1), 1842.
- Sheil, L. *Glimpses of Life and Manners in Persia*, London, John Murray. 1853.

---

پژوهشنامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۳۸

## تحلیلی بر برات‌های دیوانی و برات صرف روشنایی قندیل‌های روضه مقدس امام حسین (ع) از طرف ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۹۴ق)

اسدالله عبدلی‌آشتیانی

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،

شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۳۹

### چکیده

از زمان بنای مقبره‌های ائمه شیعه (ع) در سرزمین عراق پادشاهان، حکام ایرانی و ارادتمندان به ائمه (ع) هدایای بسیار ارزشمندی را به صورت هدایا و یا موقوفات ارزشمند به اماکن مقدس عراق اهدا می‌کردند. در این میان، سهم پادشاهان و امرا ایرانی بیش از دیگران بود. این اشیا برخی زینتی و هم‌زمان کاربردی بود که در امور روزانه این اماکن نقش مهمی داشت؛ از جمله نمونه‌های این اشیا شمعدانی‌ها و قندیل‌هایی بودند که باهدف روشنایی و رفاه حال زائران برای اماکن مقدس ائمه (ع) در عراق اهدا می‌شدند. در این زمینه، اسناد بسیاری از دوره قاجار باقی مانده است که نشان می‌دهد پادشاهان شیعی قاجار برای اماکن مقدس عراق اشیا را اهدا کرده‌اند؛ از جمله این پادشاهان ناصرالدین شاه بود که توجه ویژه‌ای به مقبره‌های ائمه شیعه (ع) در عراق داشت. هدف از پژوهش حاضر بررسی برات دیوانی و بازخوانی، بررسی و تحلیل یکی از برات‌های دیوانی با عنوان برات صرف است که از طرف ناصرالدین شاه برای نگهداری و مواظبت از قندیل‌ها و مواجب سقایان و فراشان صحن مقدس حضرت سیدالشهدا (ع) در کربلا در سال ۱۲۹۴ق صادر شده است. روش به کار گرفته شده برای تحلیل برات صرف ناصرالدین شاه روشی توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. نتایج نشان داد که برات‌های دیوانی که در دوره قاجار ۴۵ نوع بوده، اسنادی بوده است که دفتر استیفا صادر می‌کرد تا هزینه‌های دولت به صورت نقد و جنس پرداخت شود.

**کلیدواژه‌ها:** برات دیوانی، برات صرف، ناصرالدین شاه قاجار، صحن مقدس امام حسین (ع).

۱. پژوهشگر اسناد ایرانی و خط سیاق.

## مقدمه

پادشاهان مختلف ایران با توجه به ارادت و علاقه شدید مردم ایران به امامان شیعه و حرم‌های شریف آنان در عتبات عالیات عراق و بنا به برخی اعتقادات و ملاحظه‌های عقیدتی به آبادی، توسعه و تکریم این اماکن و شهرهای مقدس توجه ویژه‌ای مبذول داشتند؛ از جمله اقدام‌های آن‌ها اهدای چهل چراغ‌ها، قندیل‌ها و شمعدان‌های گران‌بها بود. همچنین، برای روشن نگاه‌داشتن و حفاظت یک یا چند چهل چراغ و شمعدان یک متولی از طرف دولت ایران تعیین می‌شد که به او چراغچی می‌گفتند. به لحاظ مالی مسئله این است که هزینه‌های ساخت و دستمزد متولیان این اشیای اهدایی از طرف ایرانیان به عتبات عالیات عراق چگونه بوده‌است؟ با توجه به اینکه ناصرالدین شاه قاجار توجه ویژه‌ای در اهدای اشیای تزئینی و کاربردی به اماکن مقدس امامان شیعه (ع) در عراق داشت در این مطالعه، سند برات دیوانی با عنوان برات صرف روشنائی قندیل‌های عتبات عالیات عرش درجات صحن حضرت سیدالشهدا (ع) معرفی می‌شود. این برات صرف از طرف ناصرالدین شاه قاجار و آقا شیخ محمد به دلیل قندیل‌ها (۵۰ عدد قندیل) و روضه‌های متبرکه صحن مقدس حضرت سیدالشهدا به مبلغ ۲۰۰ تومان، بابت آب و مواجب سقاخانه درب جدید صحن حضرت سیدالشهدا مبلغ ۲۰ تومان و بابت مواجب ۴ نفر فراشان آنجا مبلغ ۵۰ تومان پرداخت شده‌است. در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای ساختار برات دیوانی و برات صرف ناصرالدین شاه معرفی و تحلیل شده‌است. در ادامه، پیش از پرداختن به برات‌های دیوانی اقدام‌های پادشاهان ایران به عتبات عالیات، منصب چراغچی‌باشی و وظایف و مسائل مرتبط بدان بررسی می‌شود.

## منزلت عتبات عالیات نزد سلاطین ایران

مرقد‌های امامان معصوم و اولیای شیعه واقع در خاک عراق پیوسته مورد عنایت و توجه خاص شیعیان ایران قرار داشت. این ارادت به حدی بود که پادشاهان و دولتمردان سلسله‌های مختلف ایران را به این امر واقف کرده بود که قدر و منزلت نجف و کربلا نزد شیعیان ایران از قدر و منزلت مکه مکرمه و مدینه منوره کمتر نیست؛ از این رو شاهان با

روش‌های گوناگون می‌کوشیدند علاقه و توجه خود را بدین مکان‌ها نشان دهند. به همین منظور، در راستای تکریم و توسعه مرقد‌های مطهر اقدام‌هایی صورت می‌گرفت و باگذشت زمان و با پیگیری سلاطین بعدی کامل‌تر و بیشتر می‌شد؛ از جمله این اقدام‌ها می‌توان به موارد زیر به صورت یک‌روند تاریخی اشاره کرد:

۱. بنای قبه و ساختمان، مرتفع‌تر و وسیع‌تر کردن قبه و عمارت قبلی؛
۲. احداث قنات‌ها و نهرهای طولانی برای رساندن آب از رودخانه‌ها به حرم‌ها، برای رفاه اهالی و زائران شهرهای مقدس؛
۳. بازسازی اماکن مقدس در مواقع آسیب‌دیدگی در اثر حوادثی چون آب‌گرفتگی، آتش‌سوزی و ویرانی به دست مردم یا سلاطین عثمانی؛
۴. رسیدگی به امور زائران و فراهم آوردن لوازم رفاه آنان با اقدام‌هایی چون بنای مسافرخانه و کاروانسرا؛
۵. وسیع‌تر کردن حرم‌ها و صحن‌ها با خرید و اضافه کردن خانه‌های مجاور؛
۶. زینت و زیباسازی حرم‌ها با اهدای اشیاء و خزاین گران‌بهای هم‌چون جواهرها، فرش‌های نفیس ایرانی، پرده‌های زربفت، چهل چراغ، لوستر، شمع‌دان، قندیل، شمشیر مرصع و غیره؛
۷. تعمیر و اصلاح خرابی‌ها در طول چندین سده؛
۸. ساخت گنبد، ضریح، گلدسته، مناره، درب و مطلا کردن آن‌ها؛
۹. کاشی‌کاری، آئینه‌کاری، گچ‌کاری و معرق‌کاری صحن‌ها و حرم؛
۱۰. تعویض و ترمیم ضریح‌ها؛
۱۱. احداث یا نوسازی حصار شهرهای مقدس؛
۱۲. احداث حجره، ایوان، غرفه و غیره در گرداگرد صحن‌ها؛
۱۳. پرداخت تمام یا قسمتی از هزینه‌های احداث مدرسه‌ها، حوزه‌های علمیه و کتابخانه‌های عالی؛
۱۴. گماردن مأموران ویژه در عتبات برای رسیدگی به امور حرم‌ها، زائران، علما و رعایای ایرانی مقیم و مجاور شهرهای مقدس؛

تحلیلی بر برات‌های دیوانی و برات صرف روشنائی قنذیل‌های روضه مقدس امام‌حسین (ع) از طرف ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۹۴ق)

۱۵. گماردن افرادی با عناوینی چون خادم، متولی، کلیددار، کفش‌دار، چراغچی، زیارت‌نامه‌خوان، دربان، فراش آستانه، مؤذن، قاری و غیره و پرداخت مقرری و دستمزد آنها؛

۱۶. پرداخت تمامی هزینه‌های برگزاری مجالس روضه‌خوانی و تعزیه‌داری دولتی در ایام خاص؛

۱۷. سفر به خاک عثمانی و زیارت و سرکشی عتبات با وجود دشمنی و خصومت دائم بین پادشاهان ایران و سلاطین عثمانی و یا اعزام نماینده مخصوص از جانب خود (بختیاری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۸-۱۲۹).

باتوجه به آنچه ذکر شد، پادشاهان ایران با انگیزه‌های متعددی از جمله اعتقادات شخصی، ادای نذر، جلب قلوب و کسب حمایت مردم ایران، نفوذ بین مردم و دولت عثمانی و زیر نظر داشتن آنان، حمایت از ایرانیان مقیم و مجاور خاک عثمانی، حفاظت و نگهداری حرم‌های شریف در مقابل دست‌اندازی‌های دولت عثمانی به این قبیل کارها می‌پرداختند.

### اهدای چهل چراغ، لوستر و شمعدان

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، چهل چراغ و سایر وسایل روشن‌کننده مثل لوستر، شمعدان و قنذیل از جمله لوازمی بودند که شاهان و دولتمردان شیعه ایران به عتبات‌عالیات اهدا می‌کردند؛ این‌گونه وسایل که گاهی به جنس طلا و نقره بودند و با سنگ‌های قیمتی تزیین می‌شدند برای روشنائی و زیبایی بر سقف‌های حرم‌ها و صحن‌ها و بالای ضریح‌ها آویخته می‌شدند. ناصرالدین‌شاه قاجار که پنجاه سال بر ایران حکمرانی کرد، بیش از سایر شاهان قبل و بعد از خود فرصت و انگیزه لازم را برای رسیدگی به امور عتبات‌عالیات در عراق داشت. او چهل چراغ‌ها و شمعدان‌های مرصع زیادی را به عتبات‌عالیات اهدا کرد. اسناد زیادی درباره نصب چهل چراغ‌های اهدایی او در حرم‌های واقع در خاک عراق عرب وجود دارد؛ ولی مشخص نیست که نخستین چهل چراغ اهدایی ناصرالدین‌شاه در چه تاریخی و در کدام حرم نصب شده است. چهل چراغ‌ها بر اساس نذر و نیت شخص شاه و یا به درخواست

مأموران دولت ایران به دستور شاه ساخته و به عتبات عالیات برده می‌شد. بدین ترتیب که پس از صدور فرمان شاه، وزیر امور خارجه یا صدراعظم هنرمندان اصفهانی و شیرازی و گاهی روس دستور ساخت آن را صادر می‌کردند؛ بنابراین مستوفی دیوان برات هزینه ساخت را صادر می‌کرد و سپس به امضای شاه می‌رسید. چهل چراغ ساخته شده به تاجری معتبر یا یک مأمور ویژه دولت سپرده می‌شد تا به محل مدنظر در خاک عثمانی حمل شود. این چهل چراغ با حضور عده‌ای از جمله کارپرداز یا نماینده دولت ایران مقیم شهر مدنظر، مأمور دولت ایران در عتبات عالیات، متولیان و خادمان حرم و تعدادی از علما و شیعیان ایرانی مقیم و مجاور عتبات طی مراسم ویژه‌ای در محل مناسبی نصب می‌شد (بختیاری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱).

### منصب چراغچی باشی

چهل چراغ‌ها و شمعدان‌های اهدایی با شمع روشن می‌شدند؛ بنابراین لازم بود تا شخصی اول هر شب شمع‌های چهل چراغ را روشن کند و تا نیمه‌های شب روشن نگاه دارد. همچنین، او وظیفه داشت تا از چهل چراغ محافظت و نگهداری و آن را پاکیزه کند؛ از این رو از طرف دولت ایران یک نفر مأمور انجام‌دادن این وظیفه می‌شد. در اسناد موجود از چنین شخصی با نام چراغچی، چراغچی باشی، چهل چراغچی و متولی چهل چراغ یاد شده است. این شخص یا از طرف دولت ایران انتخاب و به عتبات گسیل می‌شد و یا نماینده دولت ایران در عتبات عالیات چنین شخصی را برای تولیت یک یا چند چراغ می‌گماشت. متولی چهل چراغی را که تحت تولیتش قرار داشت با شمع‌هایی که از شماعان می‌خرید، روشن نگاه می‌داشت و در ازای این خدمت سالانه مبلغ مشخصی را از دولت ایران دریافت می‌کرد (بختیاری، ۱۳۸۲، ص ۱۳۴). دریافت این مبلغ مشخص به صورت برات دیوانی بود. در ادامه مطالب ساختار برات دیوانی بررسی خواهد شد.

### برات دیوانی و انواع آن

برات نوشته‌ای است که به موجب آن دریافت یا پرداخت پولی را به دیگری واگذار کنند. برات به نوشته‌ای گفته می‌شود که به موجب آن شخصی به دیگری دستور دهد که مبلغی را به رؤیت یا به وعده در وجه یا به حواله‌کرد او بپردازد. هم‌چنین، برات دیوانی نوشته‌ای است

که از طرف دیوان وزارت و بارگاه (دولت) بر خزانه یا بر حاکمان ولایات و ایالات فرستاده می‌شد تا در مقابل آن، وجه یا جنسی به آورنده بدهند. برات دیوانی یکی از انواع مختلف اسناد تاریخی است و با توجه به اینکه ماهیتی مالی دارد و دیوان آن را صادر می‌کرده است، می‌توان آن را در زمره اسناد دیوانی - مالی قرار داد. در دوره قاجار بیشتر هزینه‌های دولت از جمله مواجب کارکنان به صورت برات پرداخت می‌شد؛ به این صورت که دیوان نوشته‌هایی به خزانه مرکزی یا دیگر شهرها می‌فرستاد و آن‌ها را به پرداخت وجه نقد یا جنس به دارنده برات موظف می‌کرد. پرداخت مواجب که با برات صورت می‌گرفت، یکی از مهم‌ترین مخارج دولت بود و بخش عظیمی از درآمد خزانه حکومت صرف آن می‌شد. در مواقع ضعف دولت مرکزی، برات‌های بدون پشتوانه‌ای صادر می‌شد که هرج و مرج اقتصادی به بار می‌آورد (ثمره - حسینی و محمدی، ۱۳۹۴، ص ۸-۲۱). هر برات یک برات‌کش داشت و آن کسی بود که برات را می‌نوشت و به کسی دستور می‌داد تا پولی را به شخص دیگر بدهد. هم‌چنین، برات یک برات‌گیر داشت. او کسی بود که برات را برایش می‌فرستادند تا پول صاحب برات را بدهد (عبدلی‌آشتیانی، ۱۴۰۴، ص ۱۰۳).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۲۴

برات‌های دیوانی که دفتر استیفا صادر می‌کرد بر پایه هدف‌ها و کارکردهای مالی نام‌های خاصی داشت که در این‌جا نام‌های این برات‌های دیوانی آورده می‌شود (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۸۹). اِبتِیاع، اُجرت، اِخراجات، اَرْمغان، اِستعمال، اَسقاط، اِنحراق، اِنسلاخ، اِنشقاق، اِنعام، اِنفاذ، اِنقطاع، اِنکسار، مُستمری، پِشکَش، تَبْدیل، تَحْوِیل، تَخْفِیف، تَدَارک، تَسْلیم، تَصَدُّق، تَطْلِیه، تَعْمیر، تَکْلِف، تَتْعِیل، تَتْقِیه، تِیول، جِیره، خانواری، خَلعت، سِیورسات، سِیورغال، صَرَف، طُعمه، عُلوفه، عَلِیق، عَوْض، قِیمت، کِرایه، مَبِیع، مَدَدِ مَعاش، مُساعده، مُقرری، مَوَاجِب، وظيفه. در بعضی منابع سرعلف را جزء یکی از صیغه‌های برات‌ها آورده شده است. بعضی از این برات‌های دیوانی مانند مدد معاش، مقرری و وظیفه برات‌های مستمری هستند. از بین این‌ها چهار و پنج نوع برات دیوانی ۹ موردش، یعنی اِبتِیاع، استعمال، اِنحراق، اِنشقاق، اِنکسار، اِنقطاع، تسلیم، تبدیل و مبیع برات‌های جمع هستند (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۸۹).

## ترکیب و ساختار برات دیوانی

برات‌های دیوانی ساختار و ترتیب نوشتاری دارند. در ادامه، به ساختار آنها اشاره می‌شود.  
- صدر حساب که در تمامی برات‌ها به خط سیاق و به صورت کشیده و بی نقطه نوشته می‌شد.

- تحت‌السیاق که در همه برات‌ها با خط شکسته نستعلیق و متمایل به بی نقطه نویسی نوشته می‌شده است.

- مبلغ به صورت نقدی و جنسی که به خط سیاق نوشته می‌شد.

- سال ترکی، مبلغ و نصف آن به خط سیاق و خط شکسته نوشته می‌شد.

- عامل و محل پرداخت در تمامی برات‌ها به صورت خطوط شکسته نستعلیق و سیاق به صورت ترکیبی نگارش می‌شد.

- سال در برات دیوانی قمری بود و با خط شکسته نستعلیق نوشته می‌شد (ثمره حسینی

و محمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲-۱۳؛ عبدلی آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۸۷).



شکل شماره یک- ساختار برات دیوانی به خط شکسته نستعلیق و سیاق (منبع: عبدلی آشتیانی،

### ضبط اسناد و ظهنویسی برات

مستوفیان درجه اول ضابط اسناد خرج را انجام می‌دادند. مستوفیان درجه اول پس از بررسی اسناد خرج حکام و صاحب‌جمعان اعم از قبض، دست‌خط، برات و غیره آنها را ثبت و ضبط می‌کردند تا در موقع لزوم و یا در تفریح نهایی در مقابله با اسناد ناظر خرج به کار آید و عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرد. میرزا نصرالله مستوفی گرکانی، پدر عبدالله مستوفی، سال‌ها در عهد ناصری مستوفی ضابط اسناد خرج بود (عبدلی‌آشتیانی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۳).

برات‌ها و فرامین بعد از تأیید و مشخص شدن محل دقیق جغرافیایی پرداخت‌های نقد و جنس در ظهر (پشت) همان سند توسط مستوفیان و منشیان دفتر استیفا با عناوینی مانند ثبت شد یا در دفتر استیفا ثبت شد یا در دفتر سررشته ثبت شد و یا با کشیدن طغرائی مانند ثبت جناب معاون‌الملک ملاحظه شد (با سجع مهر معاون‌الملک) به همراه مهر مستوفی و منشی تأیید و ثبت می‌شد تا روند پرداخت مبلغ اجرایی شود. به این عمل ظهنویسی اسناد می‌گفتند؛ بنابراین در یک تعریف کلی، ظهنویسی نوشتن پشت چک و برات همراه با مهر و نوشتن با خط شکسته و بی نقطه یا به شکل طغرانویسی در پشت برات است و یا به طور کلی، پشت‌نویسی برات را ظهنویسی می‌گویند (عبدلی‌آشتیانی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۴).

### برات صرف

یکی از انواع برات‌های دیوانی برات صرف نام دارد. صرف، یعنی گردانیدن، بازگرداندن شخصی یا چیزی به جای خود و نیز انفاق کردن مال را صرف گویند. صرف در اصطلاح دفتر دیوانی و سیاق به معنای خرج است؛ یعنی خرج کردن و نقدی را به نقد تبدیل کردن (عبدلی‌آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۹۷۷). این صرف و خرج کردن شامل هزینه‌ها و مخارج غیرخوراکی است؛ مانند آنچه برای برگزاری مراسم مجلس عزاداری امام‌حسین (ع)، تعمیر عمارت، روشنائی بقاع و مضاجع و آرامگاه‌های سلاطین قاجار، مدرسه‌ها و مسجدها خرج می‌شود (عبدلی‌آشتیانی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۰).

برات صرف مثل اخراجات است. اخراجات به هزینه‌هایی گفته می‌شد که حکومت

صرف تأمین مایحتاج و نیازمندی‌های روزانه بیوتات سلطنتی، دفاتر دیوانی یا گروگان‌ها و زندانیان مانند انواع خوراکی و نوشیدنی‌ها، لباس و جامه، سوخت (زغال، شمع، هیزم و روغن چراغ)، تنباکو، کاغذ و نوشت افزار می‌کرد (عبدلی آشتیانی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۱)؛ بنابراین برات صرف مانند اخراجات بابت مصارف و مخارج بیوتات سلطنتی و تعمیر عمارات صادر می‌شد. شاخصه اصلی برات صرف آن است که مبلغ آن برای صرف کار معینی پرداخت می‌شد و برات‌دار موظف به مصرف آن در کار دیگری نبود و صرف نوعی خرج بود (ثمره حسینی و محمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰).

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۴۷

### برات صرف ناصرالدین شاه

در مجموعه جهانی اسناد کاخ - موزه گلستان تهران سندی به شماره بازبایی ۹۶۸۶۲ وجود دارد (مجموعه جهانی اسناد کاخ موزه گلستان تهران، شماره بازبایی: ۹۶۸۶۲). این سند برات صرفی است که ناصرالدین شاه قاجار در جمادی‌الاول سال ۱۲۹۴ق و سال ترکی اود نیل برای روشنایی صحن مقدس امام حسین (ع) در کربلا و قیمت آب، مواجب سقایان و مواجب فراشان آن صحن مقدس صادر کرده‌است.

اداره امور روشنایی حرم امام حسین (ع) از مهم‌ترین مشاغل ساختار اداری و سلسله‌مراتب تشکیلات این بنای متبرک بوده است. این امور با نمونه‌برداری از تشکیلات بیوتات سلطنتی زمان خود نظمی داشت. هم‌چنین، دربار سلسله‌های حکومتگر به این حرم مقدس توجه می‌کردند؛ در نتیجه کمک‌های مختلف را دریافت می‌کرد تا جایی که پادشاهان خود مستوفی مستقلی را برای سروسامان دادن و تمشیت امور حرم مقدس امام حسین (ع) و دیگر بقاع متبرکه عتبات عالیات می‌گماشتند و همواره دفتر استیفا نظر خاصی به بقاع متبرکه امامان شیعه (ع) داشت.

قندیل‌ها مجموعه‌ای از وسایل روشنایی بود که بیشتر در اماکن مقدس مشهور در ایران و عراق استفاده و از سقف آویزان می‌شد و با زنجیر یا ابریشم تزیین شده به فاصله‌های مشخص نصب می‌شد. جنس این قندیل‌ها بیشتر از طلا، نقره، برنج، مس، مفرغ و فولاد بود. آنچه در اسناد تاریخی و کتابچه‌های صورت اشیا اماکن متبرکه به تفصیل درباره انواع آن‌ها ثبت شده، این است که این قندیل‌ها تزیینات ارزشمندی داشتند و با عناوینی مانند:

قندیل‌های طلاکاری، قندیل‌های خیاره‌دار، قندیل‌های مشبک و قندیل‌های مرصع و سه ترنج نام برده می‌شد. نوع ساخت آن بدین شکل بود که روی صفحه اصلی چندین دسته و حلقه‌های مخصوص برای نصب شمع یا روغن چراغ قرار می‌دادند که البته تعداد آن به نیت واقف یا سازنده آن بستگی داشت که شامل سه عدد تا پنج عدد یا بیشتر می‌شد؛ بنابراین بر پایه آنچه گفته شد، برای سند برات صرف ناصرالدین شاه ۵۵ قندیل به منظور دور صحن مطهر امام حسین (ع) در نظر گرفته شده است!

در باب برات صرف ناصرالدین شاه موارد زیر مهم است (رجوع به بازخوانی برات در پایان مقاله، شکل‌های شماره‌های ۱ و ۲).

۱. در صدر حساب، صورت مد صرف به شکل طولی از ابتدای سمت راست صفحه به سمت چپ و تنها یک حرف آن کشیده شده است و حرف آخر، یعنی «ف» به شکل اوریب ترسیم شده است تا قرینه و بدلی همانند خود نداشته باشد. اوریب‌نویسی نوعی رمزی‌نویسی است که بی نظیر بودن برات را نشان می‌دهد. همچنین، احتمال تقلب را ناممکن می‌کند.

۲. تحت‌السیاق، صاحب اصلی و گیرنده مبالغ نقد و جنسی است که دیوان را با هر عنوانی شایسته پرداخت می‌داند که بیشتر به خط شکسته نستعلیق است و در بسیاری از مواقع بدون نقطه نوشته می‌شود و در آن علت پرداخت و نام وصول‌کننده برات به روشنی می‌آید. تحت‌السیاق در این برات صرف روشنائی قندیل‌های عتبات عالیات عرش درجات است به جناب آقا شیخ محمد (با اشاره به صرف مواد لازم قندیل‌ها و نگهداری و مواظبت پیوسته از آن که متولّی اصلی و ناظر این قندیل‌های خاص است) واگذار شده است. این شخص موظف بود که ۵۵ قندیل صحن امام حسین (ع) را هر روزه مواظبت کند و روشن نگه دارد و لوازم مصرف آن را برای همکارانش تهیه کند تا همواره صحن متبرکه برای انجام دادن فرائض نماز و خواندن دعا نور کافی داشته باشد. شیخ محمد متولّی در روشن و خاموش کردن به موقع این قندیل‌ها مسئولیت کامل داشت. تعداد زیاد قندیل‌های استفاده شده بزرگی و عظمت صحن امام حسین (ع) را در اواسط سلطنت ناصرالدین شاه نشان می‌دهد. همچنین، نشان از آن دارد

۱. به بازخوانی سند برات صرف در پایان مقاله رجوع شود.

که شاه ایران روشنایی و منور کردن این مکان مقدس را برای زائران شیعه در عراق از وظایف خود می دانست که شخص مخصوصی را بدین عمل گمارده است. همچنین، شاه قاجار مبلغ ۲۷۰ تومان بابت این امر مهم که در آن عصر مبلغ چشمگیری بوده، اختصاص داده است که نشان از اهمیت اماکن مقدس عتبات عالیات از جمله در کربلا نزد تنها پادشاه شیعه جهان را دارد. این موضوع به نوعی این نکته را بیان می دارد که ایران از زمان های دور و در دوره های مختلف تاریخی نزد پادشاهان ایرانی اهمیت داشته است.

### پژوهش نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۴۹

کل مبلغ برات ۲۷۰ تومان بود که آن پول به شخص صاحب برات، یعنی آقا شیخ محمد متولی داده می شد. از مبلغ ۲۷۰ تومان، مبلغ ۲۰۰ تومان آن بابت مخارج ۵۵ قندیل اختصاص داده شده بود و مبلغ ۷۰ تومان باقی مانده نیز ۲۰ تومانش برای قیمت آب سقاخانه و مواجب سقاها و مبلغ ۵۰ تومانش برای مواجب ۴ نفر فراش صحن مقدس سیدالشهدا (ع) اختصاص داده شده بود. مبلغ ۷۰ تومان را باید خرج مصرف های خدماتی مهم صحن مطهر در نظر می گرفتند؛ زیرا نبود هر یک از آن ها (آب، سقاها و فراش ها) مشکلات بهداشتی و سلامت زوار را تحت تأثیر قرار می داد. به علت گرمی هوا در کربلا همواره آب آشامیدنی برای اهالی کربلا و به خصوص زوار ارزش بسیاری بالایی داشت. هم چنین، مواجب سقاها و فراشان حرم که در ایجاد نظم و انضباط، امور بهداشتی و نگهداری و نظافت از صحن حضرت سیدالشهدا نقش مهمی داشتند از جمله مخارج مهم و همیشگی آن مکان مقدس بوده که بیوتات سلطنتی ایران و شخص ناصرالدین شاه به این مهم توجه ویژه داشته است.

۳. مبلغ اصلی برات که قابل پرداخت بود، به صورت عدد سیاق نوشته شده است. یکی از مبالغ نقدی در این برات ۵۰ تومان است که با قید کلمه مقررأً برای مواجب ۴ نفر فراش آورده شده است؛ این بدان معناست که عدد ۵۰ تومان بدون کم و کسری و بدون مالیات دیوانی که به آن رسوم می گویند، کم شود. درصد این مالیات دیوانی مبلغ ۱۲٪ است که در این مورد خاص باید ۶ تومان کم می شد که ۱۰٪ حق خزانه عامره و ۲٪ حق مستوفی بود که در تنظیم این برات نقش داشته است. با این توصیف برات اشاره دارد که کسرهای مالیاتی حقوق از ۴ نفر فراشان صحن حضرت امام حسین (ع) نباید دریافت شود و مبلغ فوق به آن ها باید عیناً داده شود. هم چنین، لفظ مواجب در این سند به ما یادآوری می کند که هر سال این

مبلغ به شکل حقوق رسمی به افراد فوق یا جانشینان آنها باید پرداخت شود. این نکته اهمیت دارد که برات موجب در بیشتر کتابچه‌های جمع و خرج برای نظامیان و حقوق‌علماء و سادات مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۴. در کلیه برات‌های دیوانی به خصوص سال ترکی - مغولی به خط شکسته و به شکل مد سنه/سال همراه با مبلغ اصلی برات، نصف مبلغ هم به شکل سیاق و هم به صورت نوشته و محل پرداخت و مشخصاً از کدام شهر (در اینجا تبریز) یا خزانه عامره باشد، می‌آوردند و این یک قانون دیوانی لایتغیر تحریر برات بود؛ آن گونه که در این برات صرف به صورت «سند ادوئیل مبلغ ۲۷۰ تومان تبریزی است» (نصف ۱۳۵ تومان) نوشته شده است.

۵. عامل و محل پرداخت در تمامی برات‌ها به خط شکسته می‌آید. در این برات صرف پرداخت‌کننده عالی‌جاه مقرب‌الخاقان مخبر‌الممالک بود. او از رجال برجسته دیوان استیفا و مسئول پرداخت مبلغ ۲۷۰ تومان بود که در زیر این قسمت مهر عامل برات زده می‌شود. به شخص مخبر‌الممالک برات‌گیر می‌گویند؛ زیرا برات‌گیر فردی بود که برات را برای او می‌فرستاد تا پول صاحب برات را پرداخت کند.

۶. برات‌کش کسی بود که برات را می‌نوشت و به فرد دیگری دستور می‌داد تا پولی را به شخص دیگر بدهد. درباره برات صرف ناصرالدین شاه باید گفت که برات‌کش مستوفی‌الممالک یا معاون او به نام وزیر دفتر بود که به دستور شاه برات می‌کشید و خزانه عامره یا خزانه کل که زیر نظر مستوفی‌الممالک و وزیر دفتر اداره می‌شد، مسئول پرداخت برات بود.

۷. سال هجری قمری در کنار سال ترکی - مغولی در تمام برات‌های دیوانی همراه هم می‌آید که این سال در انتهای برات نوشته می‌شد. در برات صرف تاریخ آن «تحریراً فی شهر جمادی الاول سنه ۱۲۹۴» نوشته شده است.

۸. مستوفی‌ها ظهر سند برات صرف را به عنوان یک سند خرج در دفتر استیفا ثبت می‌کردند و به اصطلاح دفتری می‌شده است. در این روند دفتری کردن برات صرف را برای صحن مبارک امام حسین (ع)، مقام‌های مهم دیوان‌سالاری و دفتر استیفا با طغرا و مهرهای خود تأیید و ثبت می‌کردند که نام برخی از این مقام‌ها عبارت است از:

- آقا محمدعلی تحویلدار

- هدایت‌الله ابن حسین که او همان میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر آشتیانی، معاون دفتر استیفای کل بیوتات سلطنتی و معاون میرزا یوسف مستوفی الممالک آشتیانی، محاسب کل ممالک محروسه ایران و پدر دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر و بانی ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹ خورشیدی بود.

- میرزا ابراهیم ابن محمد معتمد السلطنه آشتیانی، مستوفی فرزند میرزا محمد قوام‌الدوله، مستوفی آشتیانی و رئیس بیوتات سلطنتی دوره مظفرالدین‌شاه قاجار و پدر احمد قوام السلطنه، نخست‌وزیر و برادرش حسن وثوق‌الدوله بود.

- میرزا رفیع‌الدین مستوفی مازندرانی از مستوفیان طراز اول دفتر استیفای عصر ناصرالدین‌شاه قاجار بود.

- میرزا نصرالله مستوفی گرگانی، پدر عبدالله مستوفی، نویسنده کتاب مهم تاریخی شرح حال زندگانی من در ۲ جلد بود.

- میرزا محمدعلی خان ملقب به معاون‌الملک و قوام‌الدوله، پسر میرزا عباس خان تفرشی قوام‌الدوله که در سال ۱۲۹۹ق از مستوفیان طراز اول و درجه یک بود. او چندین سال مستوفی (محاسب) حساب تهران، یزد، صندوق‌خانه، گمرک، باغ‌های سلطنتی و غیره بود. معاون‌الملک در سال ۱۳۰۰ق به لقب سابق پدرش معاون‌الملک معروف شد.

### نتیجه‌گیری

بقاع متبرکه امامان شیعه (ع) در عتبات عالیات عراق همواره مورد توجه پادشاهان شیعه مذهب ایران قرار داشت. آنها برای نگهداری این اماکن مقدس هزینه و اشیایی را اهدا می‌کردند؛ از جمله این اشیاء چهل چراغ و شمعدان بود. نگهداری و مواظبت و اهمیت به موقع روشن و خاموش کردن چراغ‌های اماکن متبرکه واقع در نجف و کربلا از زمانی که یک چهل چراغ در حر می‌آویخته و با متولی آن روشن می‌شد، اهمیت فراوانی داشت. بدین جهت از طرف دولت ایران هزینه شمع یا سوخت مصرف شده در چهل چراغ به صورت سالیانه و به‌عنوان دستمزد برای پرداخت به متولی اختصاص می‌یافت که به آن وجه یا صرف روشنایی می‌گفتند. این وجه به صورت برات صرف از طرف دولت ایران در قالب اسناد رسمی با تأیید شاه و سپس دفتر استیفا تسلیم متولی روشنایی عتبات می‌شد که خود یک منصب مهم در

امور اداری حرم بود. ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۴ق براتی با عنوان برات صرف به مبلغ ۲۷۰ تومان صادر کرده است. ۲۰۰ تومان این مبلغ برای روشنائی قنذیل‌های صحن مقدس حضرت سیدالشهدا اختصاص داده، ۲۰ تومان برای قیمت آب سقاخانه و مواجب سقاها و ۵۰ تومان نیز برای مواجب فراشان صحن مبارک در نظر گرفته شده است. این برات صرف نشان از اهمیت عتبات عالیات نزد دربار ایران و شخص ناصرالدین شاه قاجار دارد. هم‌چنین، برات صرف جزئی از برات‌های دیوانی در دوره قاجار بود. برات‌های دیوانی در دوره قاجار ۴۵ نوع بوده است که دفتر استیفا صادر می‌کرد تا هزینه‌های دولت به صورت نقد و جنس پرداخت شود. آن‌ها ساختار خاصی مانند صدر حساب، تحت‌السیاق، مبلغ، عامل و محل پرداخت، سال ترکی - مغولی و قمری داشت.

جدول شماره یک- بازخوانی صفحه اول برات صرف روشنائی قنذیل‌های روضه مقدس  
حضرت سیدالشهدا (ع) از طرف ناصرالدین شاه قاجار ۱۲۹۴ق

ص	
رف	
روشنائی قنذیل عتبات عالیات عرش درجات که به توسط جناب آقا شیخ محمد به مصرف می‌رسد.	
۲۷۰ تومان	
(مقرراً): به جهت قنذیل روضات متبرکه از بابت دوره صحن مقدس حضرت سیدالشهدا	
۵۵ قنذیل (مقرراً): ۲۰۰ تومان	
دفعه	
ه	
۷۰ تومان	
قیمت آب سقاخانه و مواجب	مواجب فراشان صحن مقدس
سقایان درب جدید صحن حضرت	حضرت سیدالشهدا
سیدالشهدا	۴ نفر (مقرراً):

۵۰ تومان

۲۰ تومان

سند ادو نیل مبلغ ۲۷۰ تومان تبریزی است، نصف ۱۳۵ تومان  
[پرداخت کننده]: عالی جاه مقرب الخاقان مخبر الممالک رسید.  
تحریراً فی شهر جمادی الاول سنه ۱۲۹۴  
(مهر شیر و خورشید و شمشیر)

[در هامش سند برات صرف]: از قسطهای رسیده اود نیل ۵۰ تومان

### [صفحه دوم ظهر سند برات صرف]

• ارجمندی آقا محمدعلی تحویل دار از قسطهای رسیده برساند.

- [دفتری شده/ مهرها]: ۱. سجع مهر هدایت الله ابن حسین؛ ۲. سجع مهر معاون الملک؛ ۳. سجع مهر عبدالرحیم؛ ۴. سجع مهر عبده نصرالله؛ ۵. سجع مهر عبده ابراهیم ابن محمد؛ ۶. سجع مهر یا رفیع الدین؛ ۷. سجع مهر عبده. نصرالله؛ ۸. سجع مهر کاظم الحسینی؛ ۹. سجع مهر یا اباعبدالله الحسین؛ ۱۰. سجع مهر رضاقلی؛ ۱۱. سجع مهر عبدالرشید؛ ۱۲. سجع مهر معاون الملک.
- ثبت جناب معاون الملک ملاحظه شد [سجع مهر معاون الملک].

• ثبت شد، ثبت استیفا شد، ثبت دفتر استیفا شد، مرقوم شد، ثبت و نشان شد، ثبت استیفا شد، در دفتر همایون اعلی ثبت ملاحظه شد، ثبت سرکار استیفا شد [سجع مهر رضاقلی].

### پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۵۳

۱. میرزا هدایت الله وزیر دفتر آشتیانی، و ان دفتر استیفا علی کل بیوت سلطنتی و ان میرزا یوسف مستوفی الملک آشتیانی و سلب کل ملک محروسه ایران و پدر دکتر محمد مصطفی، نخست وزیر و ایرانی ملی شدن نفت دور ال ۲۹ خورشیدی است.

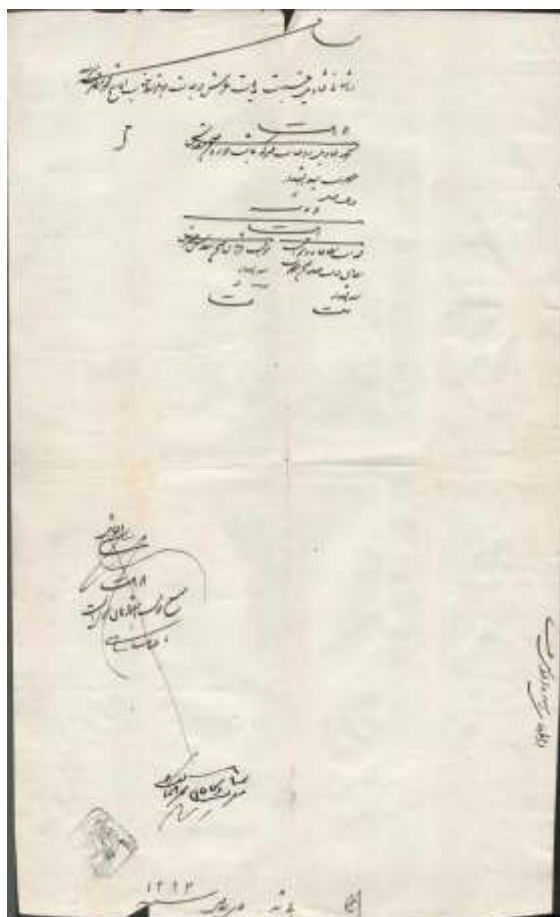
۲. میرزا-ابراهیم معتمد السلطنه آشتیانی مستوفی، فرزند میرزا محمد قوام الدوله مستوفی آشتیانی، رئیس بیوت سلطنتی دوره مظفرالدینش لقا جل و پدر احمد قوام السلطنه، نخست وزیر و برادرش حسن وثوق الدوله.

۳. میرزا شفیق مستوفی، زندرانی از مستوفیان طراز اول دفتر استیفا علی عصر ن طول الدینش لقا جل و.

۴. میرزا نصرالله مستوفی گزلی، پدر عبدالله مستوفی و نویسنده که بلا مهم تاریخی شرح زندگانی من در ۲ جلد.

۵. میرزا محمد علی خ لقا ملقب به ه لقا الملک و قوام الدوله پسر میرزا ع سلخ ان تفرشی قوام الدوله که در ال ۹۹ ق از مستوفی طراز اول و درجه یک بود و چندین لقا مستوفی لقا (سلب) ه بلتهنا، یو، صنلوقه لقا،

گکو، بظ علی سلطنتی و غیره بود. او در ال ۱۰۰ ق به تقسیم لقا پدرش ه لقا الملک معروف شد.



شکل شماره دو- برات صرف روشنایی قندیل‌های روضه مقدس حضرت سیدالشهدا (ع) از طرف ناصرالدین شاه قاجار ۱۲۹۴ق

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

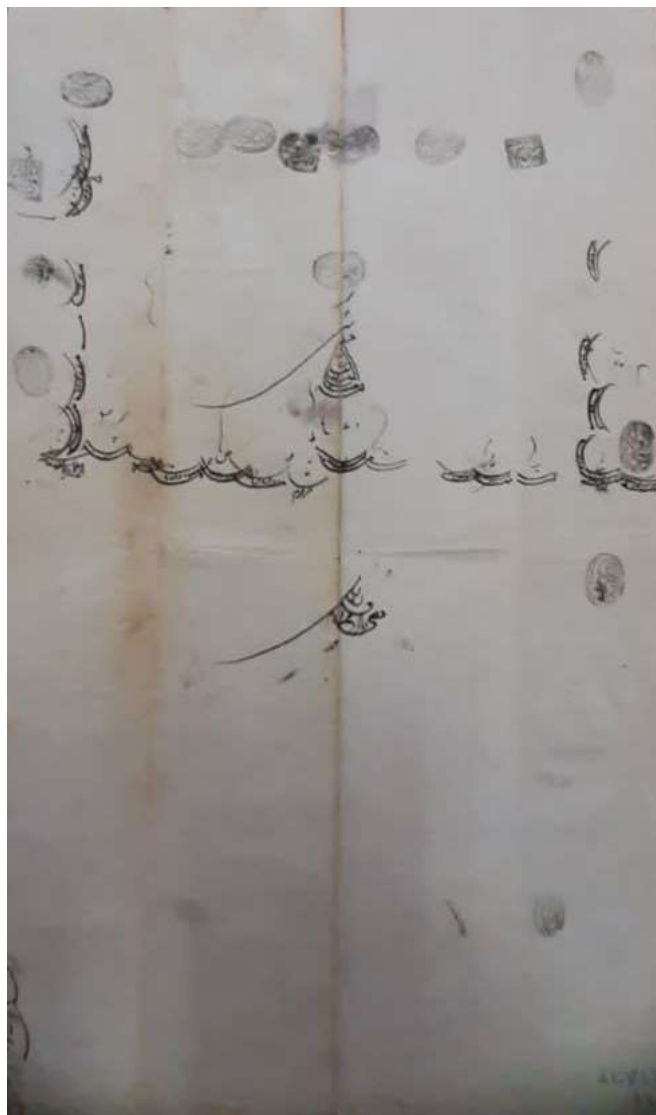
دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۵۴

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۵۵



شکل شماره سه- ظهر دفتری شده برات صرف روشنایی قنديل های روضه مقدس حضرت  
سیدالشهدا (ع) از طرف ناصرالدین شاه قاجار ۱۲۹۴ ق

منابع

-برات صرف روشنایی در جمادی الاول سال ۱۲۹۴ ق برای روشنایی صحن مقدس امام حسین (ع) در کربلا  
و قیمت آب، مواجب سقایان و -مواجب فراشان آن صحن مقدس در مجموعه جهانی اسناد کاخ- موزه  
گلستان تهران، شماره بازیابی: ۹۶۸۶۲.

تحلیلی بر برات‌های دیوانی و برات صرف روشنائی قندیل‌های روضه مقدس امام‌حسین (ع) از طرف ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۹۴ق)

- عبدلی‌آشتیانی، اسدالله، خودآموز حساب سیاق (پایه دوم) اصطلاحات و مدهای سیاق، تهران، سفیر اردهال، ۱۴۰۴.

- \_\_\_\_\_، سیاق: تاریخ، آموزش، دیوان‌سالاری و ریاضی حسابداری، جلد ۲، تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۵.

- بختیاری، امیرهوشنگ، «منصب چراغچی‌باشی در عتبات‌عالیات»، مجله تاریخ اسلام، ۴(۱۵)، ۱۳۸۲.  
- ثمره‌حسینی، مرضیه و محمدی، امین، «تحلیل ساختار برات‌های دیوانی دوره قاجار»، فصلنامه گنجینه اسناد، ۲۵، ۱۳۹۴.

---

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

---

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

## نقش زنان ایرانی در بازسازی عتبات عالیات در دوره صفوی و قاجار (۱۳۴۳-۹۰۷ ه. ق)

اصغر قائدان

### چکیده

زنان ایرانی در طول تاریخ این سرزمین همواره در امور عام‌المنفعه و خیریه پیشگام بوده‌اند و نقش آنان به‌ویژه در دوران حکومت‌های شیعی، بازسازی اماکن دینی و مزارهای اهل بیت و خدمت‌رسانی به زائران دوچندان می‌شده است. یکی از اماکن مقدس که زنان همواره در بازسازی آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند، عتبات عالیات عراق و درحقیقت، مزارهای شش تن از ائمه معصومین در این سرزمین بوده است. تلاش و نقش زنان اگرچه در برابر مردان اندک اما اهمیت ویژه‌ای داشته و البته چندان به آن توجه نشده است؛ بنابراین هدف از پژوهش حاضر که براساس روش تاریخی، توصیفی صورت گرفته، بررسی کیفیت و چگونگی این نقش، میزان و اهمیت آن در بازسازی و توسعه عتبات عالیات عراق در دوره صفویه و قاجار بوده است. گفتنی است که میزان این نقش به موقعیت اجتماعی، سیاسی و نیز اقتصادی این زنان بستگی داشت و با توجه به این موقعیت و پایگاه طبقاتی، کیفیت و کمیت این نوع خدمات نیز متفاوت بود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که غالب این بازسازی‌ها و ارائه خدمات از سوی شاهزادگان و همسران شاهان و درباریان در دو دوره مدنظر صورت گرفته است و آن‌ها بیشتر در ارائه خدمات به این اماکن به‌طور مستقیم به ایفای نقش می‌پرداختند؛ اما زنان غیردرباری به‌نسبت آنان نقش بسیار کمتری داشته‌اند و کوشیده‌اند با ارائه کمک‌های نقدی و نذرها به اندازه قدرت و وسع خود در این کار ارزشمند و مقدس سهیم شوند. همچنین در این میان، نقش زنان عصر قاجار در مقایسه با عصر صفویه به‌لحاظ کمی و کیفی بسیار بیشتر و برجسته‌تر بوده است.

کلیدواژه‌ها: عتبات عالیات عراق، زنان واقف، بازسازی، وقف، صفوی، قاجار.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۵۷

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

email@email.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۲

## مقدمه

به سبب شکل‌گیری دولت‌های شیعی در ایران و نیز وجود زیارتگاه‌های متعدد در این سرزمین و نیز در عتبات عالیات عراق و مدینه منوره همواره خلفا و پادشاهان اعم از شیعه و سنی تلاش‌هایی را در حفظ، بازسازی و توسعه این اماکن متبرکه انجام داده‌اند. به موازات تلاش‌های این حکومت‌ها، شیعیان اعم از مرد و زن نیز در این امر خدایسندانه همواره می‌کوشیده‌اند و زنان نیز در این راه پیشگام و یا مشوق مردانشان بوده‌اند. موقوفه‌های شهرهای مختلف ایران به‌ویژه اصفهان، تهران و خراسان که در برخی از وقف‌نامه‌های آن‌ها درآمدهای این موقوفه‌ها باید صرف بازسازی عتبات و زیارتگاه‌های مدنظر واقف می‌شد، نشان از این پیشگامی زنان دارد؛ برای مثال، از میان آثار موقوفه اصفهان در دوره صفویه حدود یک‌سوم آن متعلق به زنان بوده که می‌بایست در آمد برخی از آنها به مخارج بازسازی عتبات و خدمت‌رسانی به زائران براساس نظر واقف اختصاص می‌یافت و این امر مشارکت گسترده زنان در امور خیر و عام‌المنفعه را نشان می‌دهد. به نوشته فیگوئرا، سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول، زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای عام‌المنفعه از مردان دست‌ودل‌بازتر بودند؛ به طوری که بسیاری از کاروانسراها و ساختمان‌های عام‌المنفعه از صدقات زنان که معمولاً فقیرتر از مردان بودند، ساخته می‌شد (فیگوئرا، ۱۳۶۳، ص ۱۲۸-۱۲۷).

از آنجاکه برخی از دولت‌مردان صفوی و قاجار برای گسترش و ترویج معارف و آیین تشیع اثنی‌عشری اهتمام ویژه‌ای به ساخت و توسعه بقاع و زیارتگاه‌های اهل‌بیت و نیز اماکن و مراکز دینی داشتند، همواره موقعیتی مناسب برای مشارکت و ابستگان به آنان و نیز مردم عادی در این امر فراهم می‌شده است؛ از این روزنان اشراف‌زاده، همسران شاهان و زنان طبقه ثروتمند و درباری همواره در بازسازی و توسعه اماکن مذهبی عتبات نقش‌آفرینی می‌کردند. علاوه بر آنان، زنان طبقات متوسط جامعه نیز با جمع‌آوری کمک‌های کوچک و ارسال اقلامی چون پارچه، شمع، جواهرها، فرش و سایر نیازهای عتبات در این امر سهیم می‌شدند که در مجموع، کمک‌های زنان از راه‌های زیر به صورت وقف و نذر برای عتبات مقدسه انجام می‌شد. وقف‌نامه‌های فراوانی از این دوره موجود

است که نشان‌دهنده مشارکت مستقیم زنان در این فعالیت‌هاست. همچنین، زنان ثروتمندی که به زیارت عتبات می‌رفتند، اغلب مبالغ چشمگیری را برای بازسازی یا ساخت‌بخش‌هایی از اماکن مقدس اهدا می‌کردند. کمک‌های نقدی به صورت فردی و گروهی نیز از دیگر راه‌های نقش‌آفرینی زنان بود که با ارسال طلا و جواهرها و جمع‌آوری کمک‌های مردمی در نگهداری و توسعه عتبات نقش مستقیم ایفا می‌کردند و علاوه بر آن این اماکن را از لحاظ معنوی نیز با حضور در عتبات و نیز ترویج زیارت و حفظ سنت‌های دینی همواره زنده نگه می‌داشتند.

### نقش زنان ایرانی در بازسازی عتبات در عصر صفویه

نقش زنان ایرانی در بازسازی عتبات عالیات با توجه به حضور دولت شیعی صفوی که به‌رغم حضور عثمانی‌ها در عتبات توجه ویژه‌ای به این اماکن داشتند، بسیار حائز اهمیت است. رویکرد شاهان صفوی در این خصوص سبب شد زنان ایرانی به‌ویژه طبقه درباری و اشراف در حمایت از این اماکن فعال‌تر شوند. یکی از خدمات مهم آنان تأسیس مدرسه‌ها، مسجدها و کاروانسراها در مسیر زائران عتبات و یا در شهرهای مختلف بود تا ضمن تسهیل زیارت زائران موقوفات آن‌ها را برای تأمین هزینه‌های نگهداری حرم‌های امامان شیعه در عراق استفاده کنند. دیگر دارایی‌های آنان نیز از جمله املاک، باغ‌ها، دکان‌ها نیز گاهی برای این امر وقف می‌شد. برخی از این وقف‌نامه‌ها که امروزه در دست است، نشان‌دهنده میزان تعهد زنان به حفظ این اماکن مقدس است. همچنین، در مواقعی که اشراف‌زادگان و همسران شاهان صفوی به همراه کاروان‌های زیارتی به عتبات سفر می‌کردند، کمک‌های مالی و مادی چشمگیری برای بازسازی و تزیین حرم‌های مقدس می‌کردند. علاوه بر آن، بخشی از هزینه‌های پروژه‌های عمرانی و بازسازی‌های متعددی را که در این دوره دولت صفوی در عتبات انجام می‌داد زنان ایرانی تأمین می‌کردند؛ از جمله بازسازی حرم امام حسین (ع) در کربلا و گنبد مطهر امام علی (ع) در نجف که به آن اشاره خواهد شد. حمایت از صنعتگران و هنرمندان برای تولید آثار هنری مانند: کاشی‌کاری، قالی‌بافی و غیره، از سوی زنان دربار و اشراف برای ارسال آن‌ها به‌عنوان هدیه به عتبات نیز از دیگر راه‌های نقش‌آفرینی آنان بود. در کنار آن حمایت‌های مالی

به ویژه مادران و همسران شاهان از برخی علمای شیعه عراق می توانست در حفظ و توسعه اماکن مذهبی عتبات تأثیرگذار باشد. تأمین مالی و بازسازی کاروان سراها و زیارتگاه های مسیر عتبات عالیات از دیگر راه های نقش آفرینی زنان در این راه بود که زیارت را برای زائران عتبات تسهیل می کرد.

### زنان درباری عصر صفوی

#### گوهرشاه بیگم (دختر شاه اسماعیل اول)

گوهرشاه بیگم یا شاه بیگم خواهر شاه طهماسب و دختر شاه اسماعیل اول صفوی است. گفتنی است که شاه سلطان حسین نیز دختری به نام گوهرشاه بیگم دارد که این تشابه اسمی ممکن است برخی را دچار اشتباه سازد. وی که زنی باهوش و قدرتمند بود، نقشی مهمی در اداره امور حکومتی و سیاسی دوران شاه اسماعیل و شاه طهماسب داشت و به دلیل موقعیت خانوادگی اش در برقراری روابط دیپلماتیک میان صفویان و سایر قدرت های منطقه ای و بین المللی داشت. گوهرشاه بیگم در امور خیریه و مذهبی نیز سهم بود؛ از جمله در هرات بقعه ها و عمارت ها و مدرسه های زیادی ساخته بود (شکری، ۱۳۵۰، ص ۲۰۵). همچنین، گنبد بقعه حضرت معصومه در قم را به سال ۹۲۵ ق تخریب و بازسازی کرد و دو مناره نیز برای آن قرار داد. مشهورترین ایوان این بقعه صحن عتیق یا ایوان طلاست که گوهرشاه بیگم آن را ساخت (مشیری، ۱۳۵۴، ص ۹۸). صحن «شاه بیگم» در این حرم، از دیگر آثار اوست. همچنین، اوبخش چشمگیری از اموال و اراضی خود را در قم و اصفهان برای امور خیریه در تاریخ ۱۰۷۱ ق وقف کرد که عواید آن باید صرف امور دینی و فقرا و نیز هزینه بازسازی حرم امام علی (ع) و امام حسین (ع) می شد (کلیددار، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۵۹).<sup>۱</sup>

#### خانم بیگم (دختر شاه اسماعیل اول)

او یکی دیگر از دختران شاه اسماعیل و به روایتی شاه طهماسب اول است (منشی

<sup>۱</sup> برای وقف نامه این املاک بنگلیو: احمطی، زهت (۳۷۶ ش)، «وقف نامه از دوزن زبیده بیگم و گوهرشاه بیگم»، میراث اسلامی ایوا، دفتر ششم،

ترکمان، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲). او در سال ۹۲۹ ق به ازدواج بنیان‌گذار امپراتوری مغول هند، یعنی بابرشاه درآمد (فلسفی، ۱۳۳۴، ص ۱۳) که این ازدواج برای تقویت روابط بین صفویان و امپراتوری مغول صورت گرفت. هرچند اطلاعات دقیقی از زندگی شخصی او پس از این ازدواج در دست نیست، این پیوند خانوادگی نمادی از تلاش صفویان برای گسترش نفوذ سیاسی خود در هند است.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۶۱

خان‌ش‌بیگم از زنان خیریه بود که با اهدای قالی‌ها و پارچه‌های نفیس و نیز پارچه‌دوزی و مشارکت در امور هنری برای اماکن مذهبی از جمله عتبات شناخته می‌شود. همچنین، به گفته مهریزی املاک خود در خارج از یزد و بلوک قهستان را برای زوار امام حسین (ع) در تاریخ، ۹۶۳ ق وقف کرده است (ابویی مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۳۵). خان‌ش‌بیگم در وقف‌نامه آن، بخشی از املاک و رقبات یاد شده را که در تصرف وی بوده، چنین وقف کرده است؛ بدین صورت که متولی، موقوفات را پس از صرف بر مخارج حرم، مصروف زوار امام حسین (علیه‌السلام) به شرط مذهب شیعه اثنی‌عشری کند. وی در ادامه، حدود این املاک وقفی را خارج از موضع یزد: قریه قهستان (شامل: ارنان، رشکوئیه و جوناباد)، میبد، شرفاباد و ندوک بیان کرده و در داخل شهر یزد: حمام قاضی در محله سرریگ نزدیک میدان خواجه و بازارچه‌ای واقع در مصلی نزدیک مزار شیخ جمال‌الاسلام را نیز بدان افزوده است که تولیت آن با خود بانی (خان‌ش‌بیگم) و بعد با همسرش و بعد از فوت آن دو با فرزندشان میرمیران و ذکور اولادش تعیین گردیده است و تمام عایدات باغ خواجه واقع در مهریجرده را نیز صرف روشنایی حرم امام حسین (علیه‌السلام) قرار داده است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> بخشی از وقف‌نامه خان‌ش‌بیگم برای حرم مطهر سیدالشهداء: «... آنچه وقف فرمود بر مرقد مقدس مزکی و مشهد مؤسس معلی حضرت سیدالشهداء و سبط سیدالانوار الشهید بکر بلا صلوات الله و سلامه علیه و آله المعصومین ثلث الائمة طاهرین ابی عبدالله الحسین الورد فیثمه من حضرت رسول الثقلین حسین منی لامن حسین صلی الله علیه و آله که متولی آن همدیگر مصلی آن رقبتا بعد از اخراج مؤذات بقیه آن حصص و تحصیل مفعول آن وظایف تدبیرانه و حق التولیه صرف زوار آستانه مقدسه اثریه حسینیه حقت: لائوار الملک الحج ائیه

### سلطانم بیگم (همسر شاه طهماسب اول)

سلطانم بیگم دختر موسی سلطان، ملکه مادر شاه اسماعیل دوم و مادر بزرگ شاه عباس در سال ۹۲۳ ق در موصل به دنیا آمد و در سال ۱۰۰۲ ق در قزوین از دنیا رفت. او را نباید با سلطانم خانم، خواهر شاه طهماسب اول که وی هم نیکوکار و خیر و معروف به مهین بانو بود، اشتباه گرفت. سلطانم بیگم یکی از قدرتمندترین زنان در تاریخ حکومت صفویان و زنی نیکوکار و دانشور بود که از زمان مرگ ملکه تاجلی بیگم تا زمان مرگ همسرش به مدت ۴۵ سال، عنوان ملکه قدرتمند دربار شاه طهماسب اول را با خود همراه داشت و اداره حرم سرای شاهی به او سپرده شد و به مهد علیا ملقب بود (فلسفی، ۱۳۳۴، ص ۴۱).

او در تمام تصمیمات سیاسی همسرش، انتصابات و انتخابات دولتی نقش مهمی داشت؛ از جمله در سال ۹۸۴ ق که شاه طهماسب اول از دنیا رفت، او همراه با دخترخوانده اش پریخان خانم برای اینکه اسماعیل میرزا را به سلطنت برسانند، تلاش بسیار کردند (نیومان، ۱۳۷۴، ص ۲۹). با به سلطنت رسیدن شاه اسماعیل دوم اگرچه او ملکه مادر شد، قدرتش کاهش پیدا نکرد و بعد از کشته شدن شاه اسماعیل دوم با قدرتی که داشت پسر دیگرش، یعنی محمدخدا بنده را به سلطنت رساند. شیوه شاه طهماسب اول، یعنی مشورت با سلطانم بیگم از سوی دو پسرش و در دوران سلطنت آنها نیز ادامه پیدا کرد؛ حتی وقتی شاه عباس به سلطنت رسید، سلطانم بیگم با مقام مادر بزرگ شاه

خواجگ اور و خواه غیرجگ اورید مید مقرر آنکه بر مذهب شیعی ائمه مشری (علیهم السلام) بداند و آن بمرست از املاک واقعه بخارج یزد و بلوک قهسته و بدین موجب لرج بلوک قهسته و امن پشت کوه که بمرست از کل رقبه تا موضع رشکونیه قریه و از آن و جزو بلوک که به واسطه شهرت بدین بلوک می وصف تا آنکه از متصرف تا آن علیا حضرت است معجز به ذکر حدود نیست بدالله لم آنچه در این صحیفه نوشته شده حق و صدقست و به این معترف اعتراف شرعی نموده ام - مه: نواب خورشید بقا بمخدومه مکنتاچ و واقفه موقوفه انش بیگم بنشد له اسمعیل له واللّه به لئه ملکه: احمط، نینه، زن در تاریخ اسلام، مجموعه مقالات سمینار بین المللی زن در تاریخ اسلام، تهران:

همچنان نخستین بانوی حرم بود (فلسفی، ۱۳۳۴، ص ۴۱). او علاوه بر ایران به عتبات عالیات نیز توجه داشت و به دستور او بازسازی حرم امام حسین (ع) انجام شد؛ از جمله مناره العبد این بارگاه را در سال ۹۸۲ بازسازی کرد<sup>۱</sup> و برای روشنایی حرم عباس بن علی نیز موقوفاتی قرار داد (کلیددار، ۱۴۱۸ق، ۲۵۹؛ دائرة المعارف تشیع، ۱۳۹۱، ص ۹۶).

پژوهشنامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۶۳



شکل شماره دو- مناره العبد (بازسازی صفوی، سلطانم بیگم)

شکل شماره یک- مناره العبد (دوره جلایری)

زینب بیگم (دختر شاه طهماسب اول)

زینب بیگم یا زینب نسای بیگم ملقب به آنا خانم، عمه شاه عباس و چهارمین دختر شاه طهماسب اول از حوری خانم گرجی است که در سال ۹۷۷ ق به دنیا آمد (نوایی، ۱۳۵۰، ص ۱۶). او همانم بانوی خیر دیگری، یعنی زینب بیگم اردستانی است که در ادامه، به اشاره خواهد شد. زینب بیگم بعد از پریخان خانم، مدبرترین و

<sup>۱</sup> این مناره در سمت شرقی صحن مطهر و بغیر طبله بیست متری دیوار سمت شرقی و در سمت راست کسی قرار دارد که به سوی مرقد حضرت عباس می‌رود. مناره منتهی خواجه امین الدین مجانب الرومی غلام سبط لیاویس جلایری است و به همین سبب، آن را مناره العبد خوانده‌اند. این مناره از بزرگ‌ترین و پهن‌ترین مناره‌ها است که در عتبات است که سبط الم بیگم آن را به همراه تعمیر صحن به طبله لای کرده است.

سیاست مدارترین زن درباری عهد صفوی است که در تحولات سیاسی این دوره نقش برجسته‌ای داشت؛ به گونه‌ای که واله اصفهانی درباره او می‌نویسد: «زینب سلطان بیگم که ولیه عصر و صاحبه دهر و شاه‌قلی بیک استاجلو قورچی شمشیر به منصب للگی خدمتش سرفراز بود و در زمان فترت اقتدار اسماعیل میرزا، مهد علیا نامزد علی‌قلی خان شاملو امیرالمرای هرات نواده دورمیش خان شد؛ اما از حریم حرمت خود پای بیرون نهاد و مد‌العمر دست آرزوی کسی به ذیل عفت آن قدسی سریرت نرسید» (واله اصفهانی، ۱۳۷۲، ص ۴۰۳). او در سال ۹۸۵ ق. به دستور برادرش (اسماعیل دوم) به عقد علیقلی خان درآمد (فلسفی، ۱۳۳۴، ص ۱۳، ۲۵).

زینب بیگم علاوه بر امور سیاسی در انجام دادن امور خیریه و ساخت بناهای عمومی و عام‌المنفعه از جمله: راه‌ها، پل‌ها و کاروان‌سراها نیز اهتمام بسیاری می‌ورزید و نزدیک به صد هزار تومان در این راه خرج کرد؛ از آن جمله، کاروان‌سرای در راه قزوین به سازه ساخت که آن را کاروان‌سرای بیگم می‌نامند (نویسی، ۱۳۵۰، ص ۱۶؛ نوری مجیری، ۱۳۹۲، ص ۲۰۷) کاروان‌سرای مذکور که بر سر راه کاروان‌های عتبات قرار داشت؛ امروزه با نام هجیب همچنان پابرجاست. همواره کاخ وی پناهگاه علما، ارباب فضیلت و اهل ادب و شعر بود و برای بسیاری از آنان حقوق ثابت تعیین کرده بود (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲، ص ۶۰۸). او موقوفه‌های زیادی در قزوین، اصفهان و یزد داشت، بازار امیرچخماق یزد را خرید و وقف مزار خود در مشهد قرار داد (منشی ترکمان، ۱۳۸۲، ص ۱، ۱۳۵).

## پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۶۴



شکل شماره سه- کاروان سرای هجیب  
(در مسیر زائران عتبات)

شکل شماره چهار- بازار امیرچخماق  
(موقوفه زینب بیگم)

علاوه بر آن، به امور خیریه در عتبات عالیات نیز همت می گماشت؛ از جمله بعد از اینکه شاه عباس به تشویق وی ضریح مرقد امیرالمومنین (ع) را تعویض کرد که به تشویق وی صورت گرفته بود، قندیلی زیبا برای روشنایی داخل ضریح هدیه و نیز جواهرهایی را برای هزینه های آن حرم ارسال کرد (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، ص ۱۳۵؛ دایره المعارف تشیع، ۱۳۹۲، ص ۱، ۷۱).

پژوهش نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۶۵



شکل شماره شش- شمعدان‌ها و  
قندیل‌های نقره اهدائی



شکل شماره پنج- ضریح مرقد مطهر  
(دوره صفوی) امام علی (ع)



خیرالنسایگم (مادر شاه عباس اول)

خیرالنسایگم ملقب به مهدعلیا دختر میرعبدالله، والی مازندران، در سال ۸۲۶ ق در میان خاندان مرعشیان مازندران به دنیا آمد. پدرش عبدالله به هنگام سلطنت شاه طهماسب اول صفوی حکمرانی مازندران را برعهده داشت (سیوری، ۱۳۷۲، ص ۶۸) اما بعد از مدتی شاه طهماسب او را از حکومت عزل کرد

و سپس به قتل رسانید. او بعد از چندی برای دلجویی از بازماندگان میرعبدالله دخترش

خیرالنسایبگم را به عقد پسر ارشد خود، محمد میرزا، در آورد و شاه عباس اول حاصل این ازدواج بود (فلسفی، ۱۳۳۴، ص ۶-۵). پس از قتل شاه اسماعیل دوم برادرش محمد میرزای نایبنا به سلطنت انتخاب شد؛ اما همین ضعف بینایی سبب شد که همسرش خیرالنسا بیگم بر او تسلط یابد و بر عزل و نصب سران کشوری و لشکری مداخله کند. او سرانجام در پی درگیری های خاندانی به دست سران قزلباش در سال ۹۵۸ ق کشته شد (منشی ترکمان، ۱۳۸۲، ص ۱، ۲۴۸). او که به عنوان یکی از زنان بانفوذ در این دوره در امور مذهبی و خیریه نیز فعال بود (جعفری کلکناری، ۱۳۸۷، ص ۲، ۹)، با انجام دادن اقدام های خیریه از جمله تأمین هزینه های تعدادی از کاروان سراهای مسیر راه عتبات برای پذیرایی و تسهیل زیارت زائران و نیز با تقدیم هدایایی برای مخارج پروژه های بازسازی عتبات نقش مهمی در این خصوص ایفا کرد (جعفریان، ۱۳۷۳، ص ۳۵۵-۳۵۸). این بانوی خیر، نسخه خطی قرآنی که در سال ۱۲۴۳ قمری با آب طلا نوشته شده بود به حرم امام حسین (ع) هدیه کرد.

#### دلارام بیگم (مادر شاه صفی)

دلارام بیگم همسر دوم محمدباقر میرزا، ولیعهد صفوی، از زنان گرجی حرم شاه عباس دوم بود. او به عنوان رقیب اصلی برای فخرجهان بیگم مادر سلیمان میرزا و همسر اول ولیعهد بود؛ اما محمدباقر میرزا به فرمان شاه عباس دوم اعدام شد. سپس همسران و فرزندان او به اصفهان آمدند و سام میرزا فرزند او مورد توجه شاه عباس قرار گرفت و در دستان او رشد کرد تا اینکه شاه او را ولیعهد کرد. او یکسال بعد که پدر بزرگش از دنیا رفت با عنوان شاه صفی به جای او به سلطنت نشست و دلارام خانم به مقام نواب علیه مادر شاه نائل آمد (هنرفر، ۱۳۵۰، ص ۵۹۴). اگرچه شاه صفی فرزند زنی متدین و نیکوکار بود که در زمینه کارهای خیریه اقدام های مهمی انجام داد اما به شدت خونریز و بی رحم بود و بسیاری از شاهزادگان، درباریان و منسوبان شاه عباس را کشت و یا کور کرد (هدایت، ۱۳۸۰، ص ۶۸، ۷۷). دلارام خانم به دلیل موقعیت مادر شاه نفوذ چشمگیری بر دربار صفوی داشت و با استفاده از این موقعیت ممتاز در دوران حیات خود نقش

فراوانی در حمایت از نیازمندان و توسعه بناهای عام‌المنفعه ایفا کرد از جمله اقدام‌های خیریه او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ساخت و نگهداری بناهای مذهبی مانند مسجدها و کاروان‌سراها، وقف برخی از املاک و دارایی‌ها برای امور خیریه و تأمین هزینه‌های مسجدها و مدرسه‌های دینی و اماکن متبرکه. علاوه بر آن، بخشی از املاک وقفی او در اصفهان برای مخارج و هزینه در عتبات عالیات مصرف می‌شد (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۱، ۱۹، ۳۶).

او مدرسه جدّه کوچک را در زمان وزارت ساروتقی، وزیر شاه‌عباس دوم، در اصفهان در سال ۱۰۵۸ ق ساخت و آن را وقف طلاب کرد که کتیبه‌ای در آنجا حکایت از این امر دارد (هنرفر، ۱۳۵۰، ص ۵۵۳).

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۶۷



شکل شماره هشت - کتیبه موقوفه  
مدرسه جدّه کوچک



شکل شماره هفت - مدرسه جدّه کوچک  
در اصفهان (موقوفه دلارام بیگم)

### زبیده بیگم (دختر شاه سلیمان)

زبیده بیگم از دختران شاه سلیمان و خواهر شاه سلطان حسین صفوی و همنام زبیده بیگم دختر شاه‌عباس اول است که با فرزند یکی از علمای اصفهان، یعنی شمس‌العلماء ازدواج کرد. او که از زنان خیر بود، املاکی را در اصفهان برای بازسازی و مخارج عتبات در تاریخ‌های ۱۰۹۲ و ۱۱۰۷ ق وقف کرد (دهقان‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱ و ۱۶). در این میان، باید به روستای سیان که تولیت آن بر عهده میرزا محمدباقر صدر خاصه، فرزندش بوده است، اشاره کرد (گزی‌برخواری، ۱۳۲۸، ص ۱۸۴-۱۸۵).



شکل شماره نه- آستان امامزاده عبدالمظفر در روستای سیان شهرستان اصفهان

### راضیه بیگم یا رضیه بیگم (دختر شاه سلطان حسین)

رضیه بیگم، خواهر شاه طهماسب دوم، در سال ۱۱۱۲ ق به دنیا آمد. دوران نوجوانی اش مصادف بود با تصرف اصفهان توسط افغان‌ها که بعد از اینکه نادرشاه این شهر را فتح کرد، به عقد او درآمد و به مدت دوازده سال ملکه او بود. رضیه بیگم با مرگ نادرشاه به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در همان جا نیز در سال ۱۱۹۰ قمری از دنیا رفت و در حرم امام حسین (ع) دفن شد (اصفهانی، ۱۳۲۶، ص ۱۲۵). او که در طول زندگانی خود از مهم‌ترین شاهزاده خانم‌های دودمان صفویان و افشاریه بود، موقوفه‌های بسیاری برای کربلا و حرم امام حسین (ع) قرار داد و علاوه بر آن، برای ترمیم عتبه و صحن مقدس کربلا و مسجد شبستان بیست هزار سکه نادی هزینه کرد و نوسازی گسترده‌ای در آن انجام داد (خلیلی، ۱۳۸۶، ص ۲، ۲۶۸). او نادرشاه را تشویق کرد تا گنبد حرم امام حسین (ع) را در ۱۱۵۶ ق مطلق کند و خود نیز مقداری جواهر، قندیل و فرش به این حرم اهدا و ضریح را نیز نقره‌کاری کرد (اصفهانی، ۱۳۲۶، ص ۱۷۷). او علاوه بر حرم امام حسین (ع)، در سال ۱۱۵۶ ق کاشی‌های گنبد و صحن سامرا را نیز بازسازی کرد (صحتی سردرودی، ۱۳۷۴، ص ۸۱).



شکل شماره یازده- کاشی‌های ورودی صحن  
سامرا (عصر صفوی)



شکل شماره ده- گنبد مطلای حرم  
امام حسین (ع) عصر نادری

#### گوهرشادخاتون (دختر شاه‌سلطان حسین)

گوهرشادخاتون، خواهر رضیه بیگم، یکی دیگر از دختران شاه‌سلطان حسین است که پس از مرگ خواهرش به عقد نادرشاه افشار درآمد. او را نباید با بانوی خیبر و نیکوکار عصر تیموری، یعنی گوهرشادخاتون اشتباه گرفت. صندوق خاتم‌کاری شده‌ای که امروزه روی قبر مطهر امام حسین (ع) قرارداد از هدایای اوست که به دست هنرمندان مشهور اصفهانی در آن دوران ساخته شده است (آل طعمه، ۱۴۱۶ق، ص ۹۸). او برخی از املاک و مستغلات خود را در تاریخ ۱۰۷۱ ق وقف زائران حرم امام علی (ع) و امام حسین (ع) کرد (ارجح، ۱۳۹۱، ص ۴).



شکل شماره دوازده- صندوق خاتم‌کاری مرقم مطهر امام حسین (ع) عصر صفوی (هدیه  
گوهرشادخاتون)

## زنان غیردرباری

### زینب بیگم اردستانی

زینب بیگم دختر امیر محمد اردستانی معروف به شیخ الاسلام در سال ۱۱۱۷ ق در اردستان اصفهان به دنیا آمد. او از بانوان نیکوکار در دوران شاه سلطان حسین صفوی و از خاندانی علمی و معنوی و همسر امیر محمد مهدی حکیم الحکما اردستانی طبیب ایرانی بود. زینب بیگم به همراه همسرش مدتی را در هندوستان به سر برد و چون توانست دختر اورنگ زیب، پادشاه مغول هند را معالجه کند، پادشاه زیادی دریافت کرد و همه آن را به امور خیریه در ایران و عتبات اختصاص داد؛ از جمله بنای مدرسه علمی و مسجد نیم آورد در اصفهان به سال ۱۱۱۷ ق که برای هزینه‌های طلاب و نگهداری این مدرسه نیز اموال و املاک زیادی را وقف کرد (جابری انصاری، ۱۳۲۱، ص ۳۰۷). از این مدرسه مشهور تاکنون علمای بزرگی برخاسته‌اند. او مدرسه دیگری را در محله کاسه‌گران اصفهان ساخت (هنر فر، ۱۳۵۰، ص ۶۷۹) و بخشی دیگر از املاکش را نیز وقف عتبات عالیات کرد؛ از جمله موقوفه‌ای را در زادگاه خود، یعنی اردستان قرار داد که عوائد آن باید صرف زوار عتبات می‌شد (خشنودی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴-۱۰۵).

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۷۰



شکل شماره چهارده- مدرسه کاسه‌گران (موقوفه زینب بیگم)



شکل شماره سیزده- مدرسه نیم آورد (موقوفه زینب بیگم)

## مروارید خانم

از زنان ثروتمند اصفهان که املاکی را وقف روشنایی و عطرافشانی عتبات در تاریخ ۱۰۹۰ ق کرد (دهقان‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱، ۱۶).

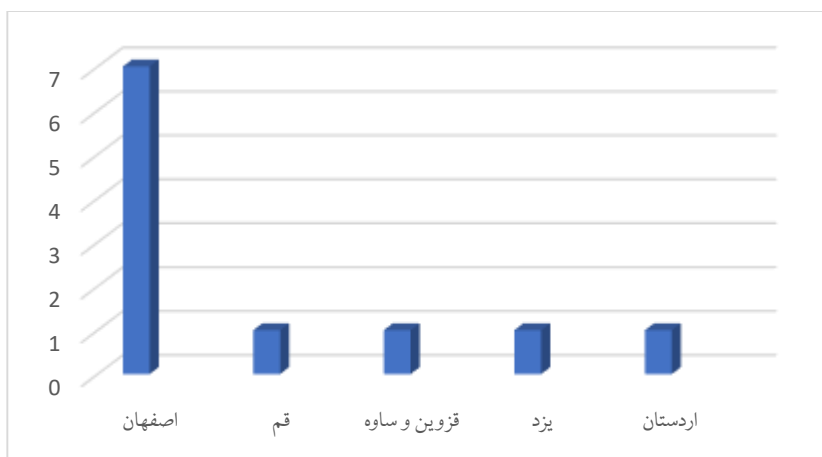
جدول شماره یک- زنان درباری و غیردرباری و انواع خدمات آنان در حرم‌های مطهر (عصر صفوی)

نام شخصیت	جایگاه و نسبت	نوع فعالیت	مکان موقوفه	محل حرم
۱. لاش بیگم	دخترش d اسم لمیل اول	وقف املاک ، هدیه قلمع او پ لرچه ملی نفیس و نیز پ لرچه دوزی	دیزد و بلوک قهسته نا	عبه تا
۲. گوهرش d بیگم	دخترش d اسم لمیل اول	هزینه ب بلو لری حرم ط ماعلی (ع) وط ماحسین (ع)	قم و اصه نا	کربلا و نجف
۳. زینب بیگم	دختر طه ملب اول	وقف املاک روش ملی داخل ضیح ، جواهر ملی برای هزینه ملی حرم نجف	قزوین و سه لحو	نجف
۴. سطم نام بیگم	همسر طه ملب اول	ب بلو لری حرم ط ماحسین (ع) و فد لاة العبد	عبه تا	کربلا
۵. خیرالند ابیگم	م لئود مام سل اول	تسهیل ز لرت زانران و نیز تقدیم هدلی ملی	عبه تا	کربلا
۶. دلارام بیگم	م لئود ماصفی	وقف املاک برای مام لرج و هزینه عبه نغمه ملی تا	اصه نا	کربلا
۷. فخرچ نا بیگم	م لئود ماسلم نا	وقف املاک برای مام لرج زانران عبه تا	اصه نا	عبه تا
۸. زبیده بیگم	دخترش ماسلم نا	وقف املاک برای ب بلو لری و م لرج عبه تا	اصه نا	کربلا
۹. راضیه و ارضیه بیگم	دختر سطم نا حسین	ترمیم عتبه و صحن کربلا جواهرط ، قندیل و نقره لری ضیح ، گنبد و صحنه لمر	عبه تا	کربلا و سه لمر
۷. گوهرش ط متون	دختر سطم نا حسین	وقف املاک برای مام لرج زانران حرم ط ماعلی (ع) وط ماحسین (ع)	اصه نا	نجف و کربلا

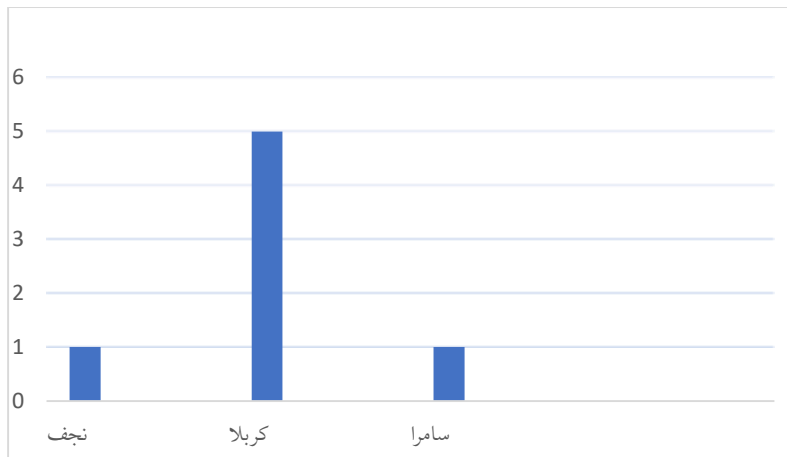
نجف	اردستان	وقف املاک برای سهولت صحن و حرم حضرت علی (ع) و تأمین نخبه لرح زائران	غیردردی	۸. زمین بیگم اردستان
عتبات	اصفهان	روشنایی و عطریات لعی عتبات	غیردردی	۹. مرورایخ نام
نجف	اصفهان	بورال فرش و قالیچه های نفیس	غیردردی	۱۰. فاطمه سبطی



نمودار شماره یک - انواع خدمات زنان عصر صفوی به عتبات عالیات



نمودار شماره دو - محل و مکان موقوفه در دوره صفوی



نمودار شماره سه - حرم‌های بازسازی شده در دوره صفوی

## نقش زنان ایرانی در بازسازی عتبات در عصر قاجار

### زنان درباری

#### آسیه خانم (همسر آغا محمدخان قاجار)

آسیه خانم، دختر محمدخان عزالدین لوی (عضدانلو) قاجار همسر حسینقلی جهانسوز (برادر آغا محمدخان قاجار) ملکه مادر فتحعلی شاه ملقب به ام‌الخاقان و معروف به مهدعلیا، از زنان نیکوکار عصر قاجار بود که مدرسه حکیم هاشم، معروف به مدرسه مادرشاه در بازار تهران از موقوفات اوست و اوقافی را نیز برای تأمین شهریه مدرسان آن قرار داد. آسیه خانم در تهران در سال ۱۲۱۷ ق درگذشت و به وصیت او جنازه اش به نجف منتقل و در روضه حیدریه به خاک سپرده شد. او در آشتی دادن دو فرزندش، یعنی فتحعلی شاه و حسینقلی خان نقش ویژه ای داشت. اگرچه چندان نقشی در بازسازی عتبات از او در دست نیست، در سال ۱۲۰۷ ق به عتبات عالیات رفت و استخوان‌های محمدحسن خان قاجار و حسینقلی خان جهانسوز را در نجف دفن کرد و هدایایی نیز برای حرم قرار داد. در سفر دیگرش به عتبات در سال ۱۲۱۶ ق سنگ قبر آقا محمدخان را با خود به آنجا منتقل کرد (رجبی، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۲۷).



شکل شماره پانزده- مسجد و مدرسه مادرشاه (مدرسه حکیم هاشم) ساخته آسیه خانم مهدعلیا مادر فتحعلی شاه

#### بدرالنساخانم (همسر فتحعلی شاه قاجار)

بدرالنسا خانم، دختر حاجی مصطفی قلی خان قوانلو فرزند حسینقلی جهان سوز، یکی از برادران ناتنی آغا محمدخان قاجار و عموی فتحعلی شاه است. آغا محمدخان، بدرالنسا را برای ازدواج با باباخان (فتحعلی شاه) برگزید تا از راه این ازدواج پیوند میان برادران تنی و ناتنی را مستحکم تر کند. بعدها مصطفی قلی خان به مخالفت با آغا محمدخان برخاست ولی به دستور او کور شد. بدرالنساخانم که از بانوان خیر عصر قاجار بود، وصیت کرده بود او را پس از درگذشت در عتبات عالیات دفن کنند. او در ۱۲۳۷ ق مناره جنوبی بارگاه امام حسین (ع) را که سلطان احمد جلایری ساخته بود، به طلا آراست (مدرسی بستان آبادی ۱۳۵۸، ص ۴۶۰) و در سفر دیگری که در سال ۱۲۵۶ ق به عتبات داشت، هزینه‌هایی را از نو صرف بازسازی حرم‌ها کرد (کتابخانه ملی، سند شماره ۲۹۵). به گفته ناصرالدین شاه: «محمدشاه مرحوم بنای گنبد امام حسین (ع) را از نو ساخته و طلای گنبد و نقره ضریح هم از خاقان شهید است. طلای مناره‌ها که از نصف بالاست از زن خاقان مغفوره (فتحعلی شاه) و دختر مصطفی خان عمو است. آینه‌کاری را مردم به شراکت پرداخته‌اند. ضریح حضرت عباس را نیز او نقره کرده اما همه ریخته است» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، ۱۴۴). علاوه بر آن، با سرمایه او چهار مناره حرم

امام موسی کاظم (ع) را در کاظمین طلاکاری کردند (معزی، ۱۳۶۸، ش ۱۲، ۴۵).



شکل شماره هفده- تصویر سمت چپ:  
طلاکاری چهار ماذنه حرم کاظمین با سرمایه  
بدرالنساخانم



شکل شماره شانزده- تصویر سمت  
راست: ماذنه جنوبی حرم (طلاکاری  
بدرالنساخانم (همسر فتحعلی شاه قاجار)

### گلین خانم (همسر فتحعلی شاه قاجار)

یکی دیگر از همسران فتحعلی شاه، یعنی گلین خانم ماذنه‌ها و مناره‌های حرم  
امام حسین (ع) را در سال ۱۲۳۷ق تعمیر و بازسازی و سپس مطلا کرد (اصفهانی،  
۱۳۲۶، ص ۱۴۸). او دیوارهای ایوان جنوبی مرقد را نیز با طلای خالص آراست  
(مدرسی بستان آبادی، ۱۳۵۸، ص ۲، ۴).



شکل شماره هجده- طلاکاری مناره (به همت گلین خانم)  
شکل شماره نوزده- طلاکاری ایوان (به همت گلین خانم)

### تاجماه بیگم (دختر میرزاعیسی قائم مقام)

تاجماه بیگم مشهور به حاجیه خانم و خواهر میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی صدراعظم مقتول فتحعلی شاه، از دیگر زنان خیر درباری بود که قریه‌ها و املاکی را وقف امور خیریه کرد؛ از جمله وقف شش دانگ از موقوفه قریه خواجه مرجان و چهار دانگ قریه صوفیان تبریز برای عتبات (کریمی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۰-۳۲۵). بدین صورت:

- ۱- یک سوم برای روشنایی مرقد مسلم بن عقیل و هانی بن عروه؛
- ۲- یک سوم برای روشنایی مسجد کوفه؛
- ۳- دو سوم برای حرم حضرت ابوالفضل؛
- ۴- یک دهم برای روشنایی مرقد امام علی (ع)؛
- ۵- نیم درصد حق متولی عتبات مقدس؛
- ۶- بیست درصد برای خرج زوار مستمند در کربلا و تعزیه‌داری در آنجا؛
- ۷- ده درصد برای روشنایی حرم کاظمین و عسکریین و سرداب مقدس؛
- ۸- یک درصد برای خرید کتاب‌های فقهی و معیشت طلاب نجف اشرف.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> از روسته هلی است فی آذربایجان شرقی در دهستان چلچله لانه بخش صوفی فی شهرستان ناسبستر

<sup>۲</sup> کتب: کتاب وقف‌نامه قریه خواجه مرجان و قریه صوفیان تبریز به شه لانه لیل: ۴/ ۹۶۳ آوبه شه لانه مدرک

کتابخانه مجلس IR10-39851: در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ص ۲



شکل شماره بیست - وقف نامه قریه خواجه مرجان و قریه صوفیان تبریز با ذکر موقوفه

تاجماه خانم برای عتبات

### گلین خانم (همسر عباس میرزا)

گلین خانم ملقب به مهدعلیا، دختر محمد خان دولو قاجار بیگلریگی، یکی از رجال مهم و تأثیرگذار دوره قاجار بود. او که همنام همسران فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه بود در سال ۱۲۱۷ ق با عباس میرزا ازدواج کرد که این ازدواج به توصیه آغا محمدخان قاجار برای حل اختلاف دیرینه بین شاخه های قدرتمند دولو و قوانلو انجام می شد (معزی، ۱۳۶۸، ص ۴۵). او ضریح نقره ای برای مرقد مطهر ابوالفضل العباس ساخت که محمد شاه آن را روی ضریح فولادی قبلی نصب کرد (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، ص ۱۱۹).

گلین خانم در سال ۱۲۷۳ ق از دنیا رفت و در حرم فاطمه معصومه در قم به خاک

سپرده شد.



شکل شماره بیست و یک- ضریح نقره‌ای حضرت ابوالفضل (دوره قاجار)

### انیس الدوله (همسر ناصرالدین شاه)

فاطمه به سبب انتساب به طایفه انیسی ملقب به انیس الدوله از گرجیانی بود که اجدادش در زمان صفویه به ایران کوچ کرده و در مازندران ساکن شده بودند. اطلاعات دقیق و مستندی درباره تاریخ تولد او در منابع تاریخی موجود نیست و اطلاعات مربوط به زندگی او پیش از ورود به دربار ناصرالدین شاه ثبت نشده است. او زنی از یک خانواده روستایی بود که در روستای امامه لواسان زندگی می‌کرد و از طریق ارتباطش با یکی از زنان حرم شاهی وارد حرم خانه ناصرالدین شاه شد و به خدمت‌کاری جیران فروغ السلطنه زن سوگلی شاه درآمد (تفضلی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۷؛ تاج السلطنه، ۱۳۶۱، ص ۲۵). ناصرالدین شاه پس از مرگ جیران او را به عقد موقت خود درآورد. او نه تنها به دلیل محبوبیتش نزد شاه، بلکه به خاطر نقش مدیریتی و قدرت اجرایی‌اش در حرم‌سرا شهرت فراوانی یافت و به دلیل تدبیر و هوشمندی‌اش مسئولیت سازمان‌دهی امور داخلی دربار و حرم‌سرا را نیز بر عهده گرفت. او همواره مورد احترام سایر زنان و حتی مقامات دربار بود به گونه‌ای که زنان حرم‌سرا همراه با او در مخالفت با شاه از فتوای تحریم استعمال تنباکو استقبال کردند. انیس الدوله کم‌کم به قدرتمندترین و صاحب نفوذترین زن در دربار ناصرالدین شاه پس از جیران تبدیل شد؛ به گونه‌ای که در بیشتر تصمیم‌گیری‌های شاه دخالت و در ملاقات با همسران سفیر کبیرها و بزرگان اروپا با مترجم ویژه با آنها ملاقات

می‌کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹، ص ۸۰۱؛ سعدوندیان، ۱۳۸۷، ص ۳۰۵).

او پس از مدتی لقب حضرت قدسیه را نیز دریافت کرد. او نزدیک سی سال به‌عنوان ملکه واقعی ایران در رأس امور سیاسی عصر قاجار قرار داشت و نخستین ملکه ایرانی است که شاه را در اولین سفرش به اروپا همراهی کرد و لذا در تاریخ قاجار به‌عنوان نمادی از قدرت زنان در چارچوب محدودیت‌های جامعه آن زمان شناخته می‌شود (تفضلی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۰).

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۷۹

انیس الدوله پس از مرگ ناصرالدین شاه از قدرت کناره‌گیری کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹، ص ۱، ۱۱۵-۱۱۶). به گفته معیرالممالک انیس الدوله از آنجا که علاقه فراوانی به ناصرالدین شاه داشت، روزی اسکناسی را که تصویر او بر آن بود، نزد وی آوردند و او از فرط غصه آنقدر به سینه و شکم خود کوبید که بیمار شد و از دنیا رفت (معیرالممالک، ۱۳۶۱، ص ۱۷). مرگش در سال ۱۳۱۵ ق اتفاق افتاد و در آرامگاه ویژه همسران ناصرالدین شاه در صحن امام‌علی (ع) در نجف اشرف به خاک سپرده شد. انتخاب این محل برای دفن نشان‌دهنده جایگاه برجسته او در دربار ایران بود. او به اهل بیت علیهم‌السلام ارادت خاصی داشت و چون زنی دین‌دار و متعهد به امور مذهبی بود، از نفوذ و ثروتی که در دربار ناصرالدین شاه به‌دست آورده بود، برای انجام دادن فعالیت‌های خیریه و مذهبی استفاده می‌کرد و در کمک به نیازمندان نقش فعالی داشت. او بخش چشم‌گیری از مال و ثروت خود را به آستان‌های مقدس در ایران بخشید؛ از جمله: نیم‌تاج الماس را به آستان امام‌رضا (ع) هدیه کرد، طلاکوبی درهای مسجد گوهرشاد، وقف ده باب مغازه برای روضه‌خوانی امام‌رضا (ع)، وقف زمین‌های کاشانک برای شاهزاده حسین در روستای امامه، بنای پل در ناصرآباد لواسان از دیگر اقدام‌های اوست. وقف‌نامه‌های او امروزه در کتابخانه ملی ایران در دست است (کتابخانه ملی، سند شماره ۴۱۸/۲۵۰).

انیس الدوله در بازسازی و توسعه عتبات عراق نیز نقش مؤثری داشت. یکی از اقدام‌های مهم او کمک به بازسازی و مرمت حرم‌های مقدس در شهرهای کربلا، نجف، کاظمین و سامرا بود. او از درآمدهای خود برای این پروژه‌ها هزینه می‌کرد و توجه ویژه‌ای به زائران این مکان مقدس داشت. گفته می‌شود که او با واسطه‌ها و نمایندگان که به عراق

می‌فرستاد، بر روند اجرای این فعالیت‌ها نظارت می‌کرد. این تلاش‌ها نشان‌دهنده تأثیرگذاری او در زمینه‌های فراتر از دربار و نقش او به‌عنوان یک زن فعال در امور مذهبی و اجتماعی آن زمان است. در میان اسناد وقفی و تاریخی مرتبط با بازسازی عتبات عالیات در دوران قاجار اسناد وقفی زیادی از انیس‌الدوله در دست است (دبیر سیاقی، ۱۳۸۴، ص ۲۵-۳۲). همچنین، چند سند نیز مربوط به عتبات از جمله نصب ضریح نقره‌ای با پنج شبکه برای مدفن شهیدان کربلا که هنوز هم باقی است. اهدای تاج الماس به حرم امیرالمؤمنین علی (ع)، بافت و اهدای پرده‌ای مرواریدنشان برای آستان امام حسین (ع) که نام خود را نیز بر آن حک کرده از دیگر خدمات همسر ناصرالدین شاه است (آل طعمه، ۱۴۱۶ق، ص ۱۴۷).

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴



شکل شماره بیست و دو-ضریح نقره‌ای شهدای کربلا



همچنین، او بخشی از دکان‌های بازار تهران را وقف عتبات کرد که براساس صورت‌نامه وقفی می‌بایست بدین‌گونه برای روشن‌کردن اعتبار مقدس مصرف شود: «اولاً دو عشر از تمام منافع را مقدمتاً علی‌التعمیر و المصارف از

بابت حق التولیة و النظارة از برای متولی غیر زمان واقفة خیر موفقة معظمه دامت شوکت‌ها منظور فرمایند و ثانیاً همه‌ساله معادل دویست و شصت و پنج تومان به جهت شموعات روضات منوره مقدسه که شرح آن‌ها در ذیل مسطور است، موضوع نمایند. بوستان



مقدس حضرت مولای متقیان رضی‌الله‌عنه ملک‌المنان: دوشمع، بوستان نورانی، حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین، ارواح جهانیان فدای اوست: یک شمع، باغ مطهر حضرت ابی‌الفضل صلوات‌الله‌علیه، یک شمع، در مدینه منوره کاظمین علیه‌السلام، یک شمع، در بوستان مطهرین عسکریین علیه‌السلام یک شمع و در سرداب مقدس سامرا یک شمع» (دبیر سیاقی، ۱۳۸۴، ص ۲۵).

#### احترام‌الدوله (همسر ناصرالدین شاه)

احترام‌الدوله یکی دیگر از همسران ناصرالدین شاه بود که ایوان حرم حضرت ابوالفضل را در سال ۱۳۰۹ ق طلاکاری کرد. این ایوان را سلطان عبدالحمید عثمانی ساخته بود (آل طعمه، ۱۴۱۶ ق، ۲۸۷؛ کلیددار، ۱۴۱۸ ق، ص ۲ و ۱۷۴).

### ملک‌زاده خانم (خواهر ناصرالدین شاه)

ملک‌نساخانم ملقب به عزت‌الدوله و معروف به ملک‌زاده خانم دختر محمدشاه و ملک‌جهان‌خانم در سال ۱۲۴۸ ق به دنیا آمد و به خواسته برادرش ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۵ ق به ازدواج میرزا تقی‌خان امیرکبیر درآمد. او بخشی از دارایی‌های خود را وقف عتبات عالیات کرد و با حمایت مالی از ساخت و بازسازی اماکن مذهبی در کربلا و نجف نقش داشت. عزت‌الدوله در سال ۱۳۲۳ ق از دنیا رفت و براساس وصیتش به جهت ارادتی که به امام‌زاده احمد داشت، در کنار آن مقبره در محله حسن‌آباد اصفهان مدفون شد.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۸۲

### فخرالدوله (همسر محمدعلی شاه)

او دختر امین‌الدوله و همسر محمدعلی شاه بود که دربی از نقره برای بالاسر حضرت امیر در نجف در سال ۱۳۱۶ ق ساخت و آن را اهدا کرد (خلیلی، ۱۳۸۶، ص ۶۰).

### سلطان بیگم (دختر میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک شیرازی)

سلطان بیگم از زنان نیکوکار درباری عصر قاجار بود که خدماتی در عتبات مقدسه انجام داد؛ از جمله در سال ۱۳۲۴ ق برای نخستین بار ضریح نقره‌ای بر دو قبر شریف امام کاظم و امام جواد (علیهم‌السلام) نصب کرد. این ضریح که با هزینه او و با تلاش حاجی میرزا محمدکاظم طباطبایی ناظم‌التجار ساخته شد (آل‌یاسین، ۱۹۳۱م، ص ۱۲۵ - ۱۲۶)، هفت متر طول و پنج متر عرض و هجده شبکه با یک درب ورودی دارد و کتیبه‌ای نواری گردگرد آن را با سوره‌های قرآن و اسماء الهی مزین کرده است (قائدان، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹). وزن نقره‌ای که برای ساخت آن به کار رفته ۲۵۰ هزار مثقال بوده و برای نصب آن نیز پنجاه هزار تومان هزینه کرده است (خلیلی، ۱۳۸۶، ص ۱، ۱۷۶). این ضریح روی ضریح فرسوده قبلی که ناصرالدین شاه ساخته بود، قرار گرفت.



شکل شماره بیست و سه-ضریح نقره‌ای حرم کاظمین

### مشارکت زنان غیردرباری

#### بی‌بی سرکاره خانم (مادر آقاخان اول محلاتی)

بی‌بی سرکاره، دختر محمدصادق محلاتی، مادر آقاخان اول املاکی در محلات و کهک داشت و در دوره فتحعلی شاه در قم ساکن شد و سپس به هند نقل مکان کرد و در سال ۱۸۵۱م درگذشت. او ضریحی برنجی برای قبر حبیب بن مظاهر در کربلا ساخت که بعدها ضریحی از نقره به جای آن نصب شد (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴، ص ۲۳۰). او گنبد مرقد مسلم بن عقیل در کوفه را بازسازی کرد و در کنار یکی از پنجره‌های آن کتیبه‌ای مبنی بر تاریخ تعمیر و بازسازی آن به همراه این شعر گذاشت:

کنز فاطمه‌ام آقاخان  
چراغ دو سادات و ذات دودمان جلیل  
حساب تاریخش چون خواستم  
گفت زغوغا به آه آنکه شهید شد مسلم بن

عقیل

سیف‌الدوله، ۱۳۶۴، ص ۱۴۹



شکل شماره بیست و پنج-گنبد  
مرقد مسلم قبل از بازسازی بی بی سرکاره)



شکل شماره بیست و چهار- ضریح مرقد  
حبیب بن مظاهر اسدی

### پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۸۴

#### هما امامزاده

دختر سید حسن قمشه‌ای از اولین کسانی است که برای علم طب به اروپا رفت و پس از بازگشت مدتی در تهران بود. سپس به عتبات مهاجرت کرد و خود را وقف زائران عتبات و درمان آنان ساخت و در همان شهر در سال ۱۳۸۵ ق از دنیا رفت و در همان جا مدفون شد (ریاحی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲).

جدول شماره دو- زنان درباری و غیردرباری و انواع خدمات آنان در حرم‌های مطهر (عصر قاجار)

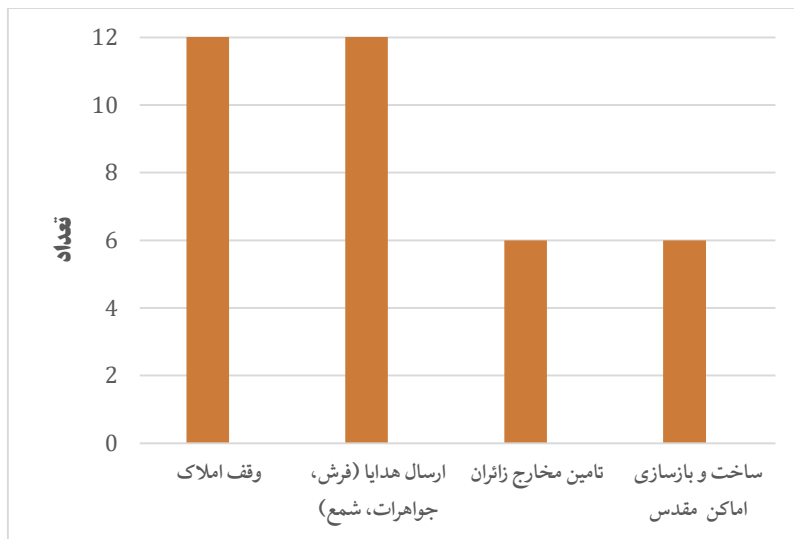
نام شخصیت	جایگاه و نسبت	حرم‌های بازسازی شده	حرم	محل موقوفه
۱- آسیه خانم (ملکه مادر)	مادر فتحعلی شاه	ارسال هدایا	نجف	-
۲- گلین خانم	همسر	ارسال پارچه‌های گران بها،	کربلا	تبریز

		وقف املاک	فتحعلی شاه	
کربلا	کربلا، کاظمین	نقره کاری ضریح عباس و طلاکاری مناره های حرم امام حسین و کاظمین	همسر فتحعلی شاه	۳- بدرالنساخانم
تهران	سامرا	وقف باغ ها، تأمین مخارج زائران	دختر فتحعلی شاه	۴- شکوه الدوله
عتبات	کربلا، سامرا	کمک به بازسازی کربلا، ارسال پارچه و جواهرها	همسر محمدشاه	۵- مریم خانم
قم، تهران	کربلا	وقف مستغلات کمک مالی به زائران	دختر محمدشاه	۶- احترام الدوله
کربلا	کربلا	ساخت ضریح نقره مرقد ابوالفضل	همسر عباس میرزا	۷- گلین خانم
تبریز	کربلا، نجف و کاظمین	وقف قریه و املاک برای روشنایی حرم های عتبات	دختر میرزا عیسی قائم مقام	۸- تاجماه بیگم
تهران	کربلا، سامرا	وقف مستغلات، ارسال جواهرها، حمایت مالی	مادر ناصرالدین شاه	۹- ملک جهان
تهران	نجف، کربلا	وقف املاک، ارسال فرش و شمع، تأمین مخارج زائران	همسر ناصرالدین شاه	۱۰- انیس الدوله
اصفهان، تهران	کربلا	وقف املاک، ارسال قالی های نفیس، حمایت از زائران	خواهر ناصرالدین شاه	۱۱- عزت الدوله
تهران	کربلا، سامرا	وقف املاک، ارسال طلا و جواهرها	همسر ناصرالدین شاه	۱۲- ملکه جهان

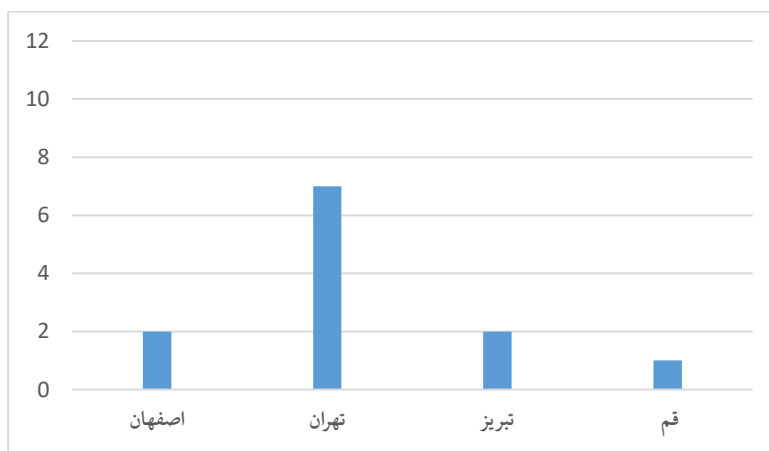
۱۳- سلطان خانم آغا	همسر ناصرالدین شاه	ارسال جواهرها، پارچه‌های گران بها، تأمین مخارج زائران	کربلا، سامرا	عتبات
۱۴- مهراسلطنه	دختر ناصرالدین شاه	تأمین هزینه سفر و اسکان زائران، ارسال پارچه‌های نفیس	کربلا، نجف	عتبات
۱۵- امینه خانم	دختر ناصرالدین شاه	کمک‌های مالی برای زائران	کربلا، نجف	تهران
۱۶- فخرالدوله	همسر محمدعلی شاه	ساخت درب بالاسر حرم امام‌علی	نجف	نجف
۱۷- سلطان بیگم	دختر مشیرالملک شیرازی	ساخت ضریح حرم کاظمین	سامرا	تهران
۱۸- خدیجه سلطان	غیر درباری	وقف زمین و ارسال پرده‌های زربافت	کاظمین	مشهد
۱۹- بی بی خانم استرآبادی	غیر درباری	وقف مستغلات، ارسال شمع برای روشنایی حرم	کربلا	گرگان
۲۰- فاطمه خانم قاجاریه	غیر درباری	ارسال طلا و جواهرها برای توسعه حرم‌ها	کربلا، سامرا	عتبات
۲۱- مادر آقاخان اول محلاتی	غیر درباری	ساخت ضریح قبر حبیب بن مظاهر و گنبد مرقد مسلم	کوفه، کربلا	کربلا
۲۲- هما امامزاده	دختر سید حسن قمشه‌ای	خدمت به زائران عتبات	کربلا، نجف، کاظمین، سامرا	عتبات

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

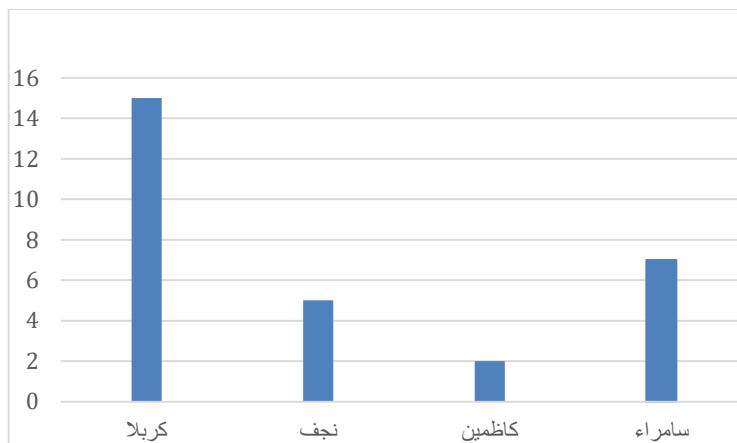
دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴



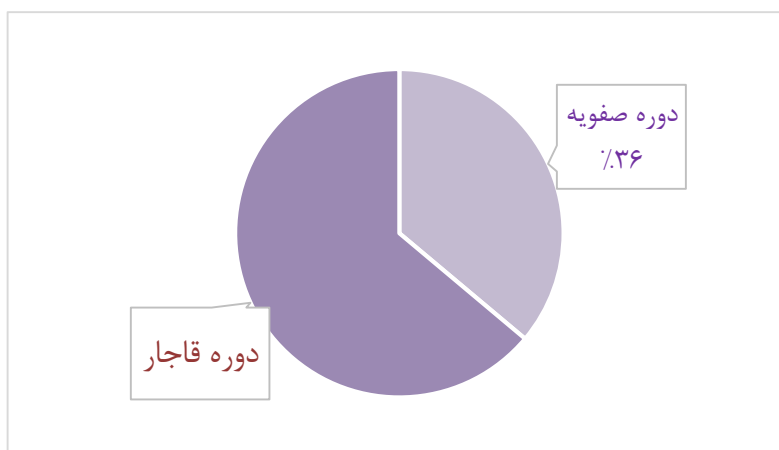
نمودار شماره چهار- انواع خدمات زنان عصر قاجار به عتبات عالیات



نمودار شماره پنج- مکان املاک موقوفه در عصر قاجار



نمودار شماره شش - حرم‌های بازسازی شده در عصر قاجار



نمودار شماره هفت - مقایسه سهم زنان در بازسازی دو دوره صفوی و قاجار

### تحلیل جامعه آماری براساس ویژگی‌ها و نوع خدمات ارائه شده برای بازسازی حرم‌های مطهر

نگاهی به جامعه آماری مربوط به زنان عصر صفوی و قاجار و ترکیب شخصیتی ارائه‌دهندگان این خدمات نشان می‌دهد که از میان سیزده نفر افراد خیر شناسایی شده در عصر صفوی که اطلاعات‌شان در منابع موجود است، ده نفر آنان از منسوبان پادشاهان از جمله مادران، زنان و همسران آنان بوده‌اند و تنها سه نفر از آنان را غیردرباریان تشکیل

داده‌اند. همین‌طور از میان ۲۳ نفر از خیرین عصر قاجار تنها چهار تن از آنان از میان غیر درباریان و منسوبان پادشاهان و تعداد دو نفر نیز از رجال درباری غیر وابسته به پادشاهان بوده‌اند؛ بنابراین هفده نفر دیگر را منسوبان پادشاهان قاجار تشکیل می‌دهند. بدیهی است منتسبان به خاندان پادشاهی امکان ارائه و ارسال خدمات را به حرم‌های مطهر و توان مالی و اقتصادی خوبی برای این کار نیز داشته‌اند که البته هر دو مسئله به جایگاه انتسابی آنان برمی‌گردد. به‌طور معمول، زنان پادشاهان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با تشویق همسران‌شان به این امور خیر نیز همت می‌گماشته‌اند؛ اما اینکه در میان جامعه آماری مطالعه‌شده زنان بسیار کمتری از غیردرباریان در این امر مشارکت داشته‌اند، می‌تواند نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب مالی و اقتصادی آحاد جامعه و زنان متوسط و غیردرباری باشد. بدیهی است نمی‌توان گفت طبقات پایین جامعه از لحاظ علاقه و یا دیانت نسبت به زنان درباری در جایگاه پایین‌تری قرار و انگیزه کمتری برای این کار داشته‌اند، بلکه این‌گونه خدمات مستلزم داشتن موقوفه‌هایی در ایران و یا اموالی بوده است که منافع و درآمدهای آن صرف هزینه‌های عتبات شود؛ بنابراین بدیهی است بیشتر موقوفه‌ها در دستان زنان درباری و منسوبان پادشاهان قرار داشته است. یک مقایسهٔ اجمالی نشان می‌دهد در دورهٔ صفوی اقدام‌های زنان در عتبات بیشتر در قالب حمایت غیرمستقیم از پروژه‌های شاهانه و با وقف اموال برای حفظ اماکن مذهبی بود؛ اما نفوذ آنان بیشتر با دربار و تأثیرگذاری بر پادشاهان شکل می‌گرفت؛ ولی زنان در دورهٔ قاجار به‌ویژه وابستگان سلطنتی نقش فعال‌تری در ادارهٔ موقوفات و تأمین هزینه‌های عتبات و برخی از آنان به شکل مستقیم در تأسیس و مدیریت امور خیریه برای زائران نقش داشتند. در این عصر گسترش ارتباطات با عتبات به دلیل نفوذ بیشتر ایران در عراق و افزایش تعداد زائران باعث شد نقش زنان در تأمین مالی و نگهداری اماکن مذهبی بیشتر شود.

نکتهٔ دیگر اینکه، یک مقایسهٔ آماری از تعداد خیرین در دو دوره نشان می‌دهد که خدمات ارائه‌شده در عصر قاجار بسیار بیشتر و نزدیک دو برابر عصر صفوی، یعنی ۶۴ درصد و عصر صفوی ۳۶ درصد است. با توجه به اینکه در دوران صفویه برای نخستین بار یک جامعه و دولت متحد شیعی در ایران شکل گرفته و طبیعتاً خدمات صرف‌شده

برای عتبات به‌عنوان مظهر و نماد تفکر شیعی باید بیشتر از عصر قاجار باشد، اما مشارکت آنان نسبت به دوره قاجار کمتر است که این امر جای سؤال است. شاید بتوان این‌گونه گفت که به‌سبب درگیری‌های ایران و عثمانی در آن عصر امکان نفوذ در عتبات و ارائه کمک‌ها و بازسازی‌های عتبات کمتر بوده است؛ زیرا دولت عثمانی محدودیت‌های زیادی در این زمینه ایجاد کرده است به همین علت نیز همسران شاهان صفوی این‌گونه خدمات را به داخل ایران و حرم‌های مطهر آن محدود کرده‌اند. در صورتی که در عصر قاجار چنین محدودیت‌هایی نبوده است. همچنین، از میان همسران و دختران پادشاهان قاجار بیشترین مشارکت را همسران و دختران ناصرالدین شاه داشته‌اند؛ ولی در میزان مشارکت همسران و دختران پادشاهان صفوی اختلاف معناداری وجود ندارد.

موضوع دیگر نوع خدمات ارائه‌شده، مکان‌ها و حرم‌هاست. در دوره صفوی بیشترین خدمات و بازسازی‌ها صرف کربلا و حرم امام حسین (ع) شده است و نجف و سامرا هم به یک میزان در درجه کمتری قرار دارند و درباره کاظمین نیز به حداقل می‌رسد. این امر نشان از جایگاه و اهمیت ویژه حرم امام حسین (ع) و درحقیقت، کربلا برای مردمان عصر صفوی دارد. همین امر نیز در دوره قاجار دیده می‌شود که بیشترین سهم به کربلا و سپس با فاصله خیلی زیاد به نجف، سامرا و بعد از آنها به کاظمین تعلق دارد. این طبیعی است که موضوع شهادت امام حسین (ع) و واقعه عاشورا و مظلومیت شهدای کربلا در میان مردمان این دو دوره بسیار دردناک و حزن‌آمیز بوده و بسیاری از نذرهای هم برای آن حضرت اختصاص می‌یافته و به آن حرم اهدا می‌شده است. از لحاظ مکان موقوفه‌ها نیز در دوره صفوی شهر اصفهان به‌عنوان پایتخت این دولت بیشترین موقوفه‌ها را در خود جای داده و در دوره قاجار نیز بیشترین موقوفات ابتدا در تهران به‌عنوان پایتخت و محل استقرار دولت و سپس سایر شهرها از جمله شهرهای مذهبی مثل قم و یزد قرار داشته است. همین‌طور در نوع خدمات نیز اختصاص اموال و املاک برای موقوفه‌ها و ارسال هدایای نقدی و غیرنقدی برای حمایت از زائران حرم‌های مطهر در دوره صفویه در درجه اول قرار داشته و مشارکت در بازسازی‌ها بسیار اندک بوده است. در دوره قاجار نیز وقف املاک برای تأمین هزینه‌های حرم‌ها بسیار بیشتر از سایر امور بوده و میزان کمتری به

بازسازی و توسعه اختصاص یافته است و در این خصوص تفاوت معناداری دیده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد چون امر بازسازی‌ها در توان و قدرت پادشاهان بوده زنان بیشتر به تقدیم نذرها، تأمین مخارج زائران و ارسال هدایا همت گماشته‌اند. زنان در دوره قاجار به‌ویژه وابستگان سلطنتی نقش فعال‌تری در اداره موقوفات و تأمین هزینه‌های عتبات به‌شکل مستقیم داشتند. در عصر قاجار گسترش ارتباطات با عتبات به دلیل نفوذ بیشتر ایران در عراق و افزایش تعداد زائران باعث شد نقش زنان در تأمین مالی و نگهداری اماکن مذهبی بیشتر شود.

### نتیجه‌گیری

زنان در جامعه شیعی عصر صفویه و قاجار به‌ویژه همسران سلاطین و شاهزادگان درباری در امور خیریه و کارهای عام‌المنفعه همواره پیشگام بوده‌اند و املاک و مستغلات زیادی را برای این امر وقف کرده و برخی را هم برای مشاهد متبرکه به‌ویژه حرم‌های مطهر ائمه معصومین سلام‌الله‌علیهم در عتبات عالیات وقف خاصه قرار داده‌اند. آنان علاوه بر آن با اهدای تجهیزات لازم این مقبره‌های متبرکه و نیز تقدیم جواهرها و اموال نقدی خود به این امر خداپسندانه اهتمام ورزیده‌اند و به حمایت مالی از زائران عتبات نیز می‌پرداخته‌اند. بدیهی است ارادت قلبی و محبت آنان به اهل بیت و تلاش برای ترویج معارف و مناسک شیعی از عوامل مهم توجه آنان به این مشاهد مشرفه بوده است. غالب نیکوکاران در این خصوص را درباریان و همسران و فرزندان شاهان شکل می‌دهند؛ زیرا آنان با استفاده از موقعیت سیاسی خود در دربار و نیز انتساب به خاندان سلطنت نه تنها همسران خویش را در تعمیر و بازسازی عتبات مشوق بودند بلکه خود نیز با هدایای اموال و وقف املاک به این کار اقدام می‌کردند. اگرچه عمده زنان واقف و نیکوکار از میان آنان بودند، برخی از غیر درباریان نیز اگرچه محدود در این امر نقش چشمگیری داشته‌اند. نکته‌ای که حائز اهمیت است اینکه یک مقایسه تطبیقی بین دوره صفوی و قاجار نشان می‌دهد زنان عصر قاجار در بازسازی‌ها و تأمین نیازهای این اماکن مقدس و نیز ارائه تسهیلات زائران سهم برتری نسبت به زنان عصر صفوی به لحاظ کیفی و کمی داشته‌اند البته نباید محدودیت‌های عثمانی‌ها را برای حضور صفویه در عتبات نادیده گرفت.

بر اساس داده‌های منابع تاریخی و اسناد عمده کسانیه که در عصر صفویه به خدمات در این خصوص پرداختند بیشتر با وقف املاک به بازسازی و تأمین خدمات زائران اقدام کرده‌اند و عمده این املاک نیز در اصفهان قرار داشته است.

### منابع

- ابویی مهریزی، محمدرضا، سادات نعمت‌اللهی یزد در عصر صفوی، یزد، بنیاد فرهنگی ریحانه الرسول، ۱۳۸۳.
- احمدی، نزهت، «نقش زنان در ایجاد بناهای مذهبی در پایتخت صفویان»، بانوان شیعه، شماره ۱، ۱۳۸۳.
- ارجح، اکرم، «موقوفات زنان در دوره صفوی و عثمانی»، تاریخ روابط خارجی، شماره ۵۲ و ۵۳، ۱۳۹۱ ش.
- اصفهانی، عمادالدین، تاریخ جغرافیایی کربلای معلی و اماکن متبرکه عتبات عالیات. تهران، موسوی، ۱۳۲۶.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.
- آل‌طعمه، سلمان هادی، تاریخ مرقد الحسین و العباس. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
- آل‌یاسین، محمدحسن، تاریخ حرم کاظمین (علیهما السلام)، ترجمه غلامرضا اکبری، مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۹۱.
- تاج‌السلطنه، خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ، ۱۳۶۱.
- تفضلی، ابوالقاسم و معتضد، خسرو، از فروغ السلطنه تا انیس الدوله. تهران: گلریز، ۱۳۷۷.
- جابری انصاری، حسن، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان. تهران: عمادزاده، ۱۳۲۱.
- جعفری کلکناری، حرمت، «خیرالنسا بیگم، ملقب به مهدعلیا»، مسکویه، شماره ۹، ۱۳۸۷.
- جعفریان، رسول، میراث اسلامی. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۳.
- خشنودی، عفت «معرفی زینب‌بیگم و مدرسه و مسجد موقوفه وی». وقف میراث جاویدان، شماره ۲۲ (۸۷)، ۱۳۹۳.
- خلیلی، جعفر، موسوعه العتبات المقدسه. بغداد: دارالتعارف. ۱۳۸۶ق.
- دائرةالمعارف تشیع، مجموعه نویسندگان. تهران: نشر شهید سعید محبی. ۱۳۹۱.
- دبیرسیاقی، محمد، «موقوفات انیس الدوله». وقف میراث جاویدان، شماره ۵۰، ۱۳۸۴.

- دهقان‌نژاد، مرتضی، مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه. اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶.
- رجبی، محمدحسن، «گذری بر حیات فرهنگی و اجتماعی زن در تاریخ ایران تا قبل از دوره تجدد». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۷، ۱۳۸۷.
- رفیعی‌مهرآبادی، ابوالقاسم، آثار ملی اصفهان. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲.
- ریاحی، محمدحسین، «نقش بانوان شیعه اصفهان در فرهنگ و تمدن ایران و اسلام»، نشریه بانوان شیعه، شماره ۱۰، ۱۳۸۵ ش.
- سعدوندیان، سیروس، در خلوت سلطان. تهران: نگارستان کتاب، ۱۳۸۷.
- سیف‌الدوله، سلطان محمد، سفرنامه سیف‌الدوله، ترجمه علی‌اکبر خداپرست، تهران: نی، ۱۳۶۴.
- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، ۱۳۷۲.
- شکری، یدالله، عالم آرای صفوی، تصحیح یدالله شکری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- صحتی سردرودی، محمد، سیمای سامراء، سینای سه موسی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحمان، زنان نامی در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (طبقات نسوان). قم: نوید اسلام، ۱۳۸۲.
- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه‌عباس اول. تهران: کیهان، ۱۳۳۴.
- فیگوئروا، دن‌گارسیا دسیلوا، سفرنامه فیگوئروا؛ سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
- قاندان، اصغر، عتبات عالیات عراق. تهران: مشعر. ۱۳۸۰.
- کتابخانه ملی، مجموعه اسناد انیس‌الدوله، سند شماره ۴۱۸/۲۵۰.
- کریمی، سعید، «نگاهی به دو وقف‌نامه حاجیه‌خانم تاج ماه بیگم خاجه مرجان و صوفیان»، پیام بهارستان، شماره ۲(۶)، ۱۳۹۲.
- کلیددار، عبدالجواد. تاریخ کربلا و مآثر الحسین. بغداد: منشورات الرضی، ۱۴۱۸ ق.
- گزی برخواری، عبدالکریم بن‌مهدی، رجال اصفهان یا تذکرة القیوم، تلخیص سیدمصالح‌الدین مهدوی. اصفهان، بی‌جا، ۱۳۲۸.
- مدرسی بستان‌آبادی، محمدباقر، شهر حسین. بی‌جا: دارالعلم، بی‌تا، ۱۳۵۸.
- مشیری، ابوالقاسم، «تاریخچه بنای آستان مبارکه قم». معارف اسلامی، شماره ۲۳، ۱۳۵۴.
- معزی، فاطمه، «دو بدر در حرم‌سرای فتحعلی‌شاه». نشریه الکترونیکی زنان، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۱، بی‌تا، ۱۳۶۸.
- معزی، فاطمه، «مهدعلیاهای دوره قاجار». تاریخ معاصر ایران، شماره ۱۲، ۱۳۶۸.

- معیرالممالک، دوستعلی خان، یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه. تهران: نشر تاریخ.

۱۳۶۱.

- منشی ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.

- ناصرالدین شاه، سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات. تهران: سنایی، ۱۳۶۲.

- نوایی، عبدالحسین، شاه‌طهماسب صفوی (مجموعه مکاتبات و اسناد تاریخی). تهران: بنیاد فرهنگ

ایران، ۱۳۵۰.

- نوری مجیری، مهرداد «زنان نامدار صفوی در عرصه سیاست». تاریخ پژوهی، شماره ۵۵، ۱۳۹۲ ش.

نیومان، اندره، ایران عصر صفوی، ترجمه بهزاد کریمی. تهران: افکار، ۱۳۷۴.

- واله اصفهانی، محمدیوسف، خلد برین: ایران در روزگار صفویان، تصحیح میرهاشم محدث. تهران:

بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. ۱۳۷۲.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

## صدر اصفهانی و عمران عتبات

حسین مسجدی

### چکیده

صدر اصفهانی یکی از رجال تاریخ اخیر ایران است که در مرمت و عمران بناهای عمومی و مزار شریف ائمه شیعه در شهرهای نجف و کربلا نقش پررنگی در دوره قاجار داشت. تذکره مدایح الحسینیه سند اصیل و معتبر اقدام‌های او در ایران و عراق است. ساخت حصار نجف، آبرسانی از دجله و فرات به دریاچه نجف، خانه‌سازی در حومه نجف، احداث مدرسه صدر نجف، مرمت قنات نجف، بازسازی طلای مناره‌های حرم امیرالمؤمنین (ع) و تعمیر و آبادی حریم کربلا از جمله اقدام‌های مهم صدر بود که تاریخ دقیق همه آن‌ها در تذکره به صورت ماده تاریخ ثبت شده است. پژوهش حاضر براساس شیوه کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوا انجام شده است که در آن مهم‌ترین فعالیت‌های صدر براساس این سند خطی و تطبیق آن با منابع تاریخی بررسی می‌شود.

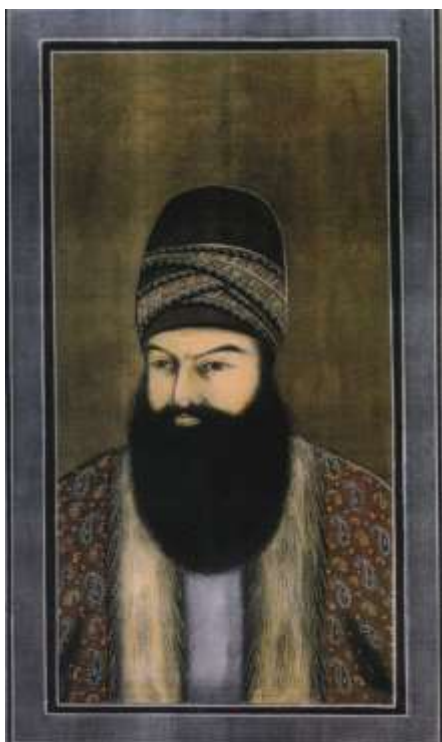
کلیدواژه‌ها: صدر، معماری و مرمت، نجف، تذکره مدایح الحسینیه.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱. گروه ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

مقدمه



شکل شماره یک- حاجی  
محمدحسین خان صدر اصفهانی  
ملقب به نظام الدوله  
صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار

حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی (۱۱۷۴-۱۲۳۹ ق) یکی از رجال مهم اصفهان و ایران است که در طول چهل سال از شصت و پنج سال حیات، مسئولیت‌های مختلف حکومتی از پایین‌ترین مراتب تا صدراعظمی را داشت. کارنامه خدمات این چهار دهه او را در ردیف رجالی مانند ساروتقی و قراچغای و پس از امیرکبیر و قائم‌مقام قرار می‌دهد؛ به طوری که استاد همایی او را یکی از دو آبادگر اصفهان در قرن‌های اخیر می‌نامد (همایی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۱-۴۰۷).

مشاغل او به ترتیب عبارت است از: تحویل‌داری تا ۱۱۹۳ قمری، بیگلربیگی اصفهان تا ۱۲۱۲، حکومت اصفهان تا ۱۲۲۱، وزیر دوم کابینه مستوفی‌الممالک ایران تا ۱۲۲۸، نظام‌الدولگی تا ۱۲۳۴، صدراعظمی ایران تا ۱۲۳۹؛ اما آنچه صدر را صدرنشین رجال اصفهان کرده است، مشاغل او نیست،

بلکه درایت‌های اوست که چگونه از تخته دکان به تخت صدارت رسید و دیگر، ثروت افسانه‌ای اوست که همراه با سخاوت‌های بی‌بدیل بارها از کف داد. همچنین، همان‌گونه که اشاره شد، آثار و ابنیه بسیار در ایران و عتبات و به‌ویژه در اصفهان موجود است که هنوز بسیاری از آن مانند چهارباغ خواجو و مدرسه‌های صدر بازار و صدر خواجو باقی است.

با تمام این احوال، به دلیل رفتارهای برخی بازماندگان او و نیز عداوت بعضی از قجر با او پس از مرگش گویا تعمّدی در زایل کردن اقدام‌ها و خدمات او به کار بوده است؛ به طوری که

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

رفته‌رفته از صدر، بیشتر نام او بود که بر سر زبان‌ها ماند. در میان مردم به قول صاحب مجمع‌الفصحاح دربارهٔ دیگری می‌گوید: «صدر شرح حالش چندان اشتهار ندارد. اگرچه نامش مشهور است» (هدایت، ۱۳۳۹، ۸۷/۲). نتیجه این غرض‌ورزی‌ها آن شد که در برخی از کتاب‌های جدیدتر قاجار هیچ نامی از صدر نباشد (بولارد و همکاران، ۱۳۹۱).

### پیشینه تحقیق

باتوجه به اینکه این تذکره تاکنون به صورت خطی باقی مانده و تصحیح و چاپ نشده است، هیچ‌گونه پیشینه‌ای بر این پژوهش مترتب نیست. تنها استاد جلال‌الدین همایی در جای‌جای تاریخ اصفهان از اطلاعات آن استفاده کرده و برخی از ماده‌تاریخ‌های آن را محاسبه کرده است که در متن به آن‌ها اشاره می‌شود.

### تذکره مدایح‌الحسینیه و روزگار آن

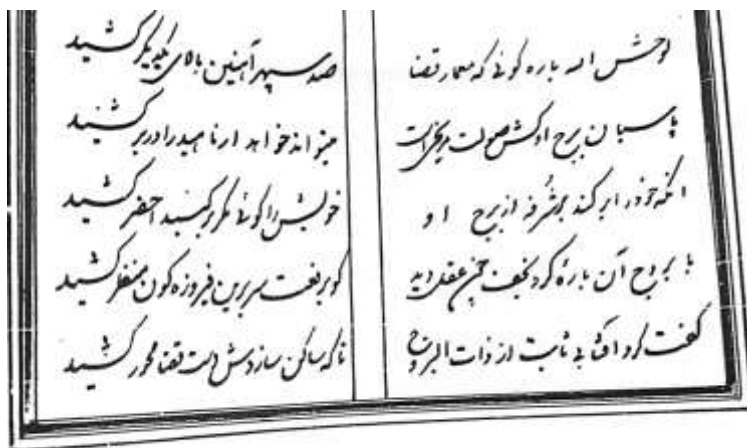
قرن سیزدهم هجری قمری دورهٔ اوج سبک بازگشت در شعر فارسی است. به این دلیل در این قرن تذکره‌های متعدّد کوچک و بزرگ فراوانی تدوین شد. یکی از این تذکره‌ها را میرزا عبدالباقی سپاهانی متخلص به «باقی» در سال ۱۲۲۲ قمری دربارهٔ مدایح و سروده‌های حدود هفتاد تن از ستاندگان حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی ملقب به امین‌الدوله و بناهای خَیّر او در ایران و عراق به خصوص در اصفهان (مسقط‌الرأس آن وزیر کامران بود و نیز عمارات منسوب به ائمه اطهار و تعمیر روضات آن‌ها) تدوین کرد.

این اثر تذکرهٔ مدایح‌الحسینیه نام دارد و در ارائهٔ اطلاعات و تنوع مطالب ادبی و تاریخی حائز اهمیت است. حوزهٔ ادبی اصفهان در قرن سیزدهم به دلیل آسایش اهل فضل و جذب شدن آنها به دربار فتحعلی‌شاه کم‌رمق شده بود؛ اما جمع شدن در پیرامون بزرگان شهر این کم‌رونقی را جبران کرد؛ از جمله، مداحانی که اطراف حاج محمدحسین خان، حاکم اصفهان، گرد آمدند از این زمره‌اند. حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی (نظام‌الدوله/ امین‌الدوله) در سال ۱۲۲۱ قمری مستوفی‌الممالک شد. در سال ۱۲۲۸ به سمت وزارت استیفا منصوب و در سال ۱۲۳۴ قمری صدراعظم ایران شد (جناب، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷).

• در چنین پژوهش‌هایی جداسازی تاریخ از ادبیات بسیار دشوار است. به‌ویژه که تذکرة مدایح الحسینیه منبع سرشاری از ماده تاریخ است. ماده تاریخ یکی از رابط‌های مهم ادبیات و تاریخ است. حدود ۲۰۰ ماده تاریخ در این تذکره عرضه شده که خوانش، محاسبه و تطبیق آن در حوزه رشته ادبیات فارسی است.

• این تذکره حدود ۲۰۰ ماده تاریخ دارد و برخی از سروده‌ها «تمام مواد» است؛ یعنی همه مصراع‌ها معادل یک تاریخ است؛ مانند: قصیده ۶۰ مصراع‌ی سحاب و قصیده ۳۶ مصراع‌ی رهی. در ضمن، مواد تواریخ یک بنا گاه باهم متفاوت است. صاحب تاریخ اصفهان می‌نویسد: «توضیحاً اکثر ابنیة صدر ماده‌تاریخ‌های متعدّد دارد که گاهی با هم اختلاف دارند؛ مثل چهارباغ فتح‌آباد که مابین ۱۲۱۶-۱۲۲۰ پنج قسم ماده تاریخ گفته‌اند و برای حرم حضرت ابوالفضل‌العباس، علیه‌السلام، سیدمحمد سحاب یک قطعه تمام تاریخ سی بیتی (۶۰ ماده تاریخ) ساخته است. به حساب ۱۲۱۴ و میرزاابراهیم رهی اصفهانی همان بنا را یک قطعه هجده بیتی تمام تاریخ (۳۶ ماده) ساخته است. به حساب ۱۲۱۵ و همچنین، برای بازارچه و چهارسوی حسین‌آباد طوقچی ماده تاریخ‌ها از ۱۲۱۶ تا ۱۲۱۹ است که اختلاف برای طول مدت بناست که هرکدام موقعی را رعایت کرده. اول و وسط و آخر کار را تاریخ گفته‌اند. نگارنده این امر را رعایت کرده و در میان ماده تاریخ‌های متوافق هم هرکدام بهتر ساخته شده است، اختیار کرده‌ام» (همایی، ۱۳۸۴، ص ۱۱-۴۱۰). ماده تاریخ‌های محاسبه‌شده نسخه خطی کتابخانه ملی اثر استاد مرحوم همایی است. ایشان بعضی از این ماده تاریخ‌ها را به عدد درآورده‌اند و گاه نیز توضیحی سودمند بر آن افزوده‌اند؛ البته در کتابخانه مجلس هم کمتر از یک دهم این مواد محاسبه شده است؛ اما هیچ‌گونه توضیحی ندارد. از طرف دیگر، برخی از این حساب جمل‌ها در هیچ‌کدام از دو نسخه حساب نشده و بدون هیچ توضیحی خام مانده است.

جدای از ماده تاریخ‌ها، این تذکره منبع مهمی برای بررسی معماری و شهرسازی اصفهان در نیمه نخست دوره قاجار است؛ البته از اقدام‌های عمرانی صدر در کاشان، کرج، نجف و دیگر بقاع متبرکه عراق نیز سخن رفته و مواد تواریخ آن عرضه شده است؛ اما تمرکز تذکره بر اقدام‌های صدر در اصفهان است.



پژوهشنامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۹۹

شکل شماره دو- یکی از صفحات نسخه خطی تذکرة مداخل الحسينیه در باب حصار نجف  
الزمن

### آثار عمرانی صدر

صدر علاوه بر حُسن تدبیر در طول ادارة قسمتی از سلطنت قاجاریه، آثاری به یادگار گذاشت و نیز تعمیراتی در برخی مسجدهای مشهور، مدرسه‌ها و تکایای اصفهان انجام و موقوفاتی نیز به جهت آنها اختصاص داد؛ بنابراین تأثیر مهمی در شهرسازی اصفهان داشت. از خانواده‌ای گمنام نشوونما یافت و در دوره فتحعلی شاه به مقام صدارت و حکومت اصفهان رسید. مردم اصفهان درباره آغاز زندگانی او گفتند که در ابتدا علافی بیش نبوده و به همین جهت، گویا فتحعلی خان صبا، ملک الشعراء دوره فتحعلی شاه قاجار، درباره او گفته است:

از کاه‌کشی به کهکشان شد بر تخت ز تخته دکان شد

منبع: گل محمدی، ۱۳۶۸، ص ۴۸

البته صدر در سال اول تاج‌گذاری آغامحمدخان قاجار (۱۲۱۰ هـ) به حکومت اصفهان منصوب شد و در دوره فتحعلی شاه با سِمَت بیگلربیگی اصفهان حکومت اصفهان، قم و کاشان را به عهده داشت. پس از وفات میرزا شفیع مازندرانی (۱۹ رمضان ۱۲۳۴) او صدر اعظم فتحعلی شاه شد و تا هنگام وفات این منصب را به عهده داشت. از دوره حکومت صدر در اصفهان علاوه بر تعمیراتی که در مسجدها و مدرسه‌ها مانند مسجد جمعة اصفهان و

مدرسه ملاعبدالله انجام داد و نام او را در کتیبه‌ها آورد، آثار مستقل دیگری نیز بر جای گذاشت؛ مانند خیابان چهارباغ صدر (چهارباغ خواجو و چهارباغ نو) که برای احداث آن از نقشه خیابان چهارباغ دوره شاه عباس پیروی شد و سه مدرسه که یکی از همه مشهورتر در بازار بزرگ اصفهان واقع شده است و دیگری در محله پاقلعه و سومی در خیابان چهارباغ خواجو قرار دارد و هنوز دوتای آن به نام مدرسه صدر معروف است.

### باروی نجف

اقدام‌های عمرانی و سازنده صدر منحصر به اصفهان و ایران نبود. صاحب صدراالتواریخ که بیش از نیم‌قرن با زمانه صدر فاصله ندارد، به‌صراحت می‌نویسد: «خیره و آثار بریه حاجی محمدحسین‌خان صدراعظم در ایران و عربستان بسیار و هرقدر که ثبت آن‌ها به‌دست آمده است در اینجا نگارش می‌شود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ص ۸۹). صدر به‌تصریح تذکره، حصار گردون آثاری برای نجف اشرف ساخت که شاعر تذکره‌پرداز دیگر وفای زواره‌ای قصیده مفصل و مفخمی برای آن سرود و ماده تاریخ اتمام آن را در قصیده مطابق ۱۲۲۵ درآورد (ذیل وفا). اما نکته‌ای که در اینجا (باوجود گریز از بحث اصلی) ضروری به‌نظر می‌رسد، این است که در برخی از کتاب‌های سیاحتی و گردشگری جدید در باب نجف به قلعه‌ای اشاره شده که صدر در آن شهر ساخت و سپس گفته شده است: «این قلعه که به دست آن مرحوم بنا شده دارای برج‌های متعدّد است و زواری که از آن دیدن نموده، متفق‌القول می‌گویند مرحوم صدر با بنای این قلعه خدمت بزرگی به زوّار مشهد حضرت امیر نموده است» (شایسته و قاسمی، ۱۳۸۳).

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴



شکل شماره سه- تصویر هوایی نجف و حصار اطراف آن مربوط به حدود صد سال پیش

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،

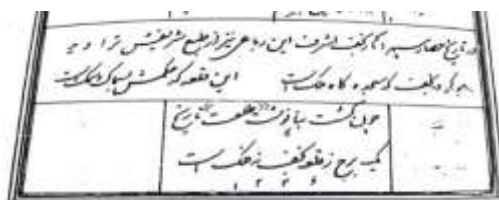
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۰۱

#### توهم قلعة صدر

هر که این مطالب را می‌خواند، تصور می‌کند به نجف که مشرف می‌شود، قلعه‌ای قدیمی و گرد می‌بیند که می‌تواند مانند زوّار دیگر از بروج آن دیدن کند و از آن بالا رود و شهر نجف را در آن چشم‌انداز تماشا کند؛ اما چنین چیزی اکنون و هیچ‌گاه در نجف وجود نداشته است، بلکه این مطالب حاصل کپی‌کردن و رونویسی بی‌مبنا و بدون ارجاع این رسائل است. عین این جمله را کپی‌برداران از رساله‌ای که ده، بیست سال قبل از آنها منتشر شده است، مصادره کرده‌اند (افشاری، ۱۳۷۶، ص ۵۳) و جالب آنکه نویسنده آن نیز همین مطلب را بدون یک واو کم و زیاد از روی مقاله‌ای از پنجاه سال قبل از خود بدون آدرس نقل کرده است (صدرهاشمی، ۱۳۲۵، ص ۵۱) و آن مرحوم نیز اگر نجف رفته باشد، بدون اینکه چنین قلعه‌ای دیده باشد، این بند را بدون کم‌وکاست از صدرالتواریخ منتقل کرده که حدود صدسال قبل از خودش نوشته شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ص ۹-۸۹). واقع آن است که نویسنده صدرالتواریخ یا هر کسی که آن یادداشت را به او داده به بارو یا سوریا حصار می‌گفته «قلعه»! واژه قلعه همان حکم واژه بُرج را دارد که گرچه مناره گونه‌ها را به یاد می‌آورد، به معنای بارو و دیوار شهر نیز است. «بُرج به معنی بارو و حصار، قرصی از یونانی که طبیعتاً Burg آلمانی را به خاطر می‌آورد» (معین‌فر، ۱۳۸۹، ص ۳۹۹). صدر در سفرهایی که در جوانی به عتبات داشت، به تدریج فکر آبادانی آنجا در وجودش رخنه کرد. نجف آن روزگار مانند دیگر

شهرهای عراق عرب در تسلط حکومت عثمانی بود. ساخت بارو یا سور و یا به تعبیر برخی منابع حصار یا قلعه دور نجف در سال ۱۲۲۵ قمری نخستین اقدام صدر در آن دیار بود (بامداد، ۱۳۷۸، ۳/۳۸۰).



شکل شماره چهار- ماده تاریخی و رباعی حصار شهر نجف در نسخه خطی تذکره

### پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۰۲

### نقد عملکرد صدر در خارج از ایران

به طور طبیعی، بردن سرمایه‌ای گزاف به بیرون مرزها و هزینه‌کردن مانند امروز به اعتراض‌هایی را به همراه داشت.

صاحب کتاب فوایدالبهائیه (صفحه ۲۶) درباره این قلعه می‌نویسد: «ارباب بصیرت التفات دادند که در چنین وقت اقدام به اتمام چنین بنایی آنگاه در ملک دور و خارج، چه قدرها مصارف و مخارج می‌خواهد» (صدرهاشمی، ۱۳۲۵، ص ۵۱).

گویا آبرسانی از دجله و فرات و کشیدن حصار عظیم نجف آن چنان از او توان گرفت که «صدر خود می‌فرمود آنچه داشتم به قلعه نجف... صرف کردم» (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ص ۳۱). اما اینگونه نبود که صدر در سرزمینی دیگر فقط هزینه کند و درآمد آورده‌ای برای سرمایه‌اش نداشته‌باشد.

### معامله صدر با حکومت نجف

در ایام ریاست صدر مذاکراتی با آن حکومت صورت می‌پذیرد که گزارش اجمالی آن را به روایت صدرالتواریخ می‌توان دید: «از جمله بنای قلعه متبرکه نجف اشرف است که در دور شهر کشیده و اهل شهر را از بسی خطرهای نجات داده است و در وقت شروع به این کار آب دریای نجف به این طور نزدیک بیرون شهر نبوده که به سهولت به مصارف گل‌کاری برسد. با این حالت، نهایت جدّ و جهد را به کار برده، پول‌های زیاد به جهت آب‌کشی از دریا صرف نمود و از دریا آب به نزدیک شهر آوردند و این حصن را به دور شهر برپا نمودند و از گچ و

آجر آن حصار را به پایان بردند و مرحوم آقامحمد اصفهانی متخلص به طلعت از برای ماده تاریخ این بنا این دو بیت را سروده است:  
این قلعه که حکمش ز سما تا سمک است  
بر گرد نجف که سجده‌گاه ملک است

طلعت به بدیهه بهر تاریخش گفت  
یک برج ز قلعه نجف نه فلک است

معادل سال ۱۲۲۶ق

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۰۳

باید دانست که صدراعظم اصفهانی با کارگزاران عثمانی قرار بست که دور نجف قلعه بکشند و زمین زیادی که بین دیوار قلعه و خانه‌های آباد واقع می‌شود، متعلق و ملک او باشد. آنها قبول کردند. او هم قلعه‌ای به دور خانه‌ها کشید و زمینی که در محاط قلعه واقع شد و لم‌یزرع بود ملک او شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ص ۹-۸۹).

### بازسازی بنای سور نجف و گسترش آن و ایجاد دروازه شیعیان

«چون اهل نجف بسیار هراسان بودند و سور نجف چندان ارتفاع نداشت و خوف آن بود که مرّه ثانیه بازگشت کنند و لذا علما اعلام به اطراف نوشتند هر کجا شیعه بود به آنها اطلاع دادند که نجف را سوری لازم است مرتفع. شیعیان غیور از متولین اقدام کنند و حفظ این بقعه مبارکه را بنمایند. جواب استغاثه آنها را کسی نداد، مگر یک مردی از اهل هندوستان که قدم پیش گذارد و در سنه هزار و دویست و سی و دو مشغول ساختن سور شدند؛ و لکن موفق به اتمام آن نشد، بلکه به مقدار ربع سور از طرف قبله نجف به اتمام رسید و آن هندی از میان رفت. مرحوم شیخ جعفر کبیر، صاحب کشف الغطاء، به فتحعلی شاه قاجار که سلطان آن عصر بود، نوشت و چگونگی مطلب را به او فهمانید. او هم همتی نکرد؛ و لکن حاج محمدحسین خان صدراعظم اصفهانی که از شیعیان مخلص بود و حاتم آن عصر شمرده می‌شد و از مدارس و خوانات و قناطر بی حساب در هر بلدی از بلاد ایران بنا کرده بود، چون این خبر شنید، خودداری نکرده استادان و مهندسان قابل از اطراف بلاد ایران روانه کرد و پی‌درپی احمال دراهم و دنانیر به آنها برساند تا آنکه عمل سور را انجام دادند و در سنه هزار و دویست و سی و سه به انجام رسانیدند» (ثقة الاسلام، ۱۳۷۹ ق، ص ۷۸).

## مقبره یا مدرسه؟

حقیقت ماجرا از گزارش‌های اصیل تواریخ معتبر نجف روشن می‌شود. یکی از این تاریخ‌ها رساله موجز و مفید «لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف» است. در این رساله به صراحت آورده شده است که شهر نجف پیش از صدر هم دیوار یا بارو (سور) داشته است؛ اما ویران و کوتاه بوده است و صدر آن را بازسازی کرد و بلندتر ساخت و سپس دروازه‌ای مخصوص عبور و مرور شیعیان نجف اضافه کرد تا اختلافات پیشین کاهش یابد. به جزء آن اقدام‌های دیگر نیز در نجف انجام شد که گزارش آن را از خود رساله به شرح زیر است «و مقبره‌ای به جهت او در حوالی سور ساختند و اطراف صحن آن مقبره را حجرات بنا کردند و آنها را محل نزول فقرا زوار قرار دادند. کم‌کم آن مقبره را طلاب علوم دینی در او ساکن شدند و عنوان مقبره مبدل گشت به مدرسه و در این زمان که سنه هزار و سیصد و سی و دو است از مدارس بسیار خوب است و قبر آن مرحوم در آنجاست و از موقوفه آن مقبره سبیل خانه‌ای در جنب آن مقبره بنا شد و همیشه پر از آب است و زوار و عابری سبیل از آن می‌آشامند و دائماً شب‌های جمعه در آن مقبره اطعام و تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا (ع) می‌شود» (ثقة الاسلام، ۱۳۷۹ ق، ص ۷۸).

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیعدوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۰۴



شکل شماره پنج- ماده تاریخ مرگ صدر و دفن او در مدرسه صدر نجف

## تنقیه و گسترش قنات نجف

صدر پیش از این اقدام توان خود را در احیا و تعمیر قنات‌ها و نهرهای اصفهان آزموده بود؛ از جمله شاخصه‌های اصفهان قدیم نهرها و جوی‌های متعدد آن بود که به‌مثابه رگ‌های شهر آن را زنده نگاه می‌داشت و در اصفهان هنوز هم به آن مادی می‌گویند. هم‌اکنون، جای بسیاری از این مادی‌ها باقی و مرمت شده است؛ اما با افسوس باید گفت دست‌کم سی سال است که عموم آنها خشک و تنها یادآور اصفهان گذشته است. «از جمله کارهای اساسی صدر تعمیر مادی‌ها و قنات بود که آبی تازه به روی کار اصفهان آورد؛ از جمله مادی نظام‌آباد، معروف به جوب سیاه را در سال ۱۲۱۹ تعمیر و حقاچه‌های باغات و عمارات داخل و خارج شهر را دایر ساخت. در مداخل الحسینیه به‌طور کلی شرحی در این باره نوشته و از نهر نام نبرده است. شیخ محمدرحیم مایل تخلص در ماده تاریخ این انهار گوید:

چو طی شد ز کلّ، گفته نغز مایل دو مصرع رقم زد به تاریخش اندر  
ز جوی وز جدول ز حوض وز آبش بهر سو بُود سلسبیلی و کوثر

معادل سال ۱۲۱۹ق

منبع: همایی، ۱۳۸۴، ص ۴۲۰

یادآور می‌شود که «جدول» در متون گذشته به معنای جوی آب است.

شادروان ثقة‌الاسلام می‌نویسد: «بعد از اتمام عمل سور، مرحوم صدراعظم در آن آرض اقدس مشرف شد. دید اهالی این بلده شریفه از تشنگی در معرض تلفند؛ چراکه قناتی که از نهر مکره در زمان شاه‌عباس به امر او حفر کرده بودند، خراب شده و آب از نجف قطع گردیده. مردم باید بروند از دو فرسخی شهر آب بیاورند و بیابان عربستان ناامن است. بر آنها نهایت مشقت را دارد و لذا میرزاتقی مهندس را که همراه او بود، امر داد تا قنات مذکور را تنقیه کند. پس نهر مکره را از جلّه حفر کردند تا به خندق به بعد را قنات نمودند و از وسط وادی‌السلام عبورش دادند و از نزدیک مقام حضرت حجت، عجل‌الله تعالی فرجه، می‌رود و در زمین دریای نجف می‌ریزد» (ثقة‌الاسلام، ۱۳۷۹ق، ص ۷۹).

## بازسازی طلای مناره‌های نجف و ایجاد دروازه جدید

نویسنده تاریخ نجف می‌افزاید: «در سنه هزار و دو بیست و سی و شش بنا بر نقل فاضل

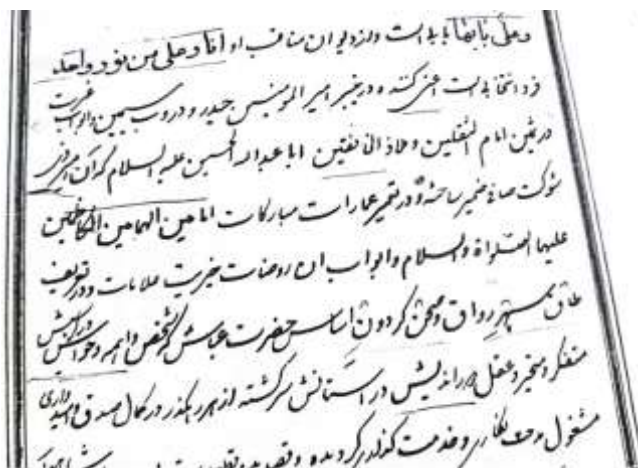
معاصر تجدید طلای مناره‌ها شده به امر صدراعظم سابق‌الذکر و در همان زمان‌ها بود که زمین منخفضی که طرف قبلی نجف است بلکه حقیقت نجف آن است که در سابق دریا بود و بعد خشک شده بود. مجدداً آب فرات زیادت‌ی کرده و به آن طرف میل نمود و آن زمین دریاچه‌ای شد. قدری اسباب توسعه به جهت اهالی بلدة مبارکه گردید؛ ولیکن چون دروازه نجف یکی بیش نبود و از طرف دروازه مسافت زیاد بود تا لب دریاچه و اطراف نجف بسیار ناامن بود به قسمی که اعراب انیزه، پشت دروازه نجف سرقت می‌نمودند و مردم را برهنه می‌کردند و لذا بعضی از تجار که به زیارت آمده بودند بعد از زحمت بسیار حکومت بلد را توصیه کردند و دروازه جدید در طرف محله عماره که اقرب امکانه بود به دریاچه مفتوح نمودند و سنگی نوشت و در آن لعنت فرستاد بر کسی که این دروازه را سد کند. مدتی این دروازه بود تا آنکه به جهت ناامنی که در بلد پیدا شد، مأمورین عثمانی آن را سد کردند و الی الان مسدود است» (ثقة الاسلام، ۱۳۷۹ ق: ص ۸۲-۷۹).

#### مدرسه صدر نجف

چنان‌که ملاحظه شد زمین این مدرسه از اساس برای مقبره خانوادگی صدر در نظر گرفته شده بود و به تدریج به مدرسه بدل شد. مدرسه صدر نجف شاید پس از حصار آن ساخته شد؛ اما پیداست در سال‌های صدارت عظمای صدر آماده‌بوده و استفاده می‌شده است که پدر او را در آنجا دفن کردند. در آن روزگار و دست‌کم یک قرن بعد «مدرسه صدر نجف پس از مدرسه سید محمد کاظم یزدی بهترین بنای نجف بوده است» (بامداد، ۱۳۷۸: ۸۱/۳-۳۸۰). صدرالتواریخ سقاخانه‌ای منضم به این مدرسه را نیز گزارش کرده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷: ۹۰).

درست است که این مدرسه ابتدا در حواشی نجف واقع شده بود، اگر پژوهش درست و دقیقی در باب ساکنان آن صورت گیرد، معلوم می‌شود که رجال عدیده‌ای را در تاریخ فقاقت و سیاست پرورش داده است. یکی از آن رجال حاج میرزا آقاسی، صدراعظم دوره محمدشاه، است. پیوند این درویش ترک با خاندان قاجار در منابع موجود معلوم نیست و منابع تاریخی در معرفی او، معلمی ولیعهد جوان را در تبریز آغاز کار و ارتباط او با دربار دانسته‌اند؛ اما

سید محمدعلی مبارکه‌ای، خطیب و جهانگرد فاضل سده گذشته، در یک جنگ خطی گزارش جالبی از دوران فقر و مسکنت طلبگی او در این مدرسه و سپس صدرات او و در آخر، برگشت او در روزگار انزوای ناخواسته به همان حجره مدرسه صدر ارائه می‌دهد. برابر این یادداشت مغتنم فتح‌علی شاه [آز صدر؟] می‌خواهد، آخوندی امین و متدین را [برای تربیت ولیعهد] معرفی کند. برخی از علمای نجف نیز او را پیشنهاد می‌کنند. پس از انس با ولیعهد آن چنان بر محمد میرزا تأثیر می‌گذارد که بعدها صدراعظم او می‌شود؛ اما در دوره ناصرالدین شاه از دخالت در امور ممنوع و معزول می‌شود. آن چنان که به نجف و مدرسه صدر و همان حجره جوانی برمی‌گردد و نمایش جالبی را برای علمای نجف که به دیدنش آمده‌اند، اجرا می‌کند که گویی همه اینها خوابی کابوس‌وار بوده‌است (مبارکه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۴۷).



شکل شماره شش - ساخت درحرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام و سیدالشهدا و نیز مرمت حرم کاظمین

### مرمت بقاع و ساخت درهای حرم‌های عراقین

صدر به اهل بیت (ع) و خاندان آنها دل بسته بود و در اصفهان و تهران این علقه را نشان می‌داد. در تهران به جزء دیدارهای رسمی تعزیه و روضه خوانی نیز در خانه خود برپا می‌کرد. جیمز موریه به همراه هیئت رسمی انگلیس شاهد یکی از آنها بوده است: «همه این صحنه گریه و زاری بسیاری در تماشاگران پدید آورد» (موریه، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳).

از دیگر خدمات صدر به عتبات و روضات مقدس اهل بیت، معماری و تعمیرات در کربلا و ساخت درهای حرم‌ها و ضریح است. در تذکرة مدایح الحسینیة آمده است که صدر در سال ۱۲۱۸ پس از تعمیرات حرم نجف به نجاران یوسف شعار فرمود دری از صندل و عود سازند و زرگران نیکوکار سطح آن را مانند سطح سیم‌گون فلک از زر و سیم پردازند (ذیل شرح احوال و آثار شاعری با تخلص خرد). محمدحسن خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد: «بنای اصلی و اساس روضه و قبه و بارگاه گردون‌کریاس حضرت عباس علیه‌السلام از حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی است و هشت درب بزرگ عالی مفضّض از سببکه نقره خام و دو در روضات منوره نجف و کربلا و روضه حضرت عباس و کاظمین، علیهما‌السلام و یکی در روضه متبرکه حضرت معصومه، سلام‌الله‌علیها، وقف کرده و برپا نموده است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۹۰؛ بامداد، ۱۳۷۸: ۳/۳۸۰).

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴



شکل شماره هفت- مرمت حرم حضرت عباس و درج قصیده تمام تاریخ سحاب در آن

## قصیده تمام مواد سحاب

یکی از اشعاری که سحاب، شاعر مداح صدر به سفارش او برای تاریخ مرمت حرم حضرت عباس (ع) ساخت، قصیده زیر است که همة مصراع‌های آن معادل ۱۲۱۵ است.

به عهد فتحعلی، پادشاه مُلک عجم	به عهد شاهی او یافت زیب و زین و طراز
بود ز صولت وی، گرگ و میش هم‌پایه	شده بدولت وی، باز و صعوه هم پرواز
امین، حاج محمدحسین خان که برد	عطای کافی او، خلق را همی به حجاز
جهان دولت و جان جهان، که بی‌کرمش	نه دفع حرص شود زین جهان، نه چاره آرز
بهشت و چار، چو جان می‌کند فدا، باید	که چار و هفت، کشد ناز او، بجان ز نیاز
همی بدولت عالم، بکار دین گردید	نجیب بود و بانجام دید از آغاز
ز نو، بمرقد پر نور اطهرِ عباس	نمود طاق و رواقی بنا چو عرش حجاز
برای گنبد او، با طلا، دری آراست	که راستی در کعبه بود، بحدّ طراز
دری که، هرکه در او پانهادی از سر صدق	برای او همه‌جا، در بفتح گردد باز
دری که، پلّه دربان او، چنان عالی است	که از سگش بجهان می‌کشند مردم، ناز
در او، ز شمسۀ او، کسب کرده مه، صیقل	درو، ز حلقة وی، یافته فلک پرواز
در سرایی و قصری که بر وی آسودی	امیر مکی و سلطان یثرب و اهواز
زمانه از صدف آل‌حیدر آورده است	چنان گهر که به عالم نباشدش، انباز
جهان ندیده دری مثل او، اگرچه جهان	ز صلب حیدر صدف، گهر نیارد باز
اگر بسنگ قدر، پای صعوه می‌شکند	جناب او بکند، نی بناخن شهباز
خلاصه دید چو آن جام این در اعلا	بحکم خان صفاهان، حسینِ عبدنواز
«رهی» ز طالع حاجی حسین خان، طبعاً!	نموده قطعه انشا تمام وی اعجاز
بروی این حرم از آسمان، دری شد باز	که لازم است طوافش، بانس و جان چو نماز

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۰۹

۱. استاد همایی در حاشیه تذکره، ذیل این شعر می‌نویسد: «توضیحاً این قطعه سحاب به سال ۱۲۱۵ که سال ختم و تذهیب گنبد حرم حضرت عباس علیه‌السلام است ساخته شده و قصیده تمام ماده تاریخ سیدمحمد سحاب که پیش ذکر شد و در ترجمه حال رهی نیز اشاره کرده است ۱۲۱۴ بود که سال شروع بنا بوده است. اما انصاف باید داد که قطعه سحاب، هیچ قابل قیاس با رهی نیست. سحاب، خیلی بهتر از عهده برآمده و همان‌طور که در حواشی قبل نوشتم بسیار هنرنمایی کرده که با وجود التزام و تکلف ماده تاریخ اشعار، بسیار طبیعی و صحیح از کار درآمده. و الحق باید گفت توجه صاحب کار بوده است. ضمناً مصراع اول قطعه رهی به این صورت که در متن نوشته است، درست در نمی‌آید. مگر این که «به عهد فتحعلی پادشا که ملک عجم» باشد. در این صورت ۱۲۱۵ می‌شود و گرنه ۱۱۹۵ است».

## نتیجه‌گیری

صدر اصفهانی با وجود گرفتاری‌های حکومتی و نیز مخالفت برخی غیر از اقدام‌های گوناگون عمرانی در ایران عاشقانه به مرمت و ساخت‌وساز در عتبات‌عالیات نیز پرداخت و مدرسه صدر را در نجف احداث کرد که مقبره خانوادگی او نیز شد. حصار و قنات نجف را هم آباد و حرمین شریفین کربلا را مرمت کرد. در حصار نجف دروازه‌ای مستقل برای شیعیان احداث کرد. این حصار عظیم برخلاف تصور برخی از منابع متأخر قلعه‌ای در درون نجف نیست. ساخت درب تازه برای حرم کاظمین نیز از دیگر اقدام‌های صدر بود.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۱۰

## منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، صدرالتواریخ (به کوشش محمد مشیری)، تهران: روزبهان. چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- افشاری، پرویز، صدر اعظم‌های قاجار، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، تهران: زوار، ۱۳۷۸.
- بولارد، ریدر ویلیام؛ سنت لویی، رابینو و جرج پرسی، چرچیل، رجال و دیپلمات‌های عصر قاجار و پهلوی (ترجمه غلامحسین میرزاصالح)، تهران: معین، ۱۳۹۱.
- ثقة‌الاسلام، آقاسیدعبدالله، لؤلؤالصدف فی تاریخ التّجف، مهربان، ۱۳۷۹.
- جابری انصاری، میرزاحسن خان، تاریخ اصفهان (به کوشش جمشید مظاهری)، اصفهان: مشعل - بهی، ۱۳۷۸.
- جناب، میرسیدعلی، رجال و مشاهیر اصفهان (به کوشش رضوان پورعصار)، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، ۱۳۸۵.
- شایسته، محمودرضا و قاسمی، منصور، اصفهان بهشتی کوچک اما زمینی، اصفهان: نقش خورشید، ۱۳۸۳.
- صدرهاشمی، محمد، احوال بزرگان: حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی ملقب به نظام‌الدوله، مجله یادگار، (۱۸)، ۵۷-۴۱، ۱۳۲۵.
- گل محمدی، حسن، فتحعلی‌شاه قاجار و قضاوت تاریخ. تهران: نسل دانش، ۱۳۶۸.
- مبارکه‌ای، سیدمحمدعلی، گزیده دانشوران و رجال اصفهان (به کوشش رحیم قاسمی)، قم: کتاب‌شناسی شیعه، ۱۳۹۳.
- معین‌فر، محمدجعفر، پیرامون چند لغت فرضی یونانی و لاتینی: پژوهش‌های ایران‌شناسی (به کوشش

ایرج افشار و کریم اصفهانیان)، جلد ۱۹، ۱۳۸۹.  
-همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۴). تاریخ اصفهان: مجلد ابنیه و عمارات و آثار باستانی (به کوشش ماهدخت همایی). تهران: هما.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴



## رویکردهای فرهنگی در نگارش کتیبه‌های حرم علوی در چهار قرن

### اخیر

محمدسعید نجاتی

#### چکیده

حرم مطهر علوی یکی از قدیمی‌ترین بقعه‌ها در تاریخ اسلام است و علاوه بر جلوه ملکوتی و نورانیت معنوی، ابعاد هنری، فرهنگی و تمدنی والایی نیز دارد. ابعادی که وامدار نگاه بانیان و بازسازی‌کنندگان آن است. این بانیان در طول قرن‌ها، چکیده هنر، مهارت و فرهنگ خود را در آثارشان در این حرم به ودیعه گذاشته‌اند. یکی از ابعاد پرکاربرد و عمیق این تلاش در کتیبه‌های حرم علوی متبلور است. کتیبه‌های حرم از معدود نقاطی است که به‌عنوان رسانه و انتقال‌دهنده پیام سازندگان حرم با زائران ارتباطی مستقیم و تنوع بسیاری نیز دارد. تعداد این کتیبه‌ها بسیار و متن‌های آن بیشتر طولانی یا قسمتی از یک متن طولانی است. محقق در پژوهش حاضر باهدف عمق‌بخشی به شناخت خود به معماری این حرم نورانی و ارائه دریاچه‌ای جدید به زائران حرم علوی برای استفاده بیشتر از این فضای نورانی محتوای تعدادی از این کتیبه‌ها را که متعلق به چهار قرن اخیر است، براساس رویکرد فرهنگی آفرینندگان آن تحلیل کرده است. این رویکردها عبارت است از: معرفت‌افزایی و ثناگویی، تطبیق مفاهیم قدسی بر امور ملموس و محسوس، تشویق به توسل، تشویق به پیروی عملی از امام علی (ع)، رویکرد تقریبی و کلامی، رویکرد گزارشگری و ثبت خدمات و بانیان. دستاورد این پژوهش، توانایی بازشناسی دقیق‌تر از کتیبه‌های حرم علوی، تحلیل بهتری از محتوای آن، شناخت بیشتر از آفرینندگان این کتیبه‌ها و ارائه الگویی برای تحلیل محتوای کتیبه‌های سایر حرم‌هاست.

کلید واژه‌ها: حرم علوی، کتیبه‌های حرم، معارف شیعی، بازسازی حرم، هنر شیعی.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۱۳

۱ عضو هیأت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمیه قم و عضو گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت، قم، ایران.

nejati@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

## مقدمه

حرم امام‌علی (ع) از برکت جذبۀ امیرمؤمنان دل‌های مردمان بسیاری را به‌سوی خود کشانده و در طی حدود هزار و سیصد سال از پایه‌گذاری آن، هنرمندان بسیاری به رسم خاکساری چکیده هنر و ارادت خود را در قالب آثار هنری مختلف در این درگاه به یادگار گذاشته‌اند. آن‌چنان که می‌توان این بارگاه آسمانی را موزه‌ای چهارده‌قرنی از تاریخ، هنر و فرهنگ مسلمانان و محبّان اهل‌بیت علیهم‌السلام دانست. از دیرباز، حضور در بقاع متبرکه در تربیت انسان‌ها و تعمیق و توسعه ارزش‌های دینی اثری ماندگار داشته است (خارستانی، ۱۴۰۰، ص ۹۳). با توجه به اینکه ایرانیان در توسعه حرم امیرمؤمنان (ع) نقش ویژه‌ای داشتند و هنرمندان ایرانی نیز اجراکنندگان این بازسازی‌ها و توسعه بودند، طبیعی است که تزیینات و آرایه‌های حرم تحت‌تأثیر اندیشه و رویکردهای حاکم بر ایرانیان در دوره‌های مختلف تاریخ آن باشد. این تزیینات شامل: گروه‌های آجرکاری، کاشی‌کاری، طلاکاری و آیینه‌کاری و کتیبه‌ها زیرمجموعه کاشی‌کاری است (بهرمان، ۱۳۹۱، ص ۶۵).

در میان آورده‌های هنرهای مختلف، کتیبه‌ها را می‌توان نقطه تلاقی محتوا و قالب دانست. این کتیبه‌های ارزشمند به خط‌های مختلف نسخ، ثلث و نستعلیق نگاشته شده است. کتیبه‌ها را می‌توان براساس آیات قرآن، روایات فضائل امیرمؤمنان، روایات منقول از آن حضرت، اشعار در مدح ایشان و گزارش عمارت و آبادانی و بازسازی تقسیم‌بندی کرد. این کتیبه‌ها به تناسب روزگار آفرینندگان و بانیان آن تفاوت سنی بسیاری با یکدیگر دارد و رویکردهای مختلفی را به تناسب انگیزه‌ها، شرایط بانیان و آفرینندگانش دنبال می‌کند.

این پژوهش که مواد آن متن کتیبه‌ها و گزارش‌های تاریخی مرتبط با آن‌هاست، به روش تاریخی تحلیل شده است. رویکردهای مختلف آفرینندگان این پژوهش مربوط به چهار قرن اخیر، یعنی عصرهای صفویه تا قاجاریه است.

پژوهش حاضر یک تحقیق میان‌رشته‌ای است که داده‌های آن به‌صورت میدانی و کتابخانه‌ای فراهم شده است. پس از نشانه‌شناسی فرهنگی و تحلیل محتوای این مطالعه که براساس تاریخ اسلام، دانش‌های حدیث، لغت و تفسیر انجام می‌شود، ارتباط آن با شرایط و زمانه سازندگان و هدفی که آنان از نصب این کتیبه‌ها در حرم علوی در نظر داشتند در قالب

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۱۴

رویکردهای اصلی آنان بررسی می‌شود و در نهایت، محقق این‌گونه به پرسش اصلی پژوهش پاسخ می‌دهد که سازندگان و بانیان کتیبه‌های حرم علوی چه رویکردهایی را در تزیین کتیبه‌ها دنبال می‌کردند و این کتیبه‌ها چه نشانه‌ها و دلالت‌های فرهنگی را ارائه می‌دهد؟

این کتیبه‌ها بیشتر روی کاشی کاری طراحی شده است. کاشی کاری به ما اجازه آفرینش ترکیب‌های انتزاعی و تجریدی بی‌زمان در بافتی تأثیرگذار و رنگی مشیر به ملکوت و آسمان لایتناهی را می‌دهد (مکی‌نژاد، ۱۳۹۹، ص ۱۰۳).

کتیبه‌نگاری، استفاده از آیات قرآنی و متون دینی انعکاس توجه به خوش‌نویسی در دوره صفویه است که به‌عنوان یکی از تزیینات تحولی را در معماری این دوره ایجاد کرد (مکی‌نژاد، ۱۳۹۹، ص ۴۳).

رویکردهای برگرفته از این کتیبه‌ها که در پژوهش حاضر بررسی می‌شود، عبارت است از: رویکرد معرفت‌افزایی، شناگویی و مداحی، رویکرد تناسب مکانی بین متون دینی و مکان قدسی (تشبیه)، رویکرد تشویق به توسل به اهل‌بیت، رویکرد ترویج الگوگیری از معصومان، رویکرد گزارش ساخت و نام‌بردن از سازندگان و بانیان و رویکرد تقریبی و کلامی. براین اساس، داده‌های فراهم‌آمده از تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای در این چارچوب رده‌بندی و تبیین می‌شود.

باید در آغاز به این نکته توجه کرد که منابع تاریخ‌نگاری معماری حرم‌های مقدس به‌ویژه حرم علوی (ع) کاستی شدیدی دارد و نمی‌توان اطلاعات چندانی را از آفرینندگان، معماران، طراحان و دست‌اندرکاران عمارت و بازسازی حرم‌های مطهر به‌دست آورد. هرچند سازندگان برخی از کتیبه‌ها را می‌توان از نام‌های به‌جامانده در برخی کتیبه‌های حرم یا متون تاریخی بازشناخت اما متأسفانه آفرینندگان بیشتر کتیبه‌ها نامشخص است. از جمله افرادی که نام خود را در کتیبه‌ها باقی گذاشته‌اند: استاد محمدعلی تبریزی، محمدعلی اصفهانی، شاملو خوشنویسان و استاد محمد صالح طیب قزوینی (۱۲۵۱ ق)، از هنرمندان مشهور عصر صفوی تا قاجاری هستند (بهرمان و کردوان، ۱۳۹۴، ص ۱۵۵).

جزئیات این بازسازی‌ها و تلاش‌ها همچنان در ابهام قرار دارد و تنها اطلاعاتی کلی و بدون جزئیات از این تلاش‌ها وجود دارد. عمده کتیبه‌های موجود در حرم علوی مربوط به

چهار قرن اخیر است و بیشتر آن‌ها هرچند طراحی اولیه آن به عصرهای سابق مانند صفویه و افشاریه می‌رسد، در عصر قاجار بازسازی و ترمیم شده است. با توجه به قاجاری بودن این کتیبه‌ها، باید گفت که یکی از پیش‌فرض‌های این پژوهش، نظر کارشناسان هنر و معماری ایرانی است که خطوط به‌کاررفته در کتیبه‌های قاجار را سرشار از مفاهیم رمزگان و پر از مفاهیم نشانه‌شناسی دانسته‌اند (رخشان و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۹۹).

پیش از این، هرچند آثاری درباره تاریخچه حرم مطهر علوی و تلاش‌های ایرانیان در عتبات نوشته شده است اما اثری که هدف این پژوهش را مدنظر داشته باشد، یافت نشد که به دنبال ترسیم رویکردهای فرهنگی این هنرمندان ایران زمین باشد.

آثار زیادی درباره آستان مقدس علوی نگاشته شده است که می‌توان قدیمی‌ترین آن‌ها را کتاب‌هایی چون فرحة الغری از سید بن طاووس دانست که با آثار معاصرانی چون تاریخچه آستان مطهر امام‌علی از دکتر صلاح مهدی فرطوسی، مشهد الامام‌علی (ع) فی النجف و مابه من الهدایا و التحف از خانم دکتر سعادت ماهر محمد، المرقد العلوی المقدس فی النجف الاشراف از شیخ موسی راضی نصار و مقاله‌های «نگاهی به آثار خوشنویسان ایرانی در کتیبه‌های عتبات عالیات» از آقای مهدی قربانی، «تبیین رویکرد فرهنگی حکومت صفوی به عتبات عالیات» از دکتر محمدباقر خزائیلی، «رویکرد دینی نادرشاه و تأثیر آن بر شیعیان و عالمان شیعه» از زهرا عبدی، «مناقب خوانی در دوره آل‌بویه» از دکتر حسین ایزدی و مهدی زیرکی و نیز مقاله‌های دیگر دانست؛ البته آثار دیگری نیز وجود دارد که در تفسیر کلی هنر به‌کارگرفته شده در کتیبه‌های حرم امام‌علی (ع) به‌کار می‌آید، از جمله: کتاب‌های هنر مقدس اصول و روش‌ها (از تیتوس بورکهارت، ترجمه جلال استادی)، هنر و معماری اسلامی (از شیلا بلر و جانانان بلوم، ترجمه دکتر یعقوب آژند)، مجموعه مقالات آثار «معماری قدسی» (از حسین زمرشیدی)، کتاب گذری بر میراث معماری عراق (از دکتر سمیه امیدواری و الهه گلذاری و مریم امیدواری)، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی و تزیینات معماری (از مهدی مکی نژاد) و تاریخ فن العمارة العراقية فی مختلف العصور (از شریف یوسف).

هرچند تلاش علمی نویسندگان این آثار شایسته تقدیر است و به تناسب از آثار علمی‌شان در این پژوهش بهره‌برده شده است، تاکنون اثری که موضوع مورد توجه این پژوهش را به‌طور

ویژه و اختصاصی دنبال کند، یافت نشد.

### حرم امام علی (ع)

محل دفن آن حضرت در نجف اشرف است که حدود یکصد سال مخفی بود. امام صادق (ع) در زمان حکومت عباسیان برای نخستین بار محل دفن حضرت را برای عموم نمایان کرد (ابن طاووس، ۱۴۱۳ ق، ص ۹۶) و پس از آن بناهای مختلفی روی این قبر در زمان‌های مختلف ساخته شد. مهم‌ترین توسعه‌ها و بناهای این حرم شریف به دستور عضدالدوله دیلمی (۳۷۲-۳۲۴ ق) و شاه صفی صفوی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ق) سامان یافته است (آل محبوبه، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۴۳ و ۴۸؛ فرطوسی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۰). البته ساختار امروزی حرم بیشتر از عهد صفوی برجای مانده که به همت شاه‌عباس (حکومت ۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق) و شاه صفی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ق) و با نقش‌آفرینی کلیدی شیخ بهایی بنا شده است (کاظمی دلیکانی، ۱۳۸۶، ص ۷۰).

### کتیبه

کتیبه یعنی آنچه به خط جلی نسخ یا نستعلیق، به خط طغرانی و یا به خط کوفی بر دوره دیوار مسجدها، مقبره‌ها و اماکن متبرکه و یا سر در دروازه‌ها و بزرگان نویسند یا نقش کنند (فرهنگ معین، ۱۳۸۶: ذیل کتیبه).

### رویکرد

رویکرد به معنای توجه، روی‌نهادن، روی‌آوردن، رو به سوی چیزی یا به کسی آوردن، موضع‌گیری، جهت‌گیری به موضوعی خاص، جهت‌گیری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی و یا تاکتیکی و نشان‌دهنده دیدگاه یا الگوی فکری و معادل attitude و approach است.

براساس یکی از جامع‌ترین تعریف‌های پرشمار، فرهنگ بیانگر بیشتر جنبه‌های معنوی زندگی جمعی انسان‌ها همانند آیین‌ها، آداب، زبان، دین و دانش است و درحقیقت، سه عنصر مهم اندیشه و باور، گرایش و احساس، آداب‌ورسوم و مناسک را شامل می‌شود

(کاشفی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷). برای مثال، وقتی از رویکرد فرهنگی مدیحه‌خوانی و ثناگویی در کتیبه‌های حرم علوی سخن می‌گوییم، منظورمان جهت‌گیری کلی است که آفریدگار کتیبه در آفرینش آن مدنظر داشته‌اند و دست‌یافتن به آن را در خاطر گذرانده‌اند. این رویکرد به عنصر گرایش‌ها و احساس زائر و زیارت مرتبط می‌شود. رویکرد تقریبی به معنای موضع‌گیری کلی آفرینندگان این آثار در کتیبه‌های حرم علوی است که عنصری اندیشه‌ای از فرهنگ و همین‌طور سایر رویکردها را دربرمی‌گیرد.

### رویکرد معرفت‌افزایی و مدیحه‌خوانی

زائر به‌هنگام زیارت باید خود را در خدمت خود مولا و نه فقط میهمان‌خانه و حرم او بداند. این حضور در خدمت مولای کریمی مانند امیرمؤمنان آن‌چنان برای زائران اثرگذار، بهت‌آور و شیرین است که طبیعی‌ترین واکنش زائر را می‌توان ثناگویی و مداحی معشوق، محبوب و مقتدای خود که جامع همه فضایل است، دانست. فضا سازی معماری حرم مطهر نیز این عظمت را در بُعد مادی تا حد ممکن جلوه بخشیده و اینجاست که کتیبه‌های حرم به مدد زائر می‌آید تا زبان بندآمده‌اش را در مدح مولای متقیان و امیر بیان، یاری دهد. این مسلم است که اشعاری که در معماری اماکن مقدس به‌کار گرفته می‌شود، می‌تواند از راه‌های مختلف به دانش‌افزایی زائران و بازدیدکنندگان بیفزاید (خطیب‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۵ - ۳).

پرداختن به مدایح و فضائل علوی در این کتیبه‌ها می‌تواند تحت‌تأثیر رویکرد مناقب‌خوانی نیز بوده باشد. این رویکرد یکی از رویکردهای رایج در جامعه شیعه است که از دوره آل‌بویه شکل گرفت و در دولت‌های شیعه صفویه و بعد از آن گسترش یافت؛ زیرا فضیلت‌گویی زیرساخت معرفتی منقبت‌خوانی است (زیرکی و ایزدی، ۱۳۸۷، ص ۲۷). از این‌روست که می‌توان بیشترین حجم کتیبه‌های موجود در حرم علوی را در این رویکرد طبقه‌بندی کرد. این رویکرد را می‌توان در کتیبه‌های زیر دید.

### سوره انسان (هل اتی)

از آنجا که سوره هل اتی یکی از سوره‌هایی است که در شأن امیرمؤمنان نازل شده است، تکرار فراوان این سوره را در حرم مطهر در ضلع شمالی صحن و در روضه مطهره می‌توان

دید. در این سوره، خداوند متعال از ابراری سخن گفته است که در راه محبت خدا مسکین و یتیم هستند و اسیر را با غذای خود سیر می‌کنند (انسان: ۸). براساس روایت‌های متعدّد شیعه و عامه امیرمؤمنان شخصیت کلیدی این ابرار است (طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۰، ص ۶۱۳؛ مقاتل، ۱۴۲۳ ق، ج ۴، ص ۵۲۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰، ص ۲۴۳-۲۴۴). خداوند در بخش نخست (آیات ۱-۲۲) به آفرینش انسان از نطفه می‌پردازد. سپس می‌فرماید: «خداوند انسان را به راهی که تنها راه اوست، هدایت کرد و در برابر، این هدایت یا آن را شاکرانه می‌پذیرد یا ناسپاسانه نمی‌پذیرد». آن‌گاه به عذاب‌های گوناگون کسانی که در برابر هدایت الهی ایستادگی کردند و کفر ورزیدند، اشاره می‌کند. سپس در ضمن ۱۸ آیه، به ویژگی‌های ابرار و نعمت‌هایی که بدان‌ها در قیامت ارزانی خواهد شد، می‌پردازد (خراسانی، ۱۴۰۲، مدخل انسان/سوره). به گفته علامه طباطبایی، غرض این سوره نیز بیان نعمت‌های گوناگونی است که به ابرار داده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۲۰، ص ۱۲۰). شاید بالاترین این نعمت‌ها این باشد که خداوند به آنان باده‌ای پاک می‌نوشاند.



شکل شماره یک-سوره هل آتی (انسان) بر کتیبه بالای گوشواره سمت چپ ایوان شرقی



شکل شماره دو-سوره هل آتی (انسان) در آخرین کتیبه تاج ضریح امروزی

### آیه ۱۹ و ۲۰ سوره توبه

بنا بر روایات اهل بیت، آیه نوزدهم این سوره که از یکسان دانستن آب دادن به حاجیان، آبادساختن مسجدالحرام با ایمان به خداوند و آخرت و جهاد در راه خداوند نهی کرده است،

ناظر به گفت‌وگوی امام‌علی (ع) با عباس بن عبدالمطلب و شیبه بن عثمان دانسته‌اند؛ زیرا عباس به مقام سقایت حاجیان و شیبه بن عثمان یا طلحه بن شیبه مقام کلیدداری و حفاظت از خانه خدا را داشتند و به آن افتخار می‌کردند و امام‌علی (ع) با ردّ برتری آن‌ها افتخار خود را که همان ایمان به خدا و روز قیامت و جهاد در راه خدا بوده و زمینه‌ساز ایمان آوردن امثال آن دو شده است، برتر معرفی کرد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۲۰؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۹۱).

بنابراین، روایات آیه بیستم این سوره نیز که درباره کسانیکه ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است و آن‌ها رستگاران‌اند. درباره امیرمؤمنان نازل شده است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸۴).

این دو آیه بر سر در مسجد عمران بن شاهین به خط محمدصالح طیب قزوینی در سال ۱۲۵۱ قمری نگاشته شده است.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۲۰

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۲۱

	
<p>شکل شماره چهار- سر در مسجد عمران بن شاهین، ایوان شمالی حرم علوی</p>	<p>شکل شماره سه- امضای کاتب در گوشه کتیبه سر در مسجد عمران بن شاهین</p>

شعر عرفی شیرازی (متوفای ۹۹۹ ق)

در میان ایوان طلا، در کنار در ورودی به رواق، حروف طلا بر پلاک‌هایی از طلا به خط محمدجعفر اصفهانی در تاریخ ۱۱۵۶ قمری (شعری از عرفی شیرازی) در مدح حضرت علی نوشته شده است با مطلع  
این بارگاه کیست که گویند بی‌هراس کای اوج عرش سطح حضيض تو را مماس

عرفی محمد بن خواجه زین‌الدین علی بن جمال‌الدین شیرازی ملقب به جمال‌الدین و

متخلص به عرفی از مشاهیر و شعرای قرن دهم هجری قمری در شیراز است (سید عابد و علی، ۱۳۳۲، شماره ۳، ص ۲۳ - ۲۷).

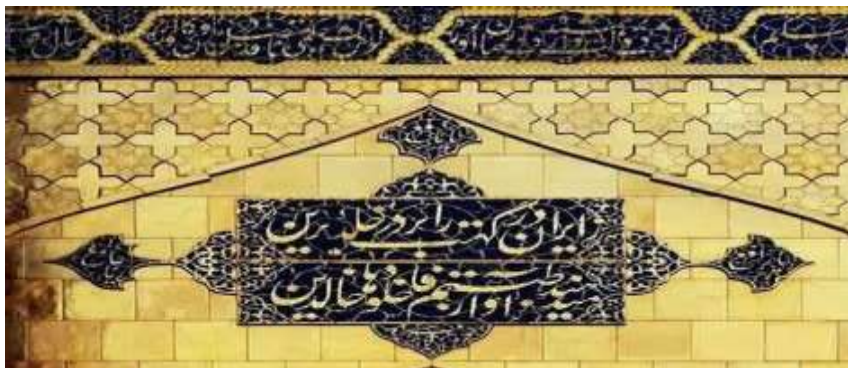


شکل شماره پنج - ایوان شرقی، کتیبه طلاکاری، شعر عرفی شیرازی

دو بیت از شعر ملا حسن کاشی:

زایران درگهت را بر در خلد برین می دهند آواز طبتم فادخلوها خالدین

این دو بیت، بخشی از بند هفتم از مجموعه اشعار هفت بند در قالب ترکیب بند با موضوع امام علی (ع)، سروده ملاحسن کاشی آملی از شاعران شیعی قرن هفتم هجری قمری است (رسولی و همکاران، ۱۳۹۳، مدخل ملاحسن آملی). به کارگیری این دو بیت از هفت بند مشهور ملاحسن کاشی آملی یادآور ابیات رسا و بلیغ اشعاری است که به گواهی مورخان در جامعه آن روز شیعه گسترش فراوانی یافته است و شرح‌ها و نوشته‌های بسیاری به آن نوشته شده بود و زائران حرم علوی با دیدن این ابیات به آن اشعار بلیغ و فصیح رهنمون می‌شدند که مربوط به رویکرد مدیحه‌خوانی می‌شود. می‌توان در گونه نگارش بیت اول اشعار میرزاحسن کاشی اشاره به ایران را نیز دید که هنرمند خوشنویس با استفاده از صنعت ایهام کلمه زائران را از مصرع (زائران درگهش را بر در خلد برین) به گونه‌ای تلمیح‌آمیز در اذهان زنده می‌کند.



شکل شماره شش- بیت اول اشعار ملاحسن کاشی در سمت راست ایوان شرقی با  
تلمیح زائران

این بیت از نمای روبه‌روی ایوان بر سینه سمت راست تزیین شده است:

زائران درگهت را بر در خلد برین	می دهند آواز طبتم فادخلوها خالدین
--------------------------------	-----------------------------------



شکل شماره هفت- بیت دوم اشعار ملاحسن کاشی آملی در سمت چپ ایوان شرقی و بیت  
دیگر

تا نجف شد آفتاب دین و دولت را مقام      خاک آن دارد شرف بر زمزم و بیت الحرام

رویکرد تطبیق مفاهیم قدسی بر اماکن و اشیای محسوس

«مرقد دارای سقف در هنر اسلامی رمز اتحاد آسمان و زمین است و در مرقد مردان قدسی هنر اسلامی جلوه‌ای از خدا است» (بورکهارت، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷). در این رویکرد، معنای قدسی آیات و روایات بر مثال مادی و دنیوی آن اطلاق می‌شود و نوعی مجاز را با به‌کاربردن آیات قرآن و روایات اهل‌بیتی که درباره بهشت است با اماکن و به‌خصوص درگاه‌های حرم به‌ارمغان می‌آورد. درحقیقت، می‌توان دستاورد به‌کارگیری این رویکرد در

کتیبه‌های حرم را تلقین بهشت بودن حرم و یادآوری ارج و جایگاه ملکوتی این بارگاه و امام مدفون در آن برای زائر دانست که می‌تواند تأثیرهای بسیاری داشته باشد. از جمله:

۱- تمرکزبخشیدن به زائر برای توجه و ارتباط قلبی و روحی با امیرمؤمنان و حرم آن حضرت و کسب فیض‌هایی که نتیجه حضور قلب و معرفت است؛

۲- فال نیکوزدن و امیدوارکردن زائر به اینکه توفیق زیارت و حضور در مرقد حضرت امیر را به فال نیکو گرفته و امیدوار است که در بهشت نیز به آن حضرت ملحق می‌شود، چه اینکه زائر در این دنیا به بهشت پا نهاده است.

۳- حفظ حرمت بارگاه نورانی توسط زائر که خود را در بهشت الهی می‌بیند و رفتار، گفتار و کردارش را درخور این جایگاه عظیم می‌داند و خودبه‌خود از ناشایست‌ها خودداری می‌کند.

#### آیه ۷۶ سوره زمر

این آیه متضمن لحظه ورود بهشتیان به بهشت است و استعاره‌ای واضح را در تشبیه حرم علوی به بهشت در خود دارد که بر سردرهای اصلی حرم مطهر نقش شده است. گویا سازندگان و میزبان این بارگاه نورانی با سخن فرشتگانی که بهشتیان را بر در بهشت استقبال می‌کنند، سخن می‌گویند و به زائران می‌فرمایند (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ). این تابلو در سه مکان در حرم علوی نصب شده است.



شکل شماره هشت- آیه ۷۳ سوره زمر در تضمین شعر در ایوان شرقی



شکل شماره نه- آیه ۷۳ سوره زمر از داخل باب‌الرضا



شکل شماره ده-آیه ۷۳ سوره زمر سر در باب امام رضا از داخل

آیه **يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ**: «دست خداوند بالای دستانشان است». انتخاب این نقش براساس تطبیق معنای مادی فوقیت و بالابودن فیزیکی که در فراز گنبد متصور است، با معنای ملکوتی که انعکاس دهنده معنای ملکوتی این آیه شریفه و نیز با لقب یداللهی امیرمؤمنان تطبیق است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۱۹۸).

این آیه شریفه در مرکز پنجه طلایی که بر فراز شمسه گنبد حرم حضرت امیر قرار دارد، جای گرفته است. این شمسه اولین بار در دوران نادرشاه در این محل تعبیه و پس از ربهوده شدنش در دوران سیطره حزب منحوس بعث در دوران اخیر براساس تصویرهای باقی مانده ستاد بازسازی عتبات ساخته و نصب شد (انصاری، ۱۴۰۲، ج ۱).

آفرینندگان این سازه با طراحی این سازه و شکل دستی که در داخل آن، این آیه شریفه نقش بسته تطبیق مفهوم یداللهی امیرمؤمنان را به معنای اینکه «اینجا جای شخصی است که مظهر قدرت الهی است» و مفهوم محسوس «یدالله» را در این مکان تجسم عینی بخشیده است (گروه نویسندگان، ۲۰۱۱م، ص ۱۳۲).



شکل شماره یازده-شمسه نادری و کف دست با آیه شریفه «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» امروزی



شکل شماره دوازده-شمسه قدیمی

### حدیث أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأُيُوبِهَا

این حدیث نیز از احادیثی است که سنی و شیعه در فضل امیر مؤمنان (ع) نقل کرده‌اند و بر اساس آن پیامبر خدا (ص) فرمود: «من شهر دانشم و علی دروازه آن است. آن‌که دانش می‌خواهد، باید از [این] دروازه درآید».

محدثان شیعه و سنی این روایت را با اختلاف جزئی تعبیر نقل کرده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵ ق، ج ۳، ص ۱۳۸؛ اخطب‌خوارزم، ۱۴۱۱ ق، ص ۸۳؛ طبری، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۰۵؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۷۸).

این روایت مرجعیت دینی منحصر امیر مؤمنان را برای دستیابی به علوم بی‌انتهای نبوی اثبات می‌کند و از آنجا که بر چند سر در حرم مطهر علوی نقش بسته است، می‌توان نصب آن در این مکان را تحت‌تأثیر رویکرد انطباق‌دهی امور معنوی به امور محسوس دانست. به این ترتیب که قرارگرفتن این حدیث شریف بر درها و دروازه حرم مطهر علوی تداعی‌کننده این معنا برای زائر است که او با ورود به حرم و زیارت امیر مؤمنان وارد دروازه علوم نبوی شده

است و باید منتظر نزول برکات و دنبال علوم الهی نبوی باشد.



شکل شماره سیزده- حدیث «مَدِينَةُ الْعِلْمِ» بر در رواق اصلی

پژوهشنامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۲۷



شکل شماره چهارده- حدیث «مَدِينَةُ الْعِلْمِ» بر ورودی از بیرون



پژوهشنامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۲۸

شکل شماره پانزده- حدیث «مدینه العلم» باب قبله از بیرون



شکل شماره شانزده- حدیث «مدینه العلم» سر در باب الرضا

### رویکرد تشویق به توسل

یکی از نیازهای معنوی زائران اقلیم ملکوت توسل به ساحت قدسی امیرمؤمنان است. هدف اصلی زیارت تقرب به خدای متعال با زیارت ولی او و طمع به پادشاهی است که به زائران ولی خدا وعده داده شده است که از جمله آنان برآورده شدن حاجت‌ها و کتیبه‌هایی

با این مضمون، یاری‌گر زائر در این مسیر است؛ از جمله این کتیبه‌ها:

### شعر نادعلی

دعای «نادعلی» دعایی است که مخاطب را برای حل مشکلات و برطرف شدن غم و اندوهش به خواندن و صدازدن امام‌علی (ع) تشویق می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۰، ص ۷۳). هرچند در اسناد آن تردید شده است (دوزدوزانی تبریزی، ۱۳۷۹، ص ۲۲). بنا بر آنچه در کتاب شرح دیوان شعر منسوب به امام علی (ع) نوشته میبدی یزدی (عالم شافعی قرن دهم هجری قمری) آمده، پیامبر (ص) در جنگ احد از عالم غیب این اذکار را شنید (میبدی یزدی و بی‌تا، ۱۳۷۹، ص ۴۳۴؛ محدثی، ۱۳۸۶، ص ۵۶۳). این کتیبه با توجه به محتوای این شعر و اختصاص آن به امیر مؤمنان بسیار پرتکرار است.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۲۹



شکل شماره هفده-بالای سردر ایوان طلای حرم علوی، دو کتیبه میناکاری با ذکر «نادِ عَلِیاً مَظْهَرُ الْعَجَائِبِ» به خط نستعلیق و با امضای «کتبه العبد ابن ابدال محمد علی نقاش فی سنه



شکل شماره هجده- نادعلی سردر بیرونی باب‌الرضا به صورت چهارپاره

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۳۰

شعر «بنی عربی ...»

قصیده عربی شیخ‌بهایی در توسل به اهل بیت (ع) با مطلع «بَنِي عَرَبِيٍّ وَرَسُولِ مَدَنِيٍّ / وَ  
أَخِيهِ أَسَدِ اللَّهِ مُسَمِّي بَعْلِيٍّ» زیارت‌نامه‌ای است از منشآت شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی که  
هر فقره از این زیارت‌نامه دوازده حرف است و در مجموع، ۲۴ فقره می‌شود (ناجی  
نصرآبادی، ۱۳۸۷، ص ۵۲). متن این شعر، علاوه بر نام‌بردن و یادکردن از چهارده معصوم  
علیهم‌السلام خداوند را به آنان سوگند می‌دهد که دعای شخص متوسل را برآورده و حاجات  
همگان را روا کند و هزاران سلام و صلوات را در شبانه‌روز و صبح چاشت نثارشان بفرماید.

پژوهشنامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۳۱



شکل شماره نوزده-قسمت بالای ایوان شرق، گلدان میناکاری زرینی شامل ۱۲ شاخه گل به صورت برجسته خودنمایی می‌کند که در فضای داخلی آن کتیبه‌ای به خط ثلث ایرانی

### اسماء الحسنی

در قسمت بالایی و تاج ضریح مطهر علوی پنج دور کتیبه وجود دارد و دومین دور آن گل‌هایی است که اسماء الحسنی در آن‌ها نقش بسته شده است که با یا الله و یا رب شروع می‌شود. در آیه ۱۸۰ سوره مبارکه اعراف در قرآن کریم به مسلمانان فرمان داده شده است که با این اسماء الهی خداوند را بخوانند و زائران را به توسل و دعا به درگاه خداوند متعال فرا می‌خواند.



شکل شماره بیست- کتیبه اسماء حسنی با تزئین یاقوت نشان و سوره انسان در تاج ضریح مطهر

### رویکرد تشویق به اقتدا به معصومان و الگوگیری از ایشان

در این رویکرد آفریننده کتیبه به دنبال القا و ترویج سبک زندگی امیرمؤمنان به زائران آن حضرت است. این القای غیرمستقیم یا با برشمردن فضایل و خصلت‌های نیکوی آن حضرت به صورت جزئی و مفصل و یا با تکرار و یادآوری آیات و سوره‌هایی که آن حضرت در زندگی خود بسیار تکرار می‌کرد، بیان شده و تحقق یافته است. از نمونه‌هایی دوم که در سیره امیرمؤمنان یافت می‌شود، تلاوت مکرر سوره‌های توحید و قدر در نمازهاست. از سوی دیگر، توصیه‌های فراوانی در روایات معصومان درباره این دو سوره وجود دارد. ما به کارگیری سوره توحید و سوره قدر را در حرم مطهر فراوان می‌بینیم؛ از جمله: به کارگیری سوره توحید در کتیبه‌های حرم، به کارگیری سوره قدر و به کارگیری سوره الرحمن بر فراز همه کتیبه‌هایی که در نماز زیارت امیرمؤمنان وارد شده و برخی از آیات آن در شأن امیرمؤمنان (ع) است. از نمونه‌های اول که توجه به آیات و روایاتی است که صفات حضرت امیر را برای زائران به صورت جزئی‌تر بیان می‌کند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### آیه ۷۳ سوره زمر

هرچند این آیه در رویکرد دوم استفاده شده است، نمی‌توان از رویکرد حاضر آن نیز غافل

ماند.

از آنجا که امیر مؤمنان امام‌المتقین هستند، تناسب این آیه در سردرهای بارگاه آن حضرت بیشتر نمایان می‌شود که به زائرانش وعده بهشت می‌دهد و در پس این وعده، با زبان کنایه زائران واقعی آن حضرت را اهل تقوا می‌داند که لازم است تناسب و سنخیت بیشتری با امامی که به زیارتش آمده‌اند، داشته باشد و به زائر این پیام انتقال می‌یابد که برای ورود به این حریم مطهر، پاک، پاکیزه و طیب باشد. به‌کارگیری پرتکرار این آیه در حرم مولای متقیان می‌تواند اشاره‌ای نیز به این خطبه باشد و زائران امیر مؤمنان را به سیره‌ای که آن حضرت ترسیم کرده است، تشویق کند.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۳۳

### آیه ۵۳ سوره مائده

از آنجا که در روایات مصداق اتم این آیه امیر مؤمنان است، خداوند شش صفت ویژه او را برمی‌شمرد (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۷۲).

بنا بر روایتی دیگر این توصیفات، وصف امیر مؤمنان و یاران آن حضرت در نبردهایشان با ناکثین، قاسطین و مارقین است (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۳۱۵). در این آیه، شش صفت بارز از مؤمنان ویژه‌ای یاد شده که خداوند متعال به فضل خدا مسلمانانی را که از دین خود بازگردند، با حضور آنان تهدید کرده است. این صفات که در سیره امیر مؤمنان به‌وضوح دیده می‌شود عبارت است از:

محبوب خدا بودن و عاشق خدا بودن، متواضع بودن در برخورد با مؤمنان درعین سخت‌گیری با مشرکان، مجاهده در راه خدا و نترسیدن از سرزنش ملامت‌کنندگان در این مسیر است؛ از این رو، طراحان این کتیبه با نصب این آیه صفات برجسته امیر مؤمنان و یارانشان را پیش از آیه مشهور ولایت در پیش‌روی همه زائران آن حضرت قرار داده‌اند تا بر معرفت و محبت‌شان بیفزاید و از سوی دیگر، تشویق زائران آن حضرت به شباهت یافتن و سنخیت به مولایشان است.



شکل شماره بیست و یک-کتیبه حاوی این آیه شریفه در گوشه سمت چپ ایوان طلا

از نمونه‌هایی دوم آیات و سوره‌هایی است که در سخنان و سیره امیرمؤمنان سفارش شده است.

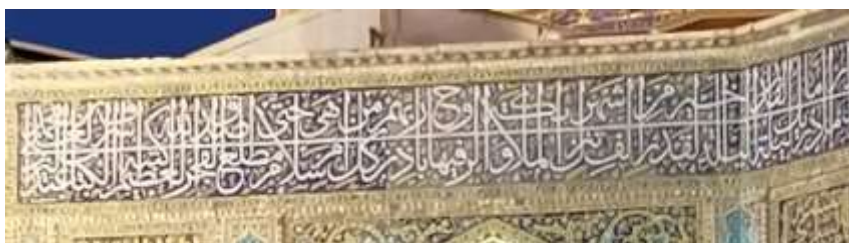
پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

سوره قدر

۱۳۳۴

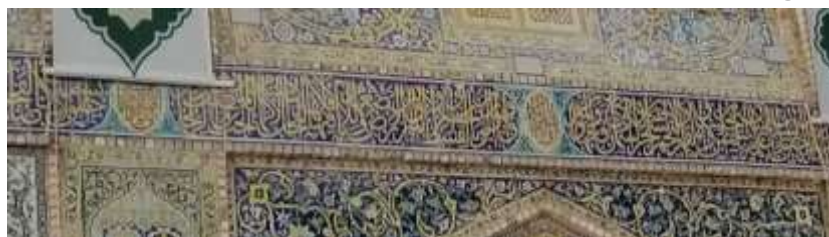
طبق روایتی امام این سوره را با شیرینی خاصی تلاوت می‌کرد و اختصاص این سوره را به خود و فرزندانش از قول رسول‌الله نقل کرده است.



شکل شماره بیست و دو-اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ در گوشواره سمت راست ایوان شرقی

سوره الرَّحْمَنُ

آیات بسیاری از این سوره نیز در شأن امیرمؤمنان نازل شده است (برازش و دیگران، ۱۳۹۴، ج ۱۵، ص ۳۸۸).



شکل شماره بیست و سه-سوره الرَّحْمَنُ در کتیبه سطر دوم صحن شمالی

## رویکرد تقریبی و کلامی

ماهیت جامعه شیعه از آنجا که از آغاز براساس روشنگری و حرکت در برابر جو غالب و حکومت‌های مسلط بر مسلمانان شکل گرفته برای ادامه بقای خود، دائم نیازمند دو رویکرد تقریبی و کلامی است. رویکرد اول گرد اتهام‌هایی است که دشمنان را برای تفرقه میان شیعه و دیگر مذاهب اسلام می‌زداید. رویکرد کلامی براساس احترام و عقلانیت مبانی خود را به طرف مقابل که دائم قدرت سیاسی بیشتر داشته است، عرضه می‌کند. براساس شکل‌گیری، این فرصت گفت‌وگو در فضای احترام متقابل و خویش‌داری است. جمعیت شیعه از آنجا که برخوردار از منطق قوی و حقانیت بوده است، توانسته از تعدادی انگشت‌شمار به جمعیتی اثربخش فعلی و چند میلیون برابر تبدیل شود. از آنجا که بیشتر این مناظره‌های کلامی و گفت‌وگوها نیز بر سر سیره و امامت امیرمؤمنان بوده، به‌کارگیری موادی که بتواند زائران را در این جنبه یاور و یادآور باشد، از نکات ظریف طراحی کتیبه‌های حرم است. به‌ویژه در دوره‌های صفوی و قاجاری که بیشترین کتیبه‌ها متعلق به آنان است. کشور عراق که دربرگیرنده حرم مطهر علوی است، بیشتر زیر سیطره امپراتوری اهل تسنن و متعصب عثمانی بوده و این ارتباط رویکرد تقریبی را ضرورت بیشتری داده است.

در این رویکرد، دو راهبرد جلوه‌گری می‌کند: یکی بیان فضائل امیرمؤمنان که در کتاب‌های کلامی شیعه برای اثبات برتری آن حضرت به آن استناد شده است و معمولاً از آیات و روایاتی استفاده شده است که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند؛ در رویکرد دوم از آنجایی که فضایل و مدایح فراوانی از امیرمؤمنان از زبان شخصیت‌های برجسته اهل تسنن نقل شده است، می‌توان در حرم امیرمؤمنان استفاده به‌وفور این آثار را دید که به‌صورت غیرمستقیم برای غیرشیعیان نیز مقام قدسی امیرمؤمنان و جایگاهش را یادآور می‌شود. از جمله کتیبه‌های مربوط به نوع اول در رویکرد تقریبی و کلامی موارد زیر است:

### آیه ۵۵ سوره مائده

براساس این آیه که از آیات مهم اثبات ولایت امیرمؤمنان علیه‌السلام است، تنها خدا، رسول و مؤمنانی نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند، سرپرستان مؤمنان

هستند. این آیه بنا بر روایات سنی (تفسیر طبری، ج ۶، ص ۱۶۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۲۱۹؛ تفسیر فخررازی، ج ۱۲، ص ۲۶) و شیعه در شأن امام علی علیه السلام نازل شده است و می‌توان رویکرد اصلی سازندگان این کتیبه را اشاره به خاتم‌بخشی آن حضرت در رکوع دانست که ولایت آن حضرت را در طول ولایت الله و رسولش ثابت می‌کند (برازش و دیگران، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۹۸).



شکل شماره بیست و چهار- آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» در روکش در ورودی رواق

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۳۶

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۳۷



شکل شماره بیست و پنج- آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» سردر باب‌الرضا

از جمله مثال‌های مربوط به نوع دوم از رویکرد تقریبی و کلا می‌را که نقل فضایل امام از اهل سنت است. می‌توان در موارد زیر یافت:

شعر «علیُّ حُبُّهُ جَنَّةٌ»

این شعر یک رباعی با این محتوا است که «علی کسی است که محبت او سپر و محافظ است و تقسیم‌کننده آتش و بهشت است. او وصی واقعی و برحق محمد مصطفی (ص) و امام آدمیان و جنیان است».

این شعر «علیُّ حُبُّهُ جَنَّةٌ» در منابعی به بزرگانی از اهل سنت چون محمد بن ادریس

شافعی از فقهای چهارگانه اهل سنت (۱۵۰-۲۰۴ ق) نسبت داده شده است (قندوزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۲۵۴؛ مرعشی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۱۸۸، ج ۲۰، ص ۲۵۲، ۳۲۸، ج ۲۱، ص ۶۵۲؛ کشفی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱). البته از اشخاص دیگری نیز به‌عنوان شاعر این شعر نام برده شده است (طبری آملی صغیر، ۱۴۲۷ ق، ص ۱۲۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۲۶۰).

در محتوای این شعر، برجسته‌ترین صفات امیرمؤمنان را می‌توان یافت که بیشتر در منابع اهل سنت نیز به‌گونه‌ای انعکاس یافته‌است (خطیب‌بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۳۸۰؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ ق، ج ۴۲، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۴۹۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۹، ص ۱۶۵؛ ابن‌ابی‌یعلی و بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۰؛ ابن‌فوطی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۳۵۲). این شعر از کتیبه‌های پرتکرار حرم علوی است که می‌توان آن را در نقاط مختلفی یافت که از دیرباز در این حرم نورانی نصب شده است از مهم‌ترین این مکان‌های نصب این تابلو پر معنا که با خط‌های مختلف نسخ و ثلث و نستعلیق نگارش شده اماکن زیر است:



شکل شماره بیست و شش - «علیُّ حُبِّه جُنَّة» در ورودی بیرونی باب قبله

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۳۹



شکل شماره بیست و هفت- «علی حُبّه جَنّة» بر در رواق



شکل شماره بیست و هشت- «علی حُبّه جَنّة» خروجی باب طوسی



شکل شماره بیست و نه- «علی حُبّه جَنّة» ورودی روضه

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۴۰

قصیده عینیه ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید عزالدین عبدالحمید ابن ابی الحدید مدائنی بغدادی، دانشمند بزرگ، نا می‌عالم، متکلم و متفکر، ادیب، مورخ و شاعر است که در ستایش پیامبر اکرم و علی بن ابیطالب هفت قصیده غرا سروده است. این قصائد به «السبع العلویات» معروف و بارها چاپ شده است. قصیده ششم عینیه‌ای است در مدح امام علی (ع) که هشتاد بیت دارد.

در انتخاب این قصیده بی نظیر که در میان هزاران ابیات، هزاران پاکبخته امیر مؤمنان گلچین شده، توجه به دو نکته حائز اهمیت است:

۱- سراینده این اشعار شخصی است که به صراحت خود را از اهل تسنن معتزلی و غیر شیعه می داند؛

۲- از علمای بزرگ قرن پنجم هجری است که با کتاب نفیس شرح نهج البلاغه خدمتی ماندگار به ساحت امیر مؤمنان علیه السلام عرضه کرده است.

محتوای این اشعار توصیفات بسیار بلندی از امیر مؤمنان علیه السلام دارد. توصیفات که بیان آن‌ها از زبان یکی از اتباع مکتب خلفا بهتر می تواند مقام و جایگاه امیر مؤمنان را به ویژه برای پیروان مذاهب دیگر روشن کند. شاعر درعین تصریح به تعلقش به اهل تسنن معتزلی از محبتش به شیعیان سخن می گوید. از جمله محتوای بلند این شعر، اندیشه انتظار مهدوی موعود و لشکریان مهدی اهل بیت است که سپاهیان خداست، ذکر مصائب سیدالشهدا، گریه بر بدن چاک چاک و برهنه و زنان اسیر غارت شده آل محمد (ص) است (صالحی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳-۱۴۷). استاد محمدرضا حکیمی بسیاری از ابیات این شعر را به فارسی روان ترجمه کرده است (حکیمی، ۱۴۰۱، ص ۲۸۵).

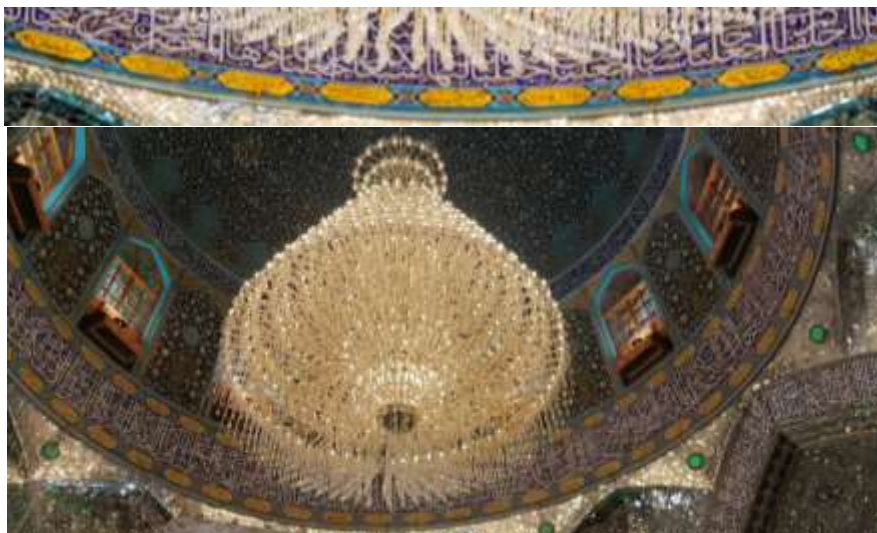
پژوهش نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۴۱



شکل شماره سی - ابیات مدح ابن ابی الحدیث با خط آبی به دور ضریح



شکل شماره سی و یک- شعر ابن ابی الحدید در کارهای بیضی زرد رنگ در نمای داخلی گنبد حرم علوی



شکل شماره سی و دو- شعر ابن ابی الحدید در کادرهای بیضی شکل با خط آبی بر ضریح قدیم

### رویکرد گزارشگری و ثبت خدمات و یاد کرد از بانیان

موارد متعددی را می‌یابیم که هنرمندان پس از پایان کار اقدام‌های انجام‌شده را به‌اختصار ذکر و نام حکمرانی را که بانی این خدمات شده‌بود، جاودان کرده‌اند. در این رویکرد می‌توان رد پای وطن‌دوستی آفرینندگان آثار هنری را یافت؛ البته محبت امیرمؤمنان کیمیایی است که مرزهای سیاسی و عقیدتی را درنوردیده است. این افراد که در طول قرن‌ها بیشتر از خاک ایران‌زمین هستند، هرکدام به‌گونه‌ای یاد وطن خویش را در اثرشان به یادگار گذاشته‌اند. در این میان، پادشاهان صفوی، نادرشاه افشار و پادشاهان قاجار جایگاه ویژه‌ای داشتند. هرچند کارنامه تک‌تک این نامداران در کنار خدمات با جنایت‌ها و خطاهای فراوانی همراه است،

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۴۲

خدمتشان به آستان علوی را که به نام پادشاه ایران و به نمایندگی از ملت ایران انجام داده‌اند، نمی‌توان نادیده گرفت. درحقیقت، هرکدام از این شاهان به نمایندگی از ملت ایران و به‌منظور به‌دست‌آوردن محبوبیت ملی، این خدمات را ازسوی عاشقان امیرمؤمنان برای جاویدان‌شدن یادشان در حرم علوی به یادگار گذاشته‌اند که البته نامشان نیز به‌گونه‌ای با تاریخ ایران‌زمین گره‌خورده است.

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۴۳

### کتیبه ایوان شرقی

در دیواره خارجی ایوان شرقی کتیبه‌ای وجود دارد که از کنار مناره جنوبی آغاز شده است و پس از عبور از فضای داخلی بالای درب رواق به کنار مناره شمالی می‌رسد. این کتیبه شامل ۲۸ بیت شعر ترکی و سروده میرزا عبدالرزاق تبریزی جهانشاهی است که به فرمان نادرشاه افشار به خط نستعلیق روی خشت‌های طلایی میناکاری شده و مضمون آن کتیبه دیگری در بالاترین قسمت ایوان و تقریباً چسبیده به سقف آن موجود است که متن آن عربی است و به خط ثلث روی خشت‌های طلا کتابت شده و مضمون آن تاریخ طلاکاری ایوان و گنبد مطهر نادرشاه در سال ۱۱۵۶ قمری است. (انصاری، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۴۲).



شکل شماره سی و سه - اولین سطر کتیبه طلاکاری ایوان شرقی

### کتیبه گنبد

به دستور نادرشاه، روی گریو گنبد مطهر کتیبه‌ای میناکاری با به‌کارگیری طلا و مس به شکل کمربندی و به عرض ۱/۴۶ متر در سه ردیف نصب شده که در آن، علاوه بر آیات قرآن کریم سوره مبارکه فتح تا اوایل آیه دهم و ابیاتی از میرزا زکی مشهدی مشهور به ندیم به زبان ترکی، عربی و فارسی است. در این کتیبه، ضمن مدح امیرمؤمنان از خدمات نادرشاه افشار در سال ۱۱۵۶ قمری در طلاکاری گنبد و ایوان یاد شده است (انصاری، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۶۳).



شکل شماره سی و چهار- کتیبه گنبد آیات قرآن و گزارش بازسازی و عمران

### پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۲۴

#### نتیجه‌گیری

در میان حرم‌های منور می‌توان قدیمی‌ترین حرم را حرم نورانی امیرمؤمنان دانست که عمری ۱۴۰۰ ساله دارد و مجموعه‌بنا، مدفونان و طراحی آن را می‌توان موزه‌ای از هنرهای مختلف شیعی و اسلامی به درازای اسلام دانست. یکی از این هنرها، کتیبه‌های رنگارنگ، پرتنوع و فراوانی است که در جای‌جای این حرم‌ها به‌خصوص در حرم علوی جلوه‌گر است. براساس این پژوهش که با مطالعه تعدادی از پربازدیدترین و تکرارترین کتیبه‌های این حرم مطهر سامان یافته‌است، میهمان‌دار که آفرینندگان این کتیبه‌هاست، تحت تأثیر رویکردهای حاکم بر اندیشه و فرهنگ دوره‌های بازسازی و عمران این حرم مطهر، یعنی دوره‌های صفوی، افشاری و قاجاری به ساختن این کتیبه‌ها پرداخته‌است. یکی از اصلی‌ترین رویکردها در این کتیبه‌ها، تطبیق مفاهیم قدسی با فضای حرم است. این رویکرد به زائران یاری می‌دهد تا بیش‌ازپیش زمان حضورشان را در حرم غنیمت و حرم را شهر دانش آسمانی پیامبر اسلام و بهشت روی زمین که جایگاه متقیان است، بدانند. همچنین، آن‌ها را با فضائل و مناقب امیرمؤمنان بیشتر آشنا کرده‌است و با نمایش مناجات و اذکار توسل زائران را به‌سوی مناجات و توسل به امیرمؤمنان برای برآورده‌شدن حاجت‌ها سوق داده‌است. همچنین، ضمن ابدی‌کردن نام بانیان و سازندگان این آثار با ثبت گزارش این بازسازی‌ها بر اثبات حقانیت مکتب تشیع براساس روایاتی که دانشمندان اهل سنت درباره امام‌علی علیه‌السلام نقل

کرده‌اند، صححه گذاشته‌اند و با بیان صفات برجسته امام در آیات و روایات زائران را تشویق به اقتدا و الگوگیری از امام کرده‌اند. این گونه است که این هنر به‌عنوان یک رسانهٔ قدسی و فاخر در ارتقای علمی و معنوی زائران حرم امیر مؤمنان کارکرد دارد.

### منابع

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی مناقب آل ابی طالب. قم، علامه، ۱۳۷۹. ق.
- ابن طاووس، سید عبدالکریم فوچه الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام فی النجف. نجف. بی‌نا، ۱۴۱۳. ق.
- ابن ابی یعلی، محمد طبقات الحنابلة. بیروت، دار المعرفة. [بی‌تا].
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید. قم، مكتبة آية الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴. ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان. بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷. ق.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق. بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵. ق.
- ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد، جمع الآداب فی معجم الألقاب. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶. ق.
- استرآبادی، علی. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة. قم - ایران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸. ش.
- انصاری، هادی تاریخ نجف از آغاز تاکنون. تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران. ش. ۱۴۰۲.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت. قم، مرکز چاپ و نشر، ۱۴۱۵. ق.
- بخشی، سعید و شکری، آرزو اثبات امامت امیرالمؤمنین علی. (ع) از طریق حدیث وصایت از منابع شیعه و اهل سنت و پاسخ به شبهات. پژوهشنامهٔ کلام تطبیقی شیعه، ۴: ۱۴۰۱. ق.
- برازش، علیرضا، جوانی، هاییل، فرهادی، زینب، بهشتی نژاد، رسول، و خلاش، مصطفی. تفسیر اهل بیت علیهم السلام. تهران - ایران، امیرکبیر. ۱۳۹۴. ش.
- بزرکهارت، تیتوس و استادی، جلال هنر مقدس، اصول و روش‌ها. تهران، سروش، ش. ۱۳۷۶.
- بهرمان، علیرضا تزیینات طلاکاری حرم مطهر مولای متقیان امام علی (ع) در نجف اشرف. مجلهٔ مطالعات هنر اسلامی، ۱۶(۸)، ۱۳۹۱. ش.
- بهرمان، علیرضا و کردوانی، لیلی. تزیینات طلاکاری حرم مطهر مولای متقیان امام علی (ع) در نجف اشرف. نگارش برای همایش میراث مشترک ایران و عراق. ش. ۱۳۹۴.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله المستدرک علی الصحیحین. بیروت، دارالتأسیس، ۱۴۳۵. ق.

- حکیم، حسن عیسی المفصل فی تاریخ النجف الأشرف. قم، المكتبة الحیدریة، ۱۴۲۷ ق.  
- حکیمی، محمدرضا ادبیات و تعهد در اسلام، دلیل ما. قم، [بی‌نا]. ۱۴۰۱. ش.  
- خارستانی، اسماعیل، تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی و ارتقا جایگاه تربیتی آنها. مجله معرفت، ۳۰(۶)، ش ۱۴۰۰.

- خراسانی، علی دائرةالمعارف قرآن کریم. جلد چهارم، بوستان کتاب، ش ۱۴۰۲.  
- خزائیلی، محمداقر، تبیین رویکرد فرهنگی حکومت صفوی به عتبات عالیات. فصلنامه علمی مطالعات بقاع  
و اماکن متبرکه، (۱)، ۱۴۰۲.

## بیژوهش‌نامه تاریخ تشیع

- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد او مدینة السلام. بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.  
دوره جدید، سال اول - خطیب نیا، مهین، نمود مفاهیم عرفانی و صوفیانه شعر در معماری بقاع متبرکه. مطالعات هنر اسلامی، (۴۸)، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴ ش ۱۴۰۱.

۱۴۶

- دوزدوزانی تبریزی، یدالله، استفتانات حضرت آیت‌الله العظمی دوزدوزانی تبریزی. تهران، تابان، ۱۳۷۹.  
- رخشان، منوچهر؛ محمد، اکوان و شکری، محمد تحلیل نقوش و تزئینات کتیبه‌های دوره قاجار در نشانه‌شناسی  
از منظر رولان بارت با تأکید بر مسجد سپه‌سالار و عمارت مسعودیه. مجله مطالعات هنر اسلامی، (۵۱)، :  
ش ۱۴۰۰.

- رستاخیز، سید عباس دیوان حسن کاشی (با مقدمه حسن عاطفی). تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس  
شورای اسلامی، ش ۱۳۸۸.  
رسولی رقیه و گروه نویسندگان مدخل حسن کاشی مولانا حسن بن محمود کاشانی آملی دانشنامه جهان اسلام.  
ج ۱۳، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ش ۱۳۹۳.

- زیرکی، مهدی و ایزدی، حسین مناقبت خوانی در دوران آل بویه. مجله تاریخ اسلام، ۹: ۱۳۸۷.  
- صالح، صالح علی الروضة المختارة، شرح القصائد الهاشمیات. القصائد العلویات السبع. بیروت، مؤسسة  
الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ ق.  
- طباطبایی، سید محمدحسین طباطبایی المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۵۲  
ق.

- طبرسی، فضل بن حسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۸ ق.  
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم: انوار المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة (ع) (تحقیق باسم  
محمد اسدی). قم، دلیل ما. ۱۴۲۷ ق.

- طبری، محمد بن جریر و شاکر، محمود محمد [بی‌تا]. تہذیب الآثار و تفصیل الثابت عن رسول الله صلی  
الله علیه و سلم من الأخبار، مطبعة المدني، قاهره، [بی‌تا].  
- طبری، محمد بن جریر جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.

- طوسی، محمد بن حسن و حسن‌زاده، صادق امالی شیخ طوسی، اندیشه هادی. قم، [بی‌نا]، ۱۳۸۸.
- عبدی، زهرا رویکرد دینی نادرشاه و تأثیر آن بر شیعیان و عالمان شیعه. مجله شیعه‌شناسی، ۱۳(۵۲)، ۱۳۹۴.
- سید عابد، علی؛ عرفی شیرازی، مجله هلال، شماره ۳: ۱۳۲۳ ش
- فخر رازی، محمد بن عمر مفاتیح الغیب. بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فرطوسی، صلاح مهدی تاریخچه آستان مطهر امام‌علی (ع) (ترجمه حسین طه نیا). تهران، مشعر، ۱۳۹۳.
- قربانی، مهدی نگاهی به آثار خوشنویسان ایرانی در کتیبه‌های عتبات عالیات. مجله چیدمان، ۵: ۱۵، ش. ۱۳۹۵.
- قمی، علی بن ابراهیم تفسیر القمی. قم، دار الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم ینابیع المودة لذوی القربى. قم، اسوه، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ق.
- کاشفی، محمدرضا تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، دفتر برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی، ۱۳۸۴.
- کاظمی دلیکانی، مریم اقدامات عمرانی شاهان صفوی در عتبات عالیات. مجله تاریخ اسلام، ۱۸(۱)، ش. ۱۳۸۶.
- کشفی، محمد صالح حسینی مناقب مرتضوی. تهران، روزنه، ش. ۱۳۸۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق الکافی. تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- گروه نویسندگان، دلیل العتبه العلویه. نجف اشرف، [بی‌نا]، ۲۰۱۱ م.
- مجلسی، محمدباقر بحارالانوار. بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محدثی، جواد فرهنگ غدیر. قم، نشر معروف، ش ۱۳۸۶.
- مرعشی، قاضی سید نورالله إحقاق الحق و إزهاق الباطل. قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ ق.
- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، زرین، ۱۳۸۶. ش.
- مفید، محمد بن محمد الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد. کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)، قم. ۱۴۱۳ ق.
- مقاتل بن سلیمان بن بشیر الأزدي البلخی تفسیر مقاتل بن سلیمان (المحقق عبد الله محمود شحاته). بیروت، دار احیاء التراث. ۱۴۲۳ ق.
- مقصودی، مهدی نگاهی به آثار خوشنویسان ایرانی در کتیبه‌های عتبات عالیات. مجله چیدمان، ۵(۱۵)، ش. ۱۳۹۵.
- مکی‌نژاد، مهدی تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی، تزیینات معماری. تهران، سمت. ۱۳۹۹ ش.
- میبیدی یزدی، میرحسین بن معین‌الدین شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب به کوشش اکرم شفانی). براساس نسخه سایت تصوف ایران. [بی‌تا].

رویکردهای فرهنگی در نگارش کتیبه‌های حرم علوی در چهار قرن اخیر

-هندسی، سعید هفت‌بند هفتاد‌بند هفت‌بند حسن کاشی و مجموعه‌سیزده هفت‌بند و یک تخمیس و تضمین  
به افتخای آن). تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۸ ش.

پژوهش‌نامه  
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،  
شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

۱۴۸